

## جنگ خواست امریکاست، نه حل مسئله گروگانها

ایران بود، سیدرفت .  
ما در کار شماره ۰۸۳ ۴  
شرط مجلس را به شرح زیر  
خلاصه کردیم :  
۱- دولت امریکا باید  
تعهد نماید که از این پس  
هیچگونه دخالت مستقیم و  
بفقه در صفحه ۳

سرانجام ۵۲ گروگان  
امریکائی، ۱۴ ماه پس از  
تسخیر انقلابی مرکز  
جاسوسی امریکا آزادی گردند و  
مسئله گروگانها با وساطت  
دولت الجزایر حل می شود .  
دولت جمهوری اسلامی  
ایران توانست تنها به بخشی

### طبقه کارگر دژ استوار پایداری در برابر تجاوزگران

#### خون کارگران پیشرو

#### سرخ صبح پیروزی

#### زحمتکشان

در صفحه ۱۷



☆ فدائی شهید  
رفیق نوری نیاکان

شهادت ۳ کارگر پیشرو : \*علیرضا کاظمی\* \*محمدصغیر رضانی\*  
\*نوری نیاکان در جبهه های جنوب، یکبار دیگر نقش پیشواز  
طبقه کارگر ایران را در پاسداری از دستاوردهای انقلاب  
باز می گوید .

خون پیشروان طبقه کارگر ایران، این دژ همیشه استوار  
پایداری در برابر تجاوزگران، سرخی صبح پیروزی زحمتکشان  
را نوید می دهد. ایثار و فداکاری کارگران پیشرو نشانه اراده  
و تصمیم آهنین طبقه کارگر برای تعمیق استقلال و آزادی میهن است

به مناسبت پنجاه و هفتمین سالگرد درگذشت لنین

### ☆ لنین، انسان طراز نوین

### شاخص خرد، وجدان

### و شرف دوران ما



☆ لنین از وسوسه و گشمتگی که معمولا در درون  
روشنفکران انقلابی برخاسته از میان اقشار جامعه  
جریان می یابد، برکنار بود. گشمتگی که بطور  
مرتب این سؤال را پیش می کشد که زندگی را به  
چه نسبتی باید بین زندگی اجتماعی و زندگی  
شخصی تقسیم کرد و به اصطلاح چه مقدار  
"فداکاری" در راه مبارزه انقلابی کارگران و  
پیروزی انقلاب کافی است؟

تمام مبارزان راه کمونیسم ندرتاً برای حل  
مسائل مبارزاتی خود، بلکه برای حل مشکلات  
زندگی شخصی خود نیز از زندگی لنین درس  
می گیرند .

در صفحه ۸

### یک دهه پیکار افتخار آفرین

### فدائیان خلق (اكثریت)

### سالروز حماسه سیاهکل

### را گرامی داریم

حماسه سیاهکل تجلی خشم و نفرت انقلابیون  
ایران علیه دیکتاتوری شاه و سلطه امپریالیسم  
امریکاست .

فداکاری در راه رهایی خلق و تسلیم ناپذیری  
در برابر دشمنان خلق، سنت انقلابی فدائیان  
خلق است .

با بزرگداشت حماسه سیاهکل (۹ بهمن ۱۳۴۹)  
و گرامی داشت یک دهه پیکار افتخار آفرین سازمان  
چریکهای فدائی خلق ایران (اكثریت)، از سنتهای  
انقلابی سازمان پاسداری کنیم و خاطره شگوهمند  
حماسه آفرینان سیاهکل را که با آرمان کمونیسم  
در راه استقلال و آزادی میهن قهرمانانه پیکار  
کردند، بزرگ داریم .

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اكثریت)  
اول دیماه ۱۳۵۹

### چه کسانی به لیبرالها

### خدمت می کنند

نمایش مضحك ۲۳ دی ماه شاهکار جدید «چپ روها»

**در این شماره**

انقلاب السوادیر  
در آستانه پیروزی  
و نخست دوم اسفند ۱۱

جیش دهقانی ایران  
اهالی روسای «رودبار سرا» و «خونبار»  
فردالها و ضد انقلابیون آزاد شده را مجازات کنید  
در صفحه ۷

از تجارب انقلاب کوبا بیاموزیم  
حالی آن دارد که دولت جمهوری اسلامی با اتخاذ سیاست های وفاق ملی در زمینه های ملی  
و خارج غرضی و ستاوری از تحریکات متمرکز انقلابی همین کوبا پیروز گرد  
در صفحه ۹

اعزام گروهی از ننگران جنگ زده به سنگرهای  
آبادان و خونین شهر  
در صفحه ۱۹

پاسداران باید به سلاح های سنگین مسلح شوند  
در صفحه ۱۵

## متحد شویم!

تجاوزات امپریالیسم امریکا و رژیم عراق را درهم کوبیم

# چه کسانی به لیبرالها خدمت می کنند

نمایش مضحك ۲۳ دی ماه شاهکار جدید چپ روها

حوادث روز ۲۳ دی نمونه برجسته دیگری بود که نشان داد چگونه برخی گروههای سیاسی به دلایل مواضع سیاسی و تحلیل های بغایت انحرافی شان به آسانی، آلت دست لیبرالها می شوند. قضیه از این قرار بود که روزنامه های میزان، ارگان رسمی لیبرالهای ایران و انقلاب اسلامی از یکی دو

خودشان را نصب کنند و ماهها است که بی سرای وزارتخانه های کلیدی مثل وزارت خارجه، وزارت بازرگانی و وزارت اقتصاد و دارائی که وزرایش هنوز تعیین نشده اند، دندان تیز کرده اند و می کوشند از نیروهای خود در بازار، ادارات و هرجای دیگر برای نصب وزرای خود استفاده

انقلاب است، در جهت شکست انقلاب بهره گیرند، پس چه یاران و متحدانی بهتر از آنهایی که مدتها است علیه "ارتجاع" و "فاشسیم" به مبارزه برخاسته اند و مصممند هر حرکت اعتراضی را نه علیه امپریالیسم بلکه علیه خط امامیها جهت دهند. کافی است لیبرالها و بنی صرهای

در صنایع نفت و غیره بریزند و دیگر خاطر جمع باشند که به محض آنکه خبر حرکتشان در اینجا و آنجا درز کند، اقلیتیها، پیکاریها، راه کارگریها و دیگر "چپروهای" ریز و درشت برای گرفتن "هژمونی" برای آنکه از لیبرالها عقب نیفتند خیلی سریع تر از لیبرالها به حرکت درآیند.

۱- با ایجاد یک حرکت اعتراضی زیر پوشش شعار "بازگشائی دانشگاهها" در مبارزه طبقاتی خود علیه پیشرفت انقلاب "چپروها" را مثل همیشه به خدمت بگیرند، در شرایطی که مهین ما در جنبه های به طول یک هزار متر با تجاوزگران می جنگد، امپریالیسم درصدد عطفی ساختن نقشه های جدید علیه مردم ما است و انقلاب در نبرد مرگ و زندگی با امپریالیستها و همه مرتجعین منطقه درگیر است، افکار عمومی را از توجه به امپریالیسم و جنایات آن منحرف سازند، نیروی خلق را که باید یکپارچه علیه دشمن به کار گرفته شود به هدر دهند و خلاصه در مبارزه جنبه ضدانقلاب علیه انقلاب گامی به پیش بردارند.

لیبرالها برای پیشبرد سیاست های خود خیلی حساب شده هم برای آن گروه های سیاسی که شعارهایشان با شعارهای لیبرالها جور درمی آید، دانه می پاشند، آنان را به دام می اندازند و در جهت منافع خود به بازی می گیرند.

ماه مانده به روز ۲۳ دی، زیر پوشش "بازگشائی دانشگاهها" اشارات و مقالاتی داشتند در جهت پیشبرد سیاست های خود. لیبرالها از ماهها پیش زبرکانه به برخی گروه های سیاسی چنین حالی می کردند که درصدد در روزهای آتی حرکاتی به منظور "بازگشائی دانشگاهها" انجام دهند. از این گذشته آنها از چند ماه پیش میان برخی از دانشگاهیان که البته اقلیتی از جامعه دانشگاهیان به حساب می آیند، فعالیت های خود را گسترش داده و

کنند. آنها در نعت، در شرکت واحد و در هرکجای دیگری سخت تلاش داشته و دارند نیروهای خود را تقویت کنند و تا آنجا که ما اطلاع داریم، کوششی هم در روزهای اخیر برای به راه انداختن اعتصاب در شرکت واحد صورت داده اند که با مخالفت اکثریت کارگران و کارکنان شریف و زحمتکش شرکت واحد و تلاش نیروهای انقلابی با شکست روبرو شده است.

در بازار، در اداره، در کارخانه و دانشگاه یک کلمه علیه "ارتجاع" بگویند تا این گروه های "چپرو" برای آنکه از رقبای خود عقب نیفتند، با تمام قدرت در همان جهت حرکت کنند. آخر مگر می شود حرکت تجار بازار علیه پیشرفت انقلاب و هر حرکت دیگری شبیه به آن را به مهدی بازرگان و شرکا سپرد؟ اگر نباید سپرد، پس تنها راهش این است که "چپروها" به محض آنکه مهدی بازرگان و شرکاء خواستند در جایی حرکت راه بیندازند، آنها زودتر حرکت کنند و گوی سبقت را از آنها بربایند. باورکردنی نیست اما برآستی جوهرر استدلال این جریانهاست که ماهیت مبارزه طبقاتی جاری را در نمی یابند، همین است و بس.

لیبرالها مطمئن هستند که "چپروها" سیاستشان این است که نه تنها با هیچ حرکتی علیه خط امام، با هیچ حمله ای از هر موضع طبقاتی که باشد مخالفت نمی کنند، بلکه رسالت خود می دانند که در پیشاپیش آن به حرکت درآیند و بنابراین به سادگی نقش سپر بلای لیبرالها را نیز بازی کنند، دیگر به راستی که متحدی بهتر از این پیدا نمی شود!

۲- با به بازی گرفتن "چپروها" و فرستادن آنها به صحنه، دستاویزی برای ایجاد هیستری ضدکمونیستی در جامعه ایجاد کنند، با به بازی گرفتن "چپروها" بطور کلی به جنبش کمونیستی و به همه نیروهای انقلابی آسیب رسانند و خلاصه اگر بتوانند برخی از مردم را علیه جنبش کمونیستی به موضع گیری وادارند که این خود نیز از هرجعت به سود لیبرالها، به سود ضد انقلاب و به زبان انقلاب است.

خلاصه کلام اینکه لیبرالها این روزها مدتی است که برای پیشبرد

لیبرالها خیلی حساب شده بر آن بودند با ایجاد یک حرکت اعتراضی زیر پوشش شعار "بازگشائی دانشگاهها" برای تبلیغات ضدکمونیستی در جامعه خوارک تهیه کنند.

برای آنها مهم نیست که ماهیت و مضمون طبقاتی اعتراضات و حرکات چیست؟ برای آنها مهم نیست که به قول خودشان سیاست هایشان "شبهت های ظاهری" داشته باشد. آنچه مهم است شرکت در این اعتراضات و در صورت امکان، گرفتن رهبری این اعتراضات است.

لیبرالها با توجه به نارضایتی عمومی از سیاست مخرب تعطیل دانشگاهها توسط حکومت جمهوری اسلامی و با توجه به زمینه های عینی رشد نارضایتیها که قبلا برشمرده ایم بر آن می شوند که از این نمذ نیز کلاهی بدوزند و بر سر خلق الله بگذارند. لیبرالها همانگونه که تاکید کردیم می دانند که کافی است نشان دهند که می خواهند بر سر مسئله دانشگاه حرکت را بدیندازند تا تمام "چپروها" را به حرکت وادارند و صدها کیلومتر جلوتر از خود به جنبه نبرد بفرستند درست با همین علم و اطلاع از وضعیت "چپروها" است که محافل لیبرال تصمیم می گیرند طی یک نقشه حساب شده با یک تیر دو نشان بزنند:

لیبرالها خیلی حساب شده بر آن بودند که اگر این کارشان گرفت و توده وسیعی از مردم به حرکت درآمدند که چه بهتر از این، موضع آنها تقویت خواهد شد خط امام در مبارزه طبقاتی علیه لیبرالها تضعیف می شود و ناچار گامی به عقب برمی دارد و خلاصه حضرات در جهت پیشبرد سیاست های خود گامی به پیش بردارند. اگر هم کارشان ننگرفت باز هم ضرر نکرده اند. همه کاسه و کوزه ها بر سر "چپروها" خواهد شکست و اقبال اگر کمک کند خواهند توانست از این حادثه در حد خود نه علیه "چپروها" بلکه برای تبلیغات ضدکمونیستی در جامعه خوارک تهیه کنند. . . . با در نظر گرفتن این جوانب بود که روزنامه

"سازماندهی" حرکاتی را زیر "بازگشائی دانشگاه" آغاز کرده بودند که البته هدف آن مخالفت با پیشروی انقلاب، ایجاد جو بی ثباتی ایجاد جو درگیری و تشنج و خلاصه پیشبرد سیاستی بود که هدف نهایی آن "تسخیر قدرت سیاسی" است.

لیبرالها با توجه به نارضایتی عمومی از سیاست مخرب تعطیل دانشگاهها توسط حکومت جمهوری اسلامی و با توجه به زمینه های عینی رشد نارضایتیها که قبلا برشمرده ایم بر آن می شوند که از این نمذ نیز کلاهی بدوزند و بر سر خلق الله بگذارند. لیبرالها همانگونه که تاکید کردیم می دانند که کافی است نشان دهند که می خواهند بر سر مسئله دانشگاه حرکت را بدیندازند تا تمام "چپروها" را به حرکت وادارند و صدها کیلومتر جلوتر از خود به جنبه نبرد بفرستند درست با همین علم و اطلاع از وضعیت "چپروها" است که محافل لیبرال تصمیم می گیرند طی یک نقشه حساب شده با یک تیر دو نشان بزنند:

لیبرالها با توجه به نارضایتی عمومی از سیاست مخرب تعطیل دانشگاهها توسط حکومت جمهوری اسلامی و با توجه به زمینه های عینی رشد نارضایتیها که قبلا برشمرده ایم بر آن می شوند که از این نمذ نیز کلاهی بدوزند و بر سر خلق الله بگذارند. لیبرالها همانگونه که تاکید کردیم می دانند که کافی است نشان دهند که می خواهند بر سر مسئله دانشگاه حرکت را بدیندازند تا تمام "چپروها" را به حرکت وادارند و صدها کیلومتر جلوتر از خود به جنبه نبرد بفرستند درست با همین علم و اطلاع از وضعیت "چپروها" است که محافل لیبرال تصمیم می گیرند طی یک نقشه حساب شده با یک تیر دو نشان بزنند:

لیبرالها با توجه به نارضایتی عمومی از سیاست مخرب تعطیل دانشگاهها توسط حکومت جمهوری اسلامی و با توجه به زمینه های عینی رشد نارضایتیها که قبلا برشمرده ایم بر آن می شوند که از این نمذ نیز کلاهی بدوزند و بر سر خلق الله بگذارند. لیبرالها همانگونه که تاکید کردیم می دانند که کافی است نشان دهند که می خواهند بر سر مسئله دانشگاه حرکت را بدیندازند تا تمام "چپروها" را به حرکت وادارند و صدها کیلومتر جلوتر از خود به جنبه نبرد بفرستند درست با همین علم و اطلاع از وضعیت "چپروها" است که محافل لیبرال تصمیم می گیرند طی یک نقشه حساب شده با یک تیر دو نشان بزنند:

لیبرالها با توجه به نارضایتی عمومی از سیاست مخرب تعطیل دانشگاهها توسط حکومت جمهوری اسلامی و با توجه به زمینه های عینی رشد نارضایتیها که قبلا برشمرده ایم بر آن می شوند که از این نمذ نیز کلاهی بدوزند و بر سر خلق الله بگذارند. لیبرالها همانگونه که تاکید کردیم می دانند که کافی است نشان دهند که می خواهند بر سر مسئله دانشگاه حرکت را بدیندازند تا تمام "چپروها" را به حرکت وادارند و صدها کیلومتر جلوتر از خود به جنبه نبرد بفرستند درست با همین علم و اطلاع از وضعیت "چپروها" است که محافل لیبرال تصمیم می گیرند طی یک نقشه حساب شده با یک تیر دو نشان بزنند:

به دانشگاهها محدود نمی شود آنها به ویژه در ماههای گذشته در بازار تجار بزرگ و همه مخالفان ملی شدن تجارت خارجی مثل دستمالچیها، لباسچیها و امثال آنها را برای پیشبرد سیاست های خود سازماندهی کرده اند، در ارتش بطور وسیعی دست به فعالیت و تدارک نیرو زده اند، در وزارتخانه ها و ادارات همچنان تلاشید ارتد مبره های

وقتی لیبرالها باید برای پیشبرد سیاست های خود علیه به اصطلاح "ارتجاع" و "فاشسیم" بجنگند و مصممند که در این راه حتی الامکان از نارضایتی و اعتراضاتی که عمدتا نتیجه عدم پاسخگویی به نیازهای انقلاب، نتیجه اقدامات امپریالیسم و خود

لیبرالها علیه پیشروی

لیبرالها با توجه به نارضایتی عمومی از سیاست مخرب تعطیل دانشگاهها توسط حکومت جمهوری اسلامی و با توجه به زمینه های عینی رشد نارضایتیها که قبلا برشمرده ایم بر آن می شوند که از این نمذ نیز کلاهی بدوزند و بر سر خلق الله بگذارند. لیبرالها همانگونه که تاکید کردیم می دانند که کافی است نشان دهند که می خواهند بر سر مسئله دانشگاه حرکت را بدیندازند تا تمام "چپروها" را به حرکت وادارند و صدها کیلومتر جلوتر از خود به جنبه نبرد بفرستند درست با همین علم و اطلاع از وضعیت "چپروها" است که محافل لیبرال تصمیم می گیرند طی یک نقشه حساب شده با یک تیر دو نشان بزنند:

لیبرالها با توجه به نارضایتی عمومی از سیاست مخرب تعطیل دانشگاهها توسط حکومت جمهوری اسلامی و با توجه به زمینه های عینی رشد نارضایتیها که قبلا برشمرده ایم بر آن می شوند که از این نمذ نیز کلاهی بدوزند و بر سر خلق الله بگذارند. لیبرالها همانگونه که تاکید کردیم می دانند که کافی است نشان دهند که می خواهند بر سر مسئله دانشگاه حرکت را بدیندازند تا تمام "چپروها" را به حرکت وادارند و صدها کیلومتر جلوتر از خود به جنبه نبرد بفرستند درست با همین علم و اطلاع از وضعیت "چپروها" است که محافل لیبرال تصمیم می گیرند طی یک نقشه حساب شده با یک تیر دو نشان بزنند:

لیبرالها با توجه به نارضایتی عمومی از سیاست مخرب تعطیل دانشگاهها توسط حکومت جمهوری اسلامی و با توجه به زمینه های عینی رشد نارضایتیها که قبلا برشمرده ایم بر آن می شوند که از این نمذ نیز کلاهی بدوزند و بر سر خلق الله بگذارند. لیبرالها همانگونه که تاکید کردیم می دانند که کافی است نشان دهند که می خواهند بر سر مسئله دانشگاه حرکت را بدیندازند تا تمام "چپروها" را به حرکت وادارند و صدها کیلومتر جلوتر از خود به جنبه نبرد بفرستند درست با همین علم و اطلاع از وضعیت "چپروها" است که محافل لیبرال تصمیم می گیرند طی یک نقشه حساب شده با یک تیر دو نشان بزنند:

لیبرالها با توجه به نارضایتی عمومی از سیاست مخرب تعطیل دانشگاهها توسط حکومت جمهوری اسلامی و با توجه به زمینه های عینی رشد نارضایتیها که قبلا برشمرده ایم بر آن می شوند که از این نمذ نیز کلاهی بدوزند و بر سر خلق الله بگذارند. لیبرالها همانگونه که تاکید کردیم می دانند که کافی است نشان دهند که می خواهند بر سر مسئله دانشگاه حرکت را بدیندازند تا تمام "چپروها" را به حرکت وادارند و صدها کیلومتر جلوتر از خود به جنبه نبرد بفرستند درست با همین علم و اطلاع از وضعیت "چپروها" است که محافل لیبرال تصمیم می گیرند طی یک نقشه حساب شده با یک تیر دو نشان بزنند:

لیبرالها با توجه به نارضایتی عمومی از سیاست مخرب تعطیل دانشگاهها توسط حکومت جمهوری اسلامی و با توجه به زمینه های عینی رشد نارضایتیها که قبلا برشمرده ایم بر آن می شوند که از این نمذ نیز کلاهی بدوزند و بر سر خلق الله بگذارند. لیبرالها همانگونه که تاکید کردیم می دانند که کافی است نشان دهند که می خواهند بر سر مسئله دانشگاه حرکت را بدیندازند تا تمام "چپروها" را به حرکت وادارند و صدها کیلومتر جلوتر از خود به جنبه نبرد بفرستند درست با همین علم و اطلاع از وضعیت "چپروها" است که محافل لیبرال تصمیم می گیرند طی یک نقشه حساب شده با یک تیر دو نشان بزنند:

لیبرالها با توجه به نارضایتی عمومی از سیاست مخرب تعطیل دانشگاهها توسط حکومت جمهوری اسلامی و با توجه به زمینه های عینی رشد نارضایتیها که قبلا برشمرده ایم بر آن می شوند که از این نمذ نیز کلاهی بدوزند و بر سر خلق الله بگذارند. لیبرالها همانگونه که تاکید کردیم می دانند که کافی است نشان دهند که می خواهند بر سر مسئله دانشگاه حرکت را بدیندازند تا تمام "چپروها" را به حرکت وادارند و صدها کیلومتر جلوتر از خود به جنبه نبرد بفرستند درست با همین علم و اطلاع از وضعیت "چپروها" است که محافل لیبرال تصمیم می گیرند طی یک نقشه حساب شده با یک تیر دو نشان بزنند:

لیبرالها با توجه به نارضایتی عمومی از سیاست مخرب تعطیل دانشگاهها توسط حکومت جمهوری اسلامی و با توجه به زمینه های عینی رشد نارضایتیها که قبلا برشمرده ایم بر آن می شوند که از این نمذ نیز کلاهی بدوزند و بر سر خلق الله بگذارند. لیبرالها همانگونه که تاکید کردیم می دانند که کافی است نشان دهند که می خواهند بر سر مسئله دانشگاه حرکت را بدیندازند تا تمام "چپروها" را به حرکت وادارند و صدها کیلومتر جلوتر از خود به جنبه نبرد بفرستند درست با همین علم و اطلاع از وضعیت "چپروها" است که محافل لیبرال تصمیم می گیرند طی یک نقشه حساب شده با یک تیر دو نشان بزنند:

بقیه از صفحه ۱

# جنگ خواست امریکاست، نه...

غیر مستقیم سیاسی و نظامی در امور جمهوری اسلامی ننماید.

۲- آزاد کردن همه سرمایه‌ها و کلیه اموال ایران و از میان برداشتن همه موانعی که دولت امریکا از ۲۳ آبان ۵۸ در راه دخل و تصرف دولت ایران در سرمایه‌ها و دارائی‌های ایران ایجاد کرده است.

۳- لغو کلیه اقدامات اقتصادی و مالی علیه ایران و اعلام ابطال کلیه دعاوی از جانب اشخاص حقوقی و حقیقی که در رابطه با تسخیر مرکز جاسوسی امریکا عنوان شده است.

۴- بازپس دادن ثروت‌هایی که شاه از مردم ایران غارت کرده است.

ما در آن زمان اعلام داشتیم که اگر امریکالیسم امریکا ۴ شرط ایران را بپذیرد، این شکست بزرگی برای امریکالیسم امریکا و موفقیتی بزرگ برای انقلاب ایران خواهد بود و افزودیم که پذیرفتن چنان شرایطی، چهره فرتوت و جنایتکار امریکالیسم امریکا را بیش از پیش درانظار جهانیان افشا خواهد ساخت.

معلوم بود که امریکالیسم امریکا آنهم در شرایطی که زیر فشار بحران‌های عظیم اقتصادی، مرگ محتوم خود را هرچه نزدیکتر می‌نمید و برای فرار از بحران‌های اقتصادی خواستار ایجاد کانون‌های تشنج و جنگ در جهان است و طبعاً تلاش دارد حضور نظامی خود را در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس که به قول خود امریکالیست‌های امریکایی، منطقه منافع حیاتی امریکا است افزایش دهد به‌آسانی آسانی خواسته‌های برحق ایران را نخواهد پذیرفت بلکه مسئله گروگان‌ها را بهانه‌ای خواهد ساخت برای افزایش هرچه بیشتر حضور نظامی خود در منطقه و تهاجم علیه خلق انقلابی ما و دیگر خلق‌های خاورمیانه و سرشت جنایتکارانه

امریکالیسم امریکا به‌ویژه در شرایطی که تنها راه نجات موقت امریکالیسم از مرگ محتوم خود، ایجاد کانون‌های تشنج و بحران و داغ نگاهداشتن بازار سلاح‌ها و مهمات جنگی است چنین اقتضا میکند که با تمام قوا علیه انقلاب ایران و علیه هر حرکت ترقیخواهانه در منطقه و جهان بیش از پیش به ستیز برخیزد و در چنین شرایطی طبیعی است که امریکالیسم امریکا خواسته‌های عادلانه و برحق ایران را که در استرداد اموال به غارت رفته مردم خلاصه می‌شد، به‌آسانی نپذیرد. اگر از شرط اول که اهمیت سیاسی داشت و قطعاً هیچ تضمینی بر آن متصور نبود، بگذریم - تا بدین ترتیب اعمال جنایتکارانه خود و حضور ناوگان‌های جنگی خود بهانه گروگان‌ها را همچنان محفوظ نگهدارد و درست با توجه به همین واقعیت‌ها است که در شرایط امروز حل مسئله گروگان‌ها ضروری به نظر می‌رسید.

امریکالیسم امریکا و تمامی جبهه ارتجاع جهانی اکنون بیش از هر زمان دیگر خواستار تشنج و جنگ هستند و جبهه انقلاب جهانی با تمام قدرت برای اجتناب از جنگ و مهار زدن بر سیاست‌های جنگ - طلبانه ارتجاع جهانی تلاش می‌کند. مانورهای تبلیغاتی و سیاسی امریکالیسم امریکا بر سر گروگان‌ها نیز آشکارا نشان می‌داد که امریکالیسم امریکا بیش از آنکه خواستار حل مسئله گروگان‌ها باشد، طالب جنگ است.

اکنون بیش از هر زمانی روشن شده است که امریکالیسم امریکا در برابر خواسته‌ها و مطالبات برحق مردم ما، تمام تلاش خود را بکار می‌گیرد که از پاسخ دادن به این مطالبات شانه خالی کند ما تاکید می‌کنیم که حل مسئله گروگان‌ها نباید سبب شود که دولت جمهوری اسلامی از ادامه مبارزه برای

اتحقیق ۴ شرط عادلانه مجلس شورای اسلامی که مورد پشتیبانی همه نیروهای ترقیخواه ایران و جهان است دست بردارد. مسئله گروگان‌ها حل شده است، اما بخش مهمی از ۴ شرط عادلانه ایران را امریکالیست‌های غارتگر هنوز نپذیرفته‌اند. دولت جمهوری اسلامی باید به کمک همه نیروهای صلح‌دوست و ترقیخواه جهان برای تحقق کامل ۴ شرط عادلانه ایران مبارزه کند. ادامه این مبارزه جفائیت انقلاب ایران و زورگوئی و غارتگری امریکالیست‌ها را هرچه بیشتر بر مردم میهن و جهان آشکارتر خواهد ساخت.

اقدام انقلابی بازداشت گروگان‌های امریکایی گسه لیبرال‌ها را شرکت در حکومت به زیر کشید، با تلاش‌های آگاه‌گرانه همراه بود که چهره جنایتکار امریکالیست‌ها و دوستان و جاسوسان آنها را برای مردم ایران و جهان افشاء ساخت و ماهیت امریکالیسم را بیش از پیش برای دهها میلیون هم‌میهن ما افشاء کرد و قطعی‌تر نقش بس بزرگ در گسترش مبارزات ضد امریکالیستی میهن ما بجای گذاشت، روشن است که بازداشت گروگان‌ها می‌توانست برای همیشه ادامه یابد. این اقدام انقلابی که در نخستین ماه‌های پس از تسخیر انقلابی سفارت بزرگترین نقش را در افشای چهره خیانت‌پیشه لیبرال‌ها ایفاء کرد، پیرونده امیر انتظام‌ها، میناچی‌ها و ایزدی‌ها را در پیشگاه خلق افشاء ساخت و در معرفی دوستان و دشمنان انقلاب که مسئله مبرم هر انقلاب است نقش تاریخی بازی کرد. این اقدام که به‌ویژه با محاصره اقتصادی و همکاری همه امریکالیست‌ها علیه ایران ماهیت تجاوزکارانه و ضد بشری نه تنها امریکالیسم امریکا بلکه امریکالیست‌های اروپایی و ژاپنی را نیز برای دهها میلیون ایرانی و صد‌ها میلیون تن از مردم جهان

بیش از پیش افشا ساخت، با گذشت زمان نمی‌توانست همچنان عملکرد ماه‌های نخستین را دارا باشد. گذشت زمان می‌طلبید که دولت جمهوری اسلامی برای حل مسئله گروگان‌ها که کم کم به وسیله‌ای تبلیغاتی در دست امریکالیست‌ها برای فریب افکار عمومی مردم کشورهای امریکالیستی و بسیج آنها علیه انقلاب ایران و پیشبرد سیاست‌های جنگ طلبانه امریکالیست‌ها بدل می‌شد، اقدام کند.

مجلس شورای اسلامی در ۴ آبان ماه، ۴ شرط عادلانه خود را برای آزادی گروگان‌ها اعلام داشت و همان‌گونه که می‌دانیم امریکالیسم امریکا از ابتدا نشان داد که این شرایط را نخواهد پذیرفت اینک پس از گذشت نزدیک به ۴ ماه از اعلام شرایط ایران، پس از ماه‌ها مذاکره غیر مستقیم از طریق مقامات جمهوری دمکراتیک مردم الجزایر، دولت جمهوری اسلامی ایران، حل مسئله گروگان‌ها را اعلام داشته است.

تا این لحظه ساعت ۲۴ روز دوشنبه ۲۹ دی‌ماه با

وجود مصاحبه مفصل سخنگوی دولت، هنوز از مفاد توافق‌هایی که دولت الجزایر اعلام داشته و مورد موافقت دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت امریکا قرار گرفته است، باخبر نیستیم. با اینهمه از مصاحبه آقای بهزاد نبوی سخنگوی دولت چنین برمی‌آید که امریکالیسم امریکا تنها با بخشی از خواسته‌های عادلانه جمهوری اسلامی موافقت کرده و دولت جمهوری اسلامی برای حل مسئله گروگان‌ها از شرایطی که مجلس اعلام داشته بود، عدول کرده است. ۴ شرط پیشنهادی مجلس، شرایطی غیر منطقی بود. از این رو است که ما

اعتقاد داریم دولت جمهوری اسلامی می‌بایست همچنان با اتحاد و همکاری و هماهنگی همه نیروهای مردمی میهن و به‌کار گرفتن همه امکانات بین‌المللی صدای خود را به گوش جهانیان برساند و دلایل عادلانه بودن خواسته‌های برحق خود را برای جهانیان توضیح دهد و بدین سان درحد خود از یکسو با تبلیغات عوام‌فریبانه امریکالیست‌ها مقابله کند و از سوی دیگر درجهت تحقق خواسته‌های حق طلبانه مردم ایران گام بردارد.

ما نقد و بررسی مفاد توافقنامه اعلام شده از جانب دولت الجزایر را به خاطر عدم اطلاع کافی از آن به زمان دیگر موکول می‌کنیم و بر این نکته نیز تاکید می‌کنیم که دولت جمهوری اسلامی باید بجای خودداری از توضیحات کافی به مردم، همه دشواری‌هایی را که بر سر حل مسئله گروگان‌ها وجود داشته و همه دلایل خود را برای عدول از ۴ شرط پیشنهادی مجلس به مردم توضیح دهد و مطمئن باشد که اگر با صراحت لهجه مشکلات و دشواری‌های خود را با

امریکالیسم امریکا و تمامی جبهه ارتجاع جهانی اکنون بیش از هر زمان دیگر خواستار تشنج و جنگ هستند و جبهه انقلاب جهانی با تمام قدرت برای اجتناب از جنگ و مهار زدن بر سیاست‌های جنگ طلبانه ارتجاع جهانی تلاش می‌کند.

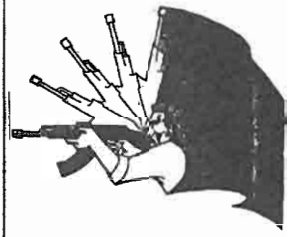
مردم در میان گذارد و دلایل سیاست‌ها و اقدامات خود را به مردم توضیح دهد، از حمایت و اعتماد بیشتر برخوردار خواهد شد. آنچه که در این لحظات برای انقلاب و مردم ما اهمیت حیاتی دارد تاکید بر ماهیت استثمارگر غارتگرانه و تجاوزکارانه امریکالیسم است امریکالیسم امریکا دست از توطئه و تجاوز علیه انقلاب ما برخواهد داشت. مبارزه مردم ما با امریکالیسم امریکا ادامه دارد و به نیروی اتحاد تشکل و آگاهی رزمنده‌ای که انقلاب را تا بدین جا رسانده است همچنان تا پیروزی نهایی به پیش خواهد رفت

## مردم میهن ما تا قطع کامل

## سلطه امریکالیسم امریکا به مبارزات خود ادامه خواهند داد

از یادداشت‌های فدائیان خلق در جبهه‌های جنگ

# سرشار از شوق پیروزی تا آخرین نفس می‌جنگیم



اسرا را که آوردند.  
عرب‌ها از شادی  
"بیزله" می‌رفتند

● شب قبل خبر رسیده بود که رزمندگان ایرانی مواضع تجاوزکاران عراقی را درهم کوبیده و تعداد بسیاری اسیر گرفته‌اند. قرار بود صبح روز بعد اسرا را از جبهه به شهر آورده و به استگاه راه‌آهن ببرند. مردم از سحرگاه به خیابان‌ها ریخته و جلو دروازه شهر انتظار اتوبوس‌ها را می‌کشیدند. این مردم همان زحمتگشانی بودند که در تمام روزهای جنگ در شهر مانده و دست به مقاومت دلیرانه‌ای زده بودند. در میان آنها انبوهی از زحمتکشان عرب دیده می‌شد که در میان شور و غوغای دیگران "بیزله" می‌رفتند. شادی و سرور بر دروازه شهر شکوفه کرده بود. پاسداران مسلح، کلاشکف بر دوش در حالیکه از خوشحالی بر پا بند بودند، بی‌صبرانه انتظار می‌کشیدند. پیرمرد دستفروشی که فقر و گرسنگی شان خود را بر چهره‌اش ثبت کرده بود، با یک صندوق سبک که آن را به زحمت روی شکم می‌کشید، جمعیت را کنار زد و خود را به پاسداران رساند، صندوق سبک را به آنها داد و با خنده‌ای که امید و زندگی از آن می‌بارید، به آنها گفت: هم‌ماش را خودتان بخورید" پیرمرد خوشحال به طرف

عربها دوید و گفت: "بیائید جلو، بیزله بروید" عربهای رحمتکش مرد و زن به میدان آمدند و در میان غوغای مردم شهر، بیزله رفتند. جمعیت در اوج شادی و سرور بود که پاسداری فریاد زد: "اسرا را آوردند!" مردم به طرف اتوبوس‌ها دویدند... اتوبوس‌ها وارد شهر شد و در میان شادمانی مردم به طرف ایستگاه راه‌آهن روانه شدند. مردها، زنها، کودکان دنبال اتوبوس‌ها می‌دویدند. در ایستگاه راه‌آهن، وقتی اسرا را به طرف قطار می‌بردند، عربهای بومی دور آنها را گرفته و با زبان عربی برای آنها صحبت می‌کردند. همین‌که فرمانده اسیر عراقی از کنار صف عربها گذشت، پیرمرد عـرب درمانده‌ای جمعیت را کنار زد و جلوی فرمانده اسیر قدم علم کرد و با خشونت به عربی گفت: "ها؟! فرمانده! چرا قادیسه شما در فلسطین نیست!؟" فرمانده اسیر سرش را پائین آورد. پیرمرد عرب بار غرید که: "ها؟! فرمانده! چرا؟" صدام مزدور تو با اسرائیل نمی‌جنگد؟! عرق بازی پیشانی فرمانده اسیر نشست. عربها، زن و مرد باز بیزله می‌رفتند. اسرا یک به یک سوار قطار می‌شدند. باز یک فرمانده دیگر در میان صف پیدایش شد. زن عربی به طرف او دوید، جلویش را گرفت و بقیه پیراهن خود را چاک داد و گریه کتان با کلماتی پر درد به عربی گرفت: "ای مزدور! تو با مپ‌هایت خانه را بر سر کودکم خراب کردی! تو عزیز مرا...". زن عرب از شدت گریه صدایش گرفت. عربها دور هم جمع شده و باز بیزله رفتند. این

بار بیزله‌ای از اندوه. زن عرب باز به خودش مسلط شد. پاسدارها فرمانده را نگهداشته بودند تا زن حرفش را تمام کند. زن عرب سرش را بالا آورد و به فرمانده مزدور گفت: "ای مزدور! یادت بماند اگر یکی از ما بیافتد، ده نفر بلند خواهند شد." عرق بر پیشانی فرمانده نشست. پاسدارها او را به طرف قطار بردند. مرد عربی چهارپایه‌ای زیر پایش گذاشت و رو به همه اسرا شروع به سخنرانی کرد. او ابتدا از جنایت‌های امریکا و صدام مزدور و سپس از شهادت‌ها و دلبری‌های پاسداران و نیروهای انقلابی و مردمی سخن گفت. در چهره تک تک عربها، زندگی بر مشقت‌شان نمایان بود. مرد عرب از چهارپایه پائین آمد. زن جوان عربی جای او را گرفت. زن عرب اسرا را خطا قرار داد و گفت: "من شوهرم در سوستگرد است. الان سه ماه است که از او خبری ندارم. دو برادرم پاسدار بوده‌اند. یکی از آنها به شهادت رسیده است. از دیگری هم خبری ندارم. صدام امریکائی باید بداند که ما تا آخرین نفس می‌جنگیم. ما جانیبار نیستیم. ما با اسرا به مهربانی رفتار می‌کنیم. صدام به خاک ما تجاوز کرده است. صدام شهرهای ما را بمباران کرده‌است. ما در شهرها می‌مانیم و پیکار می‌کنیم. صدام این را فهمیده است. ما باز هم به آن دیوانه افسارگسیخته حالی خواهیم کرد که امریکا رفتنی و صدام نامرد است" خشم و شادی و غوغا ایستگاه راه‌آهن را پر کرده بود. پاسدارها شیشه کوبه‌های قطار را پائین می‌کشیدند تا غرش مردم خشمگین و صدای سرود پیروزی آنها به گوش اسرا و بخصوص به گوش فرماندهان

مزدور آنها برسد. \* بیزله: رقص مخصوص عربهاست که هنگام شادی یا عزا انجام می‌دهند. این رقص به شکل جهش و تکان دادن دستها می‌باشد. از یادداشت‌های یک فدایی خلق در اهواز



اگر دولت، زحمتکشان  
مرز نشین را مسلح کرده  
بود، عراقی‌ها چگونه  
می‌توانستند هستی مردم  
را به آتش بکشند

● ساعت یک بعد از نیمه شب است. باد سردی می‌وزد تمام چراغ‌های شهر خاموش است با تفنگی که آن را محکم در دست‌ها گرفته و بر سینه‌ام فشرده‌ام، در یکی از محله‌های فقیرنشین اسلام‌آباد غرب پاسداری می‌دهم. از دور صدای توپ‌های خمسه، خمسه عراقی‌های متجاوز به گوش می‌رسد. در این موقع شب جز پاسداران و بسیجی‌های مسلح که در شهر نگهبانی می‌دهند، کس دیگری در شهر دیده نمی‌شود. تمام حواسم متوجه صداهای دور و بر است فقط صدای باد است و توپخانه‌های دشمن و گاه عوی سگها آرام و باداقت در کوچه‌ها قدم می‌زنم، از شدت سیاهی شب چیزی دیده نمی‌شود. نزدیک خرابه‌ای صدای سرفه‌ای که در

روزه باد پیچیده است، به گوشم می‌رسد. خود بخود انگشتم به روی ماشه می‌رود به دیوار تکیه داده و منتظر می‌مانم. باز صدای سرفه‌ای به گوش می‌رسد. یک قدم جلوتر می‌روم. خرابه را زیر نظر می‌گیرم. حالا بجای سرفه صدای ناله می‌آید. یک قدم دیگر جلو می‌روم. صدا واضح‌تر می‌شود. زنی دارد ناله می‌کند. تفنگ را روی دوش انداخته، چراغ‌قه‌ام را روشن می‌کنم. پیرزنی روستائی که لباس کردی به تن دارد، پتوئی به دور خود پیچیده و از سرما و درد خودش را پای دیوار کشیده است. به طرفش می‌روم: "چی شده، دایه؟! این وقت شب اینجا چه می‌کنی؟" همینطور که دارد می‌لرزد ناله‌کنان و بریده، بریده به کردی می‌گوید: "شب... گشتند... پیرم... تانک... فرار...". یکتا پیراهن نازک و کهنه تنش بود. کتم را درآوردم و روی شانه‌های لاغرش انداختم. "دایه، بیا بریم خانه" بغضش ترکید و شروع به گریه کرد. با گریه، بریده بریده گفت: "پیرم... تانکها... خون... گندم‌ها را... عراقی‌ها... آتش... خشم و نفرت وجودم را گرفته بود. "پاشو، دایه! پاشو بریم خانه" انکار صدایم را نمی‌شنید. زیر بازویش را گرفته و کمکش کردم تا از جا بلند شود. از سرما نمی‌توانست روی پایش بند شود. دستش را به دیوار تکیه داد. آرام آرام او را به طرف خانه بردم. شب پیش عراقی‌ها به دهکده‌های اطراف حمله کرده و دست به جنایت و کشتار زده و انبارهای گندم را به آتش کشیده بودند. پیرزن که در

بقیه در صفحه ۲۱

## مسلح کردن توده‌ها ضامن پیروزی خلق‌های ماست



## بیانیه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت) - شاخه کردستان

### بمناسبت (۲۲ ربه ندان)



(اکثریت)

از پیش تشویق و ترغیب می‌کند. امروز دیگر حرکات ضدانقلابی گروه قاسملو، به صورت حلقه‌ای از سلسله توطئه‌های امپریالیسم درآمده است که هدفی جز سرنگونی جمهوری اسلامی و به قدرت رساندن نیروهای ضدانقلابی ندارند.

#### هم‌میهنان مبارز!

امروز دیگر مسئولین جمهوری اسلامی باید به‌خوبی درک کرده باشند که اعمال سیاست‌هایی که ماهیاست در کردستان دنبال می‌کنند، نه تنها حاکمیت این جمهوری را در منطقه برقرار نمی‌کند، بلکه روزه‌روز به رشد ضدانقلاب کمک بیشتری می‌نماید.

مسئولین جمهوری اسلامی باید به‌خوبی فهمیده باشند که کردستان بزد نیست و مردم مناطق مختلف میهنان دارای ویژگی‌هایی هستند که نادیده گرفتن این ویژگی‌ها و عدم توجه به خواست‌های مردم این مناطق ضریات جبران‌ناپذیری بر پیکر انقلاب وارد می‌آورد. تجاوز رژیم صدام و توطئه‌های روزافزون امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب مردم ما و ضرورت اتحاد و یکپارچگی مردم در برابر این تجاوزات، ایجاب می‌کند که کار به‌دستان جمهوری اسلامی با واقع بینی در سیاست‌های خود در قبال مسئله کردستان تجدید نظر جدی به‌عمل آورند. حل مسالمت‌آمیز مسئله کردستان و تأمین حقوق ملی خلق کرد در چارچوب جمهوری اسلامی ایران، پیروزی نیروهای تجاوزکار صدام را به‌نحو چشمگیری تسریع و توطئه‌های ضدانقلابی و لیبرال‌ها را که همچون لاشخورها به انتظار سقوط جمهوری اسلامی نشسته‌اند، به میزان زیادی نقش بر آب خواهد کرد.

سازمان ما که در جریان دو سال وقایع کردستان تجربیات ارزنده‌ای کسب کرده است، با آگاهی بر تاثیر انگارناپذیر حل عادلانه مسئله کردستان بر روند انقلاب ایران، وظیفه خود می‌داند که تمامی مساعی خویش را به کار برده و از هیچ تلاشی در این جهت فروگذار نکند. ما بار دیگر به دولت جمهوری اسلامی جدا هشدار می‌دهیم که بی‌اعتنا ماندن به خواست‌های مردم کردستان، عواقب بسیار وخیمی به بار خواهد آورد. دولت باید برای جبران خطاهای گذشته و فراهم آوردن شرایط لازم برای حل عادلانه و مسالمت‌آمیز مسئله کردستان:

۱- با حفظ حق دفاع از خود در مقابل تحریکات ضدانقلاب، جنگ را متوقف کند و به‌ویژه از بیماران شهرها و روستاها و مراکز تجمع مردم پرهیز کرده، مسبین و محرکین قتل‌عام روستاهای ایندرفاش صوفیان، سرکانی و ... بقیه در صفحه ۱۶

مسئولان جمهوری اسلامی از همان ابتدا با روس‌های احرافی که جهت حل مسئله کردستان در پیش گرفتند، مردمی را که با حد و جهد فراوان و در مبارزه علیه رژیم دیکتاتوری شاه شرکت کردند و سرنگونی این رژیم دست‌سازده را همراه با مردم سراسر ایران با شور و جفا حس گرفتند در برابر خود فرار داده و بدین ترتیب وحدت یکپارچه مردم را که عامل اصلی سقوط رژیم شاه بود، دچار تفرقه کرده و جنبه حلی را در برابر داساس امپریالیسم جنایتکار آمریکا و انادی داخلی و صعیف نمودند این مسئولان حتی پیام ۲۶ آبان امام خمینی را که در حساس‌ترین لحظات و در شرایطی که مردم ایران بد یکپارچگی و اتحاد برای مبارزه علیه سلطه امپریالیسم آمریکا در میهنان نیاز داشتند، صادر شده بود، و با واقع بینی تمام بر ضرورت تأمین حقوق عادلانه مردم کردستان تأکید داشت، نادیده گرفته و همچنان به اعمال روش‌های خشن و سرکوبگرانه ادامه دادند و نه تنها کمکی به حل مسئله کردستان نکردند، بلکه آن‌را پیچیده‌تر کرده و ضدانقلاب را بیش از پیش تقویت نمودند.

امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا که از راه‌های مختلف در صدد صریه ردن به انقلاب ما بوده و هست، به کمک آیدی خود همواره تلاش کرده است تا با استفاده از بار صابی مردم کردستان که خود ناشی از سادیده گرفتن حقوق آنها از جانب جمهوری اسلامی است، توطئه‌های خود را خامه عمل بوساند و با تشکیل گروه‌های مسلح از خوانین، فئودال‌ها و ضد انقلابیون فراری و سیز بهره‌گیری از انحرافات گروه‌های ناسیونالیست و حمایت از آنها، جنبه ضدانقلاب را تقویت کرده و راه را برای اعمال محدود سلطه خود بر میهنان هموار نماید.

سیاست نیروهای ناسیونالیست سیر که به‌ویژه با آغاز تجاوز رژیم صدام به خاک میهنان، جهت‌گیری کاملاً ضدانقلابی داشته است، در خدمت توطئه‌های امپریالیسم آمریکا بوده، خود مانع بزرگتری بر سر راه حل مسالمت‌آمیز مسئله کردستان ایجاد کرده است. این نیروها و سیز گروه‌های هرج و مرج طلب و سه‌جهانی، امروز در کردستان متفقاً به ساری می‌رقصند که توسط امپریالیسم آمریکا کوک شده است.

اینک گروه قاسملو به ویژه با شروع تجاوز رژیم صدام به خاک میهنان، ماسک دفاع از حقوق خلق کرد و دفاع از دموکراسی را به یک‌باره کنار زده و آشکارا همراه دیگر گروه‌های ربر و در سب بر شدت حملات خود بر نیروهای مسلح جمهوری اسلامی افزودند. در این میان حرکت‌های جنون آمیز و قتل‌عام وحشیانه مردم عصبی از روستاهای کردسیس اطراف بقده و مه‌باد بدست عناصری چون معبودی، مراد فطاری و ملاحسی نماینده مجلس شورای اسلامی، بدست سوییست‌های وابسته به رژیم صدام و آنها را در سدید حملات ضدانقلابی خود بس

● به‌مناسبت بزرگداشت خاطره مبارزات قهرمانانه خلق کرد بهره‌بری شهید قاضی محمد علیه رژیم ضد مردمی شاه جنایتکار که در ۲ بهمن ۱۳۲۴ منجر به کسب حقوق ملی و اعلام جمهوری خودمختار کردستان در چارچوب حفظ تمامیت ارضی ایران گردید. شاخه کردستان سازمان بیانیه‌ای را صادر نموده که در ذیل قسمت‌هایی از آن را ملاحظه می‌کنید:

#### هم‌میهنان مبارز!

دوم بهمن امسال مصادف با سی‌وششمین سالگرد تاسیس جمهوری خودمختار کردستان است. خلق کرد که سالها بار ستم ملی را به دوش کشیده است، در بهمن ماه سال ۱۳۲۴ به پیروزی مهمی دست یافت و با استفاده از شرایطی که بر اثر غلبه نیروهای مترقی بر فاشیسم هیتلری در سراسر جهان و منطقه پدید آمده بود، توانست جمهوری خودمختار کردستان را بسیاد سهد و قدم‌های ارزنده‌ای در جهت رفع ستم ملی و فرهنگی از خود بردارد. حکومت خودمختار کردستان در طول مدتی کمتر از یک‌سال از حیات خود، اقدامات قابل توجهی در زمینه اصلاحات فرهنگی و اجتماعی انجام داد و با انتخاب سیاست‌های ترقیخواهانه، بشنیانی نیروهای انقلابی را در ایران و جهان به‌طرف خود جلب کرد.

جمهوری خودمختار کردستان سبشتر از یازده ماه توانست به حیات خود ادامه دهد و رژیم دست‌نشانده شاه خانی که این جمهوری را در مقابل منافع خود و اربابان امپریالیستی می‌دید، با حمله به شهر مه‌باد در آذرماه ۱۳۲۵ آن را سرکوب کرده و رهبران جنبش ملی، قاضی محمد، صدر قاضی و ... را به شهادت رسانید. در طول این سالها جنبش ملی خلق کرد به متابه بخشی از حبس رهایی بخش خلق‌های ایران، همواره جهت‌گیری ترقیخواهانه ضد سلطنتی و ضد امپریالیستی خود را حفظ کرده و همبستگی خود را با دیگر خلق‌های ایران تقویت نموده است. شرکت مردم کردستان در قیام و در سرنگونی رژیم شاه، خود نتیجه منطقی این جهت‌گیری ترقیخواهانه بود.

انقلاب سهم ماه ۵۷ ضریات سهمگینی بر پیکر امپریالیسم در ایران و در منطقه وارد آورد و موازنه قدرت را به نفع نیروهای مترقی و خلق‌های منطقه تغییر داد. لیکن به واسطه پاره‌ای سیاست‌های تنگ‌نظرانه و نفاق‌افکنانه مسئولین جمهوری اسلامی در برخورد با نیازهای اساسی مردم و نادیده گرفتن حقوق دموکراتیک آنها، بخش قابل توجهی از توده‌ها از انقلاب دل‌سرد شده و در صفوف متحد آنها شکاف افتاد و ضدانقلاب فرصت یافت تا بر بستر این نارضایتی و تفرقه مردم، دست به توطئه‌چینی زده و انقلاب را به شکست و نابودی تهدید نماید.

بکشیم تا با استقرار صلح عادلانه در کردستان وحدت مردم میهنان را

علیه امپریالیسم آمریکا تحکیم بخشیم



## جنبش کارگری ایران لغو ماده ۳۳ قانون کار آریامهری خواست مبرم کارگران است

### طرح های ارائه شده از جانب روزنامه جمهوری اسلامی و (صالحان سازنده) برای جلوگیری از اخراج کارگران طرح های مبهم و نارساست

ماده ۳۳ قانون کار . از جمله ننگین ترین مواد قانون کار آریامهری است که هموز بر روابط میان کارگر و کارفرما حاکم است. هنوز به استناد آن ، کارگران اخراج می شوند و کمترین اسبیت شغلی در برابر این "حکم قانونی" ندارند. کارگران ایران تاکنون بارها و بارها ، در قطعنامه ها ، اعلامیه ها ، نامه ها و ... مستقیماً خواستار لغو این ماده کدائی ( بطور مشخص ) و لغو قانون کار ارتجاعی فعلی ( بطور کلی ) شده و بر ضرورت تدوین و اجرای یک قانون کار و تأمین اجتماعی بوبین تأکید کرده اند. و در این رابطه تشکلهای و ارگانهای کارگری طرح های مختلفی برای تدوین قانون کار جدید ارائه داده اند که برخی از آنها مترقیانه و انقلابی بوده و برخی دیگر نارسائی های اساسی اند. در رابطه با ماده ۳۳ قانون کار ( ماده مربوط به چگونگی اخراج کارگران ) سبر تاکنون طرح های ارائه شده است که ما در این مقاله به بررسی انتقادی دو نمونه از آنها می پردازیم. طی یک ماه گذشته دو طرح پیشنهادی **جنبش عیان** جلوگیری از اخراج سبز زویه کارگران یکی در روزنامه جمهوری اسلامی و دیگری در نشریه ای به نام "صالحان سازنده" ( ارگان کارگری حزب جمهوری اسلامی ) درج گردیده است. هر چند این دو طرح از نظر تعیین ضوابط واقعی ( از نظر رابطه میان کارگر و کارفرما ) طرحی مغشوش و نارساست ، ولی از آنجا که ارائه آن بیانگر تلاش مسئولانهای است که در پاسخ به مسائل مبرم جنبش کارگری ایران صورت می گیرد ، از این رو می تواند شایسته برخورد انتقادی و سازنده باشد. در اینجا ما ابتدا طرح مندرج در روزنامه جمهوری اسلامی و سپس طرح مندرج در نشریه

" صالحان سازنده " را مورد بررسی احتمالی قرار می دهیم :  
الف :  
۱- طرح ارائه شده در روزنامه جمهوری اسلامی که از سوی "کانون هماهنگی شوراهای کارخانجات" (خانه کارگر) تهیه و پیشنهاد شده است ، در مقایسه با طرح دوم ، طرح مفصلتر و جامعتری است این طرح ابتدا به علل مختلفه اخراج کارگران از سوی سرمایه داران و کارفرمایان اشاره کرده و از آن میان بر عدم تمایز سرمایه داران به سرمایه گذاری در شرایط بعد از انقلاب و تحویل آنها به خواندند کارها از یک طرف و همچنین رشد آگاهی کارگران و شناخت روزافزون آنها از مسائل اجتماعی و مبارزه شان علیه سرمایه داران تأکید می نماید و به درستی به ماده ۳۳ که بی توجه به این شرایط تنها به کارفرمایان اجازه می دهد که کارگر را به میل خود اخراج کند . اعتراض کرده و پیشنهاد می نماید که در قانون جدید بطور مشخص موارد اخراج روشن و معین شود ، چرا که سرمایه داران بارها از این مسئله استفاده کرده و "کارگر را صرفاً به جرم داشتن عقیده مخالف بیرون می کنند". در طرح پیشنهادی برای مقابله با این مشکلات و تعیین ضوابط مربوط به حل اختلاف میان کارگر و کارفرما ، پیشنهاد تشکیل "هیئت های داور" و "هیئت های بازرسی" و "شکایات شده است" . بهترین مرجع رسیدگی به شکایات "هیئت عالی حل اختلاف" است که از " پنج تن از برادران مسلمان تشکیل شده و عهده دار رهبری امور اصلی و کلی تشکیلات می باشد " . به ترکیب این هیئت کوچکترین اشاره ای نشده است و مشخص نشده است که آیا کارگران هم در این هیئت

حمایندگی دارند یا نه و اصلاً این بیخ نفر چگونه و توسط چه مرجعی انتخاب می شوند . آیا از سوی مقامات دولتی منصوب می گردند و یا تشکلهای کارگری آنها را انتخاب می کنند و یا بخشی از آن را دولت بختی را تشکیل های کارگری انتخاب می کنند . . . . علاوه ذکر این نکته که این بیخ نفر باید از "برادران مسلمان" باشد سبز اساساً نادرست است. چرا که دیگر کارگران ( که عقاید و مذهب دیگری دارند ) نمی توانند در این هیئت شرکت کنند. و از طرفی ذکر حکم " برادران سبز پایمال کردن حق زنان کارگر است. در این مورد به جای تأکید بر " برادران مسلمان " می بایست از افراد انقلابی معتقد و متعهد به انقلاب سخن به میان آید .  
۲- در طرح مزبور " بعد از هیئت عالی حل اختلاف " هیئت های داور" هشت گانه ای که تعدادشان می تواند افزایش یابد ، پیش بینی شده است. این هیئت عهده دار بررسی پرونده ارائه شده توسط هیئت بازرسی و مذاکره با طرفین اختلاف می باشد. ترکیب این هیئت ( که بر اساس دستورات هیئت عالی حل اختلاف و گزارش هیئت بازرسان به قیاسوت می نشیند ) عبارتست از " یک مامور حل اختلاف " " یک نفر کارگر " و " یک نفر از وزارت صنایع و معادن " . در اینجا سبز تقریباً همان ایرادات ذکر شده در مورد هیئت عالی حل اختلاف مصداق می یابد. معلوم

نیست که این " مامور حل اختلاف " کیست ، نماینده چه کسانی است و چگونه انتخاب می شود؟ و یا یک نفر کارگر فوق الذکر چگونه انتخاب می شود . آیا کارگران او را انتخاب می کنند یا از طرف مقامات منصوب می شود آیا او نماینده تشکل کارگری است یا تنها یک فرد کارگر ، به چه شکلی انتخاب می شود؟ و ... به علاوه **هیئت می شده** است که رای این هیئت لازم الاجراست مگر آن که شاکتی ظرف سه روز شکایت مربوطه را به "شورای عالی کار" ارائه دهد. در جای دیگر گفته شده است که مرجع بالاتر از هیئت های داور ، هیئت عالی حل اختلاف است. اما ناگهان شکایت مورد بحث از شورای عالی کار سردر می آورد که معلوم نیست شورای عالی کار فعلی مورد نظر است یا شورای عالی کار پیشنهادی که به صورتی واقعی باید نمایندگان منتخب از طریق تشکلهای کارگری در آن عضویت داشته باشند. در هر صورت یک چنین مرجع عالی می تواند به اینگونه شکایات رسیدگی کند .  
۳- در طرح پیشنهادی ، هر هیئت داورى سسته به حجم کارش چند کمیته بازرسی خواهد داشت. هیئت های بازرسی سبز که تعداد آنها به اندازه تعداد هیئت های داورى است ، " از سه نفر افراد انقلابی مسلمان و مومس به انقلاب اسلامی تشکیل شده " و ترکیب آن عبارتست از "یک نماینده صنف کارگر یا از آشنایان آن صنف ، از

وزارت صنایع و معادن " ، "نماینده وزارت کار و امور اجتماعی" و "نماینده دادستانی ( یا سیاه پاسداران انقلاب اسلامی با حکم دادستانی ) به منظور اجرای برنامه های ضربتی در موارد تحریک به اعتصاب و یا شورش و درگیری " . در اینجا به نارسائی های دیگری بر می خوریم . مثلاً معین نشده است که یک نماینده "صنف کارگر" چگونه انتخاب می شود و یا وقتی که گفته می شود "یک نماینده کارگر یا از آشنایان آن صنف" که به این ترتیب وجود همین یک نماینده کارگر . در هیئت بازرسی مورد شد و تردید قرار گرفته است. از عجب ترین پیشنهادات این طرح ، وجود نماینده دادستانی و یا سیاه پاسداران برای اجرای "برنامه های ضربتی" در مورد تحریک به اعتصاب است که این ماده به راحتی و به هر شکل قابل تفسیر است و به وسیله آن می توان "برنامه های ضربتی" در کارخانه ها علیه کارگران ( آن هم در موارد اعتصاب ) پیاده کرد. و این امر با حقوق صنفی کار ( و از جمله حق اعتصاب که جزئی از حقوق صنفی و قانونی است ) اساساً مغایرت دارد.  
۴- بر اساس طرح پیشنهادی ، در صورت بروز اختلاف ، ابتدا هیئت بازرسی برای " بررسی مشکلات عمده و اختلاف دسته جمعی بیش از پنج نفر

بقیه در صفحه ۱۹

## پرتوان باد جنبش طبقه کارگر

## پیش از مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران

جنبش دهقانی ایران

اهالی روستای «رودبار سرا» و «خوشابر» :

فتوئدال ها و ضد انقلابیون آزاد شده را مجازات کنید



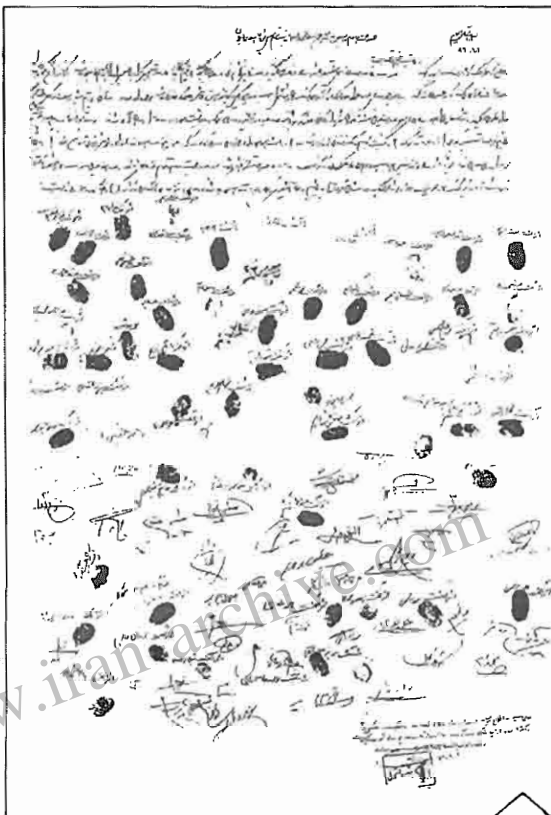
سه هزار تن از روستائیان گنبد  
خواهان اجرای بند (ج) شدند



و لزوم حل هرچه سریع تر مسئله ارضی در ترکمن صحرا تاکید نمودند. آنها همچنین تجاوزات امپریالیسم آمریکا و رژیم مرتجع صدام حسین را محکوم کردند. قابل توجه است که فرماندار گنبد به همراه عده‌ای از زمینداران بزرگ و خلق مسلمانی‌های طرفدار آنها به شیوه‌های مختلف از جمله شایعه پراکنی تلاش کردند تا مانع تجمع روستائیان شود. لیکن با کوشش‌های هیئت هفت‌نفره منطقه همه توطئه‌های آنها نقش بر آب شد. روستائیان اجتماع خود را با موفقیت تشکیل دادند و خواست‌های خود را به گوتی نمایندگان مجلس و دولت رسانیدند. خواست‌هایی که هرچه سریعتر باید مورد رسیدگی قرار گیرد.

روز پنجشنبه هیجدهم دی به دعوت هیئت هفت نفره گنبد، بیست از سه هزار تن از زحمتکشان روستاهای اطراف گنبد در استادیوم ورزشی شهر گرد آمدند تا اجرای کامل قانون اصلاحات ارضی را از مسئولین حکومتی بخواهند. روستاها با شعارهای مرگ بر آمریکا، مرگ بر صدام، مرگ بر فتوئدال مراسم باشکوهی برگزار نمودند. روستائیان خواست‌های خود را در پلاکاردهایی که به همراه داشتند اعلام نمودند.

در این اجتماع نمایندگان دهقانان روستاهای مختلف و عده‌ای از اعضای شوراهای دهقانی و نیز حجت‌الاسلام فاضل هرنه، نماینده امام در ستاد مرکزی هیئت‌های واگذاری زمین سخنانی ایراد کردند. سخنرانان عمدتاً بر ضرورت اجرای بند «ج»



حمایت بی دریغ و کبیل دیکتاتور اسبق، هلاکوخان رامبد برخوردار بودند. در آن ایام سیاه و اسفبار کسی دادرسی نبود و داد مظلومان نمی‌کردند. متأسفانه در طول انقلاب خان‌های محل و ضد انقلابیون منطقه رضوان شهر که از نوکران حلقه‌به‌گوش رامبد بودند چند بار دستگیر و بدون محاکمه و با فعالیت رموزانه و مذبحخانه از زندان آزاد شدند. جناب آقای رفسنجانی در این عصر وحدت قرآن و ایام فرخنده مستضعفین چه کسی از آنها حمایت می‌کند؟ و کیست که با نام و رنگ و نشان آنها را می‌شناسد و باعث استخلاص و آزادی آنان بدون محاکمه در دادگاه‌های انقلاب اسلامی بندر انزلی و طوالش و استان گیلان می‌شود؟ اینان در این برهه از زمان چنان زیرکانه چهره کثیف خود را در

محترم مجلس شورای اسلامی ایران. با نهایت احترام به استحضار می‌رساند: در این موقع که خطر جنگ کشور ما و انقلاب ما را تهدید می‌کند، هنوز عده‌ای ضدانقلاب و فتوئدال‌های منطقه رضوان شهر به اسامی: ۱- خسرو خان یگانی ۲- نهضت حسین زاده ۳- سهراب خان یگانی ۴- قیوم خان یگانی ۵- سعادت امیری که از یاران صمیمی و حامیان رژیم منحط پهلوی می‌باشند، با ما کشاورزان و کارگران و اهالی رودبار سرا و «خوشابر» آینه می‌کنند که در عصر طاغوت کردند. زیرا این جزئومه‌های فساد همواره برای سرکوبی کارگران و کشاورزان و اهالی محل از

● اخیراً دهقانان زحمتکش روستاهای «رودبار سرا» و «خوشابر» نامه‌ای خطاب به دولت و مجلس نوشته‌اند. این دو روستا در اطراف رضوان شهر (سسی) کیلومتری بندر انزلی قرار دارند. اهالی رودبار سرا در نامه خود از ستم و اجحاف بزرگ مالکان منطقه می‌گویند. زحمتکشان دو روستا در این نامه اعلام می‌کنند که چگونه «خسروخان یگانی»، «حسینی نژاد»، «حسن نقشبندی» و دیگر زمینداران بزرگ منطقه با هلاکورامبد مزدور رژیم سابق در چپاول روستائیان همکاری نزدیک داشته‌اند. روستائیان همچنین از اینکه عده‌ای از بزرگ مالکان پس از دستگیری بدون محاکمه آزاد شده‌اند. ابراز نگرانی نموده‌اند. جریان از این قرار است که «حسینی نژاد» و «یگانی» سرکرده چماق‌داران رژیم سابق تا کنون چند بار بر اثر فشار مردم دستگیر شده‌اند. لیکن هر بار حامیان آنها در دستگاه‌های حکومتی از جمله دادگاه انقلاب اسلامی، وسایل آزادی‌شان را فراهم نموده‌اند. زحمتکشان دو روستای فوق‌الذکر اکنون دیگر مصرانه می‌خواهند که زمینداران فوق دستگیر و محاکمه شوند. آنها فهمیده‌اند که جز با مصادره کامل زمین‌ها و اموال بزرگ مالکان، زندگی برآنان بهتر خواهد شد. روستائیان مبارز «رودبار سرا» و «خوشابر» یکپارچه خواهان اجرای طرح اصلاحات ارضی و بخصوص اجرای بند «ج» در جهت رفع ستم بزرگ مالکین از روستاها هستند. متن نامه آنها که در ذیل می‌آید به‌خوبی نمایانگر خواست انقلابی آنهاست:

حضور حجت‌الاسلام والمسلمین آقای علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی ریاست

باردیگر کشاورزان و محرومین رودبار سرا و خوشابر به‌چنگ ددمنشان گرفتار آیند، می‌باشیم و در خاتمه دستگیری و مجازات اسامی یاد شده بالا مورد تقاضای کارگران و کشاورزان و اهالی رودبار سرا و خوشابر است.

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می‌کنند

به مناسبت پنجاه و هفتمین سالگرد درگذشت لنین

## ★ لنین، انسان طراز نوین، شاخص خرد، وجدان و شرف دوران ما

روشنفکران انقلابی برخاسته از میان اقشار میانی جامعه جریان می‌یابد برکنار بود. کشمکش‌های بی‌مورد مرتب این سؤال را پیش می‌کشد که زندگی را به چه نسبتی باید بین زندگی اجتماعی و زندگی شخصی تقسیم کرد و به اصطلاح چه مقدار "فداکاری" در راه مبارزه انقلابی کارگران و پیروزی انقلاب کافی است؟ این کشمکش که بین زندگی اجتماعی و شخصی که تاکنون روشنفکران متزلزل زیادی را به انفعال و بی‌عملی و تن دادن به زندگی بی‌تحرك کشانید، برای لنین وجود نداشت.

لنین هیچگاه ارزش مبارزه خود را با اطلاق صفاتی مثل "فداکاری" تنزیل نمی‌داد. چنین کاری تنها از عهده کسانی برمی‌آمد و برمی‌آید که خود را قهرمانانی بالاتر و برتر از "کارگران معمولی" و "توده‌ها" می‌دانند که باید آنها را نجات دهند، نه از لنین که یک انسان طراز نوین بود. با این همه، هرگاه بخواهیم زندگی و مبارزه لنین را با واژه مصطلح "فداکاری" محک بزنیم، باید گفت لنین فداکارترین انقلابی طبقه کارگر بود زیرا که او تمام زندگی شخصی خود را بطور کامل تابع مصالح مبارزه اجتماعی کارگران نموده بود و بر کشمکش‌های زمینه بروز آن تا زمان استقرار کمونیسم در سراسر جهان وجود خواهد داشت غلبه کرده بود. و درست بدین خاطر است که تمام مبارزین راه کمونیسم، نه تنها برای حل مسائل مبارزاتی خود، بلکه برای حل مشکلات زندگی شخصی خود نیز از زندگی لنین درس می‌گیرند.

ایمان عمیق به غریزه طبقاتی و عقل سلیم کارگران از یک طرف و آشنائی علمی دقیق با شرایط جامعه بورژوازی و رسالت طبقه کارگر از طرف دیگر عواملی بودند که به اندیشه و کار لنین نیرو می‌بخشیدند و آنها را از چنان صلابت و استحکامی برخوردار می‌ساختند که در آنها، کارگران بیان عمیق‌ترین منویات و خواست‌هایشان را می‌دیدند و دشمنان آنها با غریزه طبقاتی ویژه‌شان خطر قریب‌الوقوع نابودی‌شان را استشمام می‌کردند.

عشق لنین به توده‌ها را نباید با انسان دوستی غیر طبقاتی یکسان انگاشت. لنین قبل از همه چیز انقلابی طبقه کارگر بود. او به "انسان‌های مجرد" عشق نمی‌ورزید بلکه به انسان‌های مشخص انسان‌هایی که هر کدام متعلق به یک طبقه معین بودند بر حسب موقعیت و موضع طبقاتی‌شان عشق یا کینه می‌ورزید. او از دیدن رنج‌ها و دردهای زحمتکشان عمیقاً متأثر می‌شد و از مشاهده شادی آنها به آسانی شادمان می‌گشت. از نظر لنین عشق به توده‌ها، اگر با کینه به ستمگران، با نفرت از کسانی که توده‌ها را استثمار می‌کنند همراه نباشد نمی‌تواند از محدوده احساس همدردی لفظی نسبت به زحمتکشان، و یا دلسوزی و رحم نسبت به آنها فراتر رود و این امر در بدترین حالت فریب توده‌ها و آرایش دادن تضاد موجود در جامعه و به ناحق زیبا جلوه‌دادن آنها و در نتیجه

به شناخت عمیق‌تر مسائل با انباشت دانش و تجربه انقلابی از طرف وی افزایش می‌یافت. او با چنان دقت و کنجاوی بی‌مانندی مسائل و مشکلات نه تنها طبقات اجتماعی بلکه انسان‌های جداگانه را از نزدیک‌ترین آشنایان گرفته تا آنهایی که برای اولین بار ملاقات می‌کرد مورد توجه قرار می‌داد و چنان به آشنائی با زندگی توده‌ها و جزئی‌ترین مسائل آنها علاقه نشان می‌داد که حتی نزدیک‌ترین رفیقانش نیز از آن تعجب می‌کردند و گاه در نظر خود، این امر را به تظاهر نسبت می‌دادند. اما باور استوار لنین آن بود که مبارزه انقلابی به شناخت هرچه عمیق‌تر از توده‌ها نیاز دارد و این شناخت بدون آشنائی با مسائل و مشکلات زندگی روزمره آنها میسر نیست.

★ عشق لنین به توده‌ها را نباید با انسان دوستی غیر طبقاتی یکسان انگاشت. لنین قبل از همه چیز انقلابی طبقه کارگر بود. او به "انسان‌های مجرد" عشق نمی‌ورزید بلکه به انسان‌های مشخص، انسان‌هایی که هر کدام متعلق به یک طبقه معین بودند بر حسب موقعیت و موضع طبقاتی‌شان عشق یا کینه می‌ورزید. او از دیدن رنج‌ها و دردهای زحمتکشان عمیقاً متأثر می‌شد و از مشاهده شادی آنها به آسانی شادمان می‌گشت.

لنین زندگی‌ای را ارزشمند می‌دانست که بطور جدائی‌ناپذیر به مبارزه انقلابی برای تغییر سوسیالیستی جهان جوش خورده باشد. او زندگی اجتماعی و زندگی شخصی را از هم جدا تلقی نمی‌کرد. زندگی شخصی و اجتماعی از نظر او یک کل واحد بود و بنابراین او که تمام زندگی‌اش را وقف هدف اصلی خود یعنی شرکت در مبارزه اجتماعی طبقه کارگر نموده بود تمام زندگی شخصی‌اش را نیز تابع این هدف بزرگ و غرورآفرین می‌ساخت.

لنین یک کلکتیویست در وسیع‌ترین و عمیق‌ترین معنای این کلمه بود. برای او نفع شخصی جدا از مصالح طبقه کارگر وجود نداشت. او هنگامی از زندگی و کار خود لذت می‌برد و احساس شادمانی می‌کرد که مبارزه طبقه کارگر گام جدیدتری به پیش برمی‌داشت و به پیروزی‌های تازه‌تری دست می‌یافت. همین خصلت کلکتیویست بودن لنین بود که به وی چنان نیرو و توانی می‌داد که حاضر بود در راه پیروزی کمونیسم حتی از زندگی خود که آنچنان صمیمانه به آن عشق می‌ورزید، بگذرد. لنین به این نتیجه رسیده بود که "تک رزمنده‌ها" و "یکه‌سواران" هر قدر هم که توانا و نیرومند باشند نمی‌توانند تاثیری تعیین کننده‌ای در جریانات اجتماعی داشته باشند. او از افراد منشی بورژوازی مبری بود و بدین خاطر تمام نیروی خود را در راه پیشبرد مبارزه طبقاتی کارگران و در صفوف حزب طبقه کارگر به کار می‌گرفت.

هنگامی که در ۲۱ ژانویه ۱۹۲۴ (اول بهمن ماه) قلب ولادیمیر ایلیچ اولیانف (لنین)، تئوریسین خلاق و ادامه دهنده راه مارکس و انگلس، رهبر طبقه کارگر جهان، بنیانگذار حزب کمونیست اتحاد شوروی و اولین دولت سوسیالیستی جهان از طیش باز ایستاد، قلب میلیون‌ها کارگر، زحمتکش و روشنفکر انقلابی جهان که با کار، زندگی و آموزش‌های او آشنائی داشتند، عمیقاً جریحه‌دار و اندوهگین گشت. در فاصله ۵۷ سالگی که از مرگ لنین می‌گذرد، تاثیر و نفوذ لنین در تغییر و تحولات انقلابی سراسر جهان و در تربیت و شکل‌گیری شخصیت انقلابیون سراسر جهان نه تنها کاهش نیافته است بلکه با گذشت زمان تعداد روز افزونتری از بشریت مترقی و قبل از همه کارگران، در سراسر جهان از آموزش لنین به عنوان سلاحی برای تغییر و تجدید بنای سوسیالیستی و کمونیستی جهان بهره می‌گیرند و از شخصیت و زندگی وی به عنوان یک انسان جامعه نوین، انسان نمونه و جامعه کمونیستی، شیوه زندگی می‌آموزند. لنین تمام زندگی خود را وقف مبارزه در راه آرمان طبقه کارگر و پیروزی سوسیالیسم و کمونیسم نمود. از نظر او زندگی معنائی به‌جز مبارزه با موانع تکامل بشریت، مبارزه با بی‌عدالتی‌های اجتماعی، مبارزه در راه پیروزی سوسیالیسم و کمونیسم نبود. او چنان جذب کار و مبارزه‌اش می‌شد که جایی برای اندیشه خودستایانه درباره خود و نقش خود در جریان امور و مبارزه باقی نمی‌ماند. به قول آنتونلی لوناچارسکی، هم‌رزم لنین، او خود را بطور کامل در اختیار "کارگاه کمونیستی" گذاشته بود و در جریان کار این کارگاه بود که شخصیت و توانائی‌های او شکل می‌گرفت و میدان ظهور پیدا می‌کرد.

البته این بدان معنا نیست که لنین بر قدرت تفکر، نیروی اراده و احساسات و عواطف عمیقاً انسانی خود آگاهی نداشت. نه، او بطور دقیق نقاط قدرت و ضعف هم‌زمان خود را می‌شناخت و نیز بر توانائی‌ها و نقش خود در جریان امور آگاهی داشت. اما آنچه لنین را از نوابغ و انسان‌های با استعداد و توانای غیر کمونیست متمایز می‌ساخت، در تفاوت بنیادی آرمان و هدف‌هایش و آگاهی ژرف‌اش به این آرمان و هدف بود که مانع از این می‌گشت تا او از توانائی‌هایش برای نفع شخصی استفاده کند و آنها را به وسیله‌ای برای خودبینی و قدرت طلبی و نیز خود را بالاتر از دیگران دانستن و در نتیجه تحقیر و بی‌ارزش انگاشتن توده‌ها مبدل سازد. او تمام توانائی‌های فکری و عملی خود را ناشی از نیروی عظیم طبقه کارگر و گردان پیشاهنگ آن، حزب کمونیست، این "خرد، وجدان و شرف دوران ما" می‌دانست.

لنین به تمام تازگی‌ها و زیبایی‌های طبیعت و زندگی عشق می‌ورزید. او از راه‌پیمائی در جاده‌های سراسر جنگل‌ها و کوهپایه‌ها، از دوچرخه‌سواری در هوای آزاد، شنا در آب‌های سرد دریاچه‌ها و تمام مظاهر طبیعت لذت می‌برد و با بهره‌گیری از این زیبایی‌ها سراسر از انرژی می‌شد و خستگی کارها را از تن بدر می‌کرد. علاوه بر این لنین با علاقه مفرطی مسائل اجتماعی را دنبال می‌کرد و این علاقه و عطش

او از وسوسه و کشمکش که معمولاً در درون



# از تجارب انقلاب کوبا بیاموزیم

جای آن دارد که دولت جمهوری اسلامی با اتخاذ سیاست‌های واقعا انقلابی در زمینه‌های بانکی و تجارت خارجی و کشاورزی از تجربیات کشورهای انقلابی همچون کوبا بهره‌گیرد



دستاوردهای انقلاب و سوسیالیسم

کشاورزی ارتقاء یافت و شرایط مساعد برای رشد شتابان تولیدات کشاورزی فراهم گردید. در حال حاضر دولت ایران در زمینه‌های مالی با بحرانی شدید روبروست و به همین دلیل چندی پیش طرحی تحت عنوان وام‌گیری از

بدون تردید درس‌گیری از تجربیات انقلاب کوبا می‌تواند در حل بسیاری از مشکلات کنونی جامعه ما راهگشا باشد. مثلا تجربیات کوبا در مورد دگرگون کردن اساس فعالیت‌های بانکی کشور شایان توجه بسیار است.

"صندوق بین‌المللی پول" که یک سازمان ماهیتا امپریالیستی است، از طرف بعضی محافل حاکمیت مطرح شد که پس از طرح آن در مجلس با مخالفت نمایندگان روبرو شد و مجلس با رای قاطع خود از تحقق این طرح و ابستگی‌آور جلوگیری نمود. جای آن دارد که دولت جمهوری اسلامی با اتخاذ سیاست‌های واقعا انقلابی در زمینه‌های بانکی و تجارت خارجی و کشاورزی از تجربیات کشورهای انقلابی همچون کوبا بهره‌گیرد و در روبرویی با مشکلات ناشی از تحریم اقتصادی با اتکا به نیروی توده‌ها، از کمک کشورهای دوست و انقلابی برخوردار گردد.

ملی کوبا در خدمت اهداف بورژوازی عمل می‌کرد و بنابراین، عملکردی استثمارگرانه و غارتگرانه داشت. اما پس از انقلاب فعالیت‌های این بانک از اساس دگرگون شد. ارستو چه‌گوارا انقلابی کبیر ریاست بانک ملی را به‌عهده گرفت و با یک سازماندهی جدید و انقلابی، این بانک را به سازمانی در جهت دفاع از منافع ملی و ساختمان جامعه نوین تبدیل کرد. ذخیره‌های مالی در خدمت اهداف انقلابی قرار گرفت و بانک ملی توانست هدایت وضعیت اقتصادی کشور را در دست گیرد. همچنین در زمینه تجارت خارجی نیز پس از اجرای قانون ملی شدن بازرگانی خارجی، کنترل کلیه مبادلات بازرگانی به‌عهده بانک ملی قرار گرفت و دست غارتگران و سودجویان از تجارت خارجی قطع شد. بانک ملی کوبا اکنون کلیه هزینه‌های مورد نیاز برای پروژه‌های عمرانی کشور را تامین می‌نماید و در عرصه بین‌المللی نیز از اعتبار فراوانی برخوردار است.

در زمینه کشاورزی نیز انقلاب کوبا به دستاوردهای درخشانی نائل شده است. قبل از انقلاب بیش از ۷۰٪ زمین‌های قابل کشت در مالکیت ۸ درصد از مالکین بود. اما پس از انقلاب در نتیجه اجرای قانون اصلاحات ارضی بیش از ۷۰ درصد زمین‌های قابل کشت در مالکیت توده‌های خلق درآمد و در جریان یک برنامه‌ریزی انقلابی همراه با آموزش‌های نوین سطح تکنیک

در نیمه دوم ماه گذشته سفیر کشور سوسیالیستی کوبا دیدارهایی با رئیس بانک مرکزی، وزیر کشاورزی و رئیس مجلس شورای اسلامی انجام داد. بنا به نوشته مطبوعات سفیر کوبا در این دیدارها ضمن اشاره به پاره‌ای از تجربیات کشور خود در هنگام محاصره اقتصادی، اظهار امیدواری کرد که جمهوری اسلامی بر مشکلات ناشی از مقابله با امپریالیسم غلبه نماید.

★ بر هیچ کس پوشیده نیست که حکومت سوسیالیستی کوبا در گرماگرم پیکاری سهمگین با امپریالیسم جهان‌خوار آمریکا به ساختمان جامعه نوین کوبا پرداخت. در حال حاضر نیز حکومت کوبا به سازماندهی یک بسیج همگانی از توده‌های خلق خویش پرداخته تا برای مقابله با دخالت‌های احتمالی امپریالیسم آمریکا آماده باشد.

بدون تردید درس‌گیری از تجربیات انقلاب کوبا می‌تواند در حل بسیاری از مشکلات کنونی جامعه ما راهگشا باشد. مثلا تجربیات کوبا در مورد دگرگون کردن اساس فعالیت‌های بانکی کشور شایان توجهی بسیار است. قبل از انقلاب بانک

علیرغم نمایی تلاش‌های مذبحانه نیروهای امپریالیستی، انقلاب با سیر شتابانی به پیش می‌رود. هم‌اینک بیش از ۵۰ شهر و روستا آزادگشته‌اند و در آنها کمیته‌های پاسداری از قیام که نقش ارگان‌های حکومتی را ایفا می‌کنند، تشکیل شده‌اند.

## اخبار کوتاه

- در پی یک عملیات بمب‌گذاری در یکی از پایگاه‌های بورتوریکو - مستعمره آمریکا - که به‌وسیله یکی از گروه‌های این کشور صورت پذیرفت ۸ هواپیمای جنگنده آمریکائی به آتش کشیده شدند. در این انفجارات بالغ بر ۴۵ میلیون دلار خسارت وارد آمد.
- در اولین اعصاب عمومی پس از روی کار آمدن فرناندو بلاندری رئیس جمهوری پرو، کارخانه‌ها، بانک‌ها و سرویس‌های حمل و نقل به حالت تعطیل درآمدند و یک تن کشته شد.
- رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی باردیگر در هفته گذشته خاک آنگولا را مورد تجاوز قرار داد.
- در ۵ سال آینده ۱۳ میلیون کارگر متخصص در آموزشگاه‌های اتحاد شوروی تربیت خواهند شد.
- چین ۳ میلیون دلار "کمک" از آلمان غربی دریافت خواهد داشت.
- رژیم دیکتاتور مارکوس اعلام کرده که حکومت نظامی ۸ ساله بر فیلیپین را لغو کرده است. علیرغم این ادعا سرکوب انقلابیون همچنان ادامه دارد.

تکاپو افتاده‌اند. آنها از بیمان وحدت لیبی و چاد شدیداً به وحشت افتاده‌اند و در حالسی که سودان سربازان خود را به مرز این کشور با چاد گسیل داشته، فرانسه نیز صدها تن از سربازان و تفنگداران دریائی را به پایگاه نظامی خود در کشور جمهوری مرکزی آفریقا که هم مرز با چاد است گسیل داشته است.

## السالوادور:

### پیروزی نهائی نزدیک است

به دنبال پیروزی‌های چشمگیر انقلابیون السالوادور در نبرد با نیروهای نظامی این کشور آمریکا کمک‌های نظامی خود به حکومت وابسته السالوادور را که ظاهراً در ماه گذشته پس از کشته شدن چهار راهب آمریکائی قطع شده بود از سر گرفت. سفیر آمریکا در السالوادور اعلام کرد که کمک ۵ میلیون دلاری آمریکا به رژیم السالوادور برای آن است که "السالوادور به دست مارکسیست - لنینیست‌ها نیفتد". امپریالیسم آمریکا که سقوط رژیم السالوادور را قریب‌الوقوع می‌بیند به ارسال تانک، نفرین، هلی‌کوپتر و کارشناس نظامی به این کشور اکتفا نکرده و ناوگان خود را برای مداخله نظامی در آن کشور به سواحل السالوادور گسیل داشته است که هم‌اکنون در این سواحل لنگر انداخته‌اند.

از سوی دیگر نیروهای نظامی گواتمالا، هندوراس و عوامل پینوشه، دیکتاتور شیلی به‌همراه ضدانقلابیون فراری کوبائی و طرفداران سوموزا دیکتاتور معدوم نیکاراگوئه نیز به یاری رژیم در حال سقوط السالوادور شتافته‌اند. لیکن



## نخستین برنامه پنج ساله لائوس

نخستین برنامه پنج‌ساله پیشرفت اجتماعی - اقتصادی (۱۹۸۵ - ۱۹۸۱) جمهوری دموکراتیک خلق لائوس به تصویب مجلس عالی خلق این کشور رسید.

بر اساس برنامه پنج‌ساله اول، میزان تولید فرآورده‌های صنعتی لائوس در سال ۱۹۸۵ دو برابر و میزان دستمزد زحمتکشانش ۲/۵ برابر افزایش خواهد یافت. همچنین پیش‌بینی می‌شود بی‌سوادی که هم‌اکنون در ۱۰ ایالت از ۱۳ ایالت این کشور عمدتاً از بین رفته است بطور کلی از میان برود.

## بیمان وحدت چاد و لیبی

لیبی و چاد طی اعلامیه مشترکی که به‌دنبال سفر رئیس جمهور چاد به لیبی منتشر شد با یکدیگر بیمان وحدت بستند. پس از اعلام این وحدت، امپریالیست‌ها و بخصوص امپریالیسم فرانسه و نیروهای ارتجاعی آفریقا علیه این وحدت به



# شورا، سندیکا و اتحادیه‌های کارگری

قسمت اول

نیروی کار خویش را به ثمن بخس و به اجبار اقتصادی به سرمایه‌داران می‌فروختند، افزوده شد.

«ولی با رشد صنایع فقط شمار پرولتاریا افزایش نیافت بلکه توده‌های انبوهی از پرولتاریا یکجا گرد آمدند، قدرت پرولتاریا فزونی گرفت و او خود این قدرت را روز به روز بیشتر احساس کرد»

(مانیفست)

بحران‌های ناشی از گردش بلاوقفه سرمایه که با بیکاری و خانه‌خوابی توده‌های محروم عجین است، کارگران را وادار ساخت که به نیروی تشکل خود متکی باشند و با ایجاد سازمان‌های خاص مبارزه طبقاتی خود بر بهره‌کشی‌های غارتگرانه سرمایه‌داران و فشار روزافزون آنان لگام زنند.

«رقابت روزافزون بورژواها با یکدیگر و بحران‌های بازرگانی ناشی از آن، دستمزد کارگران را روز به روز ناپایدارتر می‌سازد. تکمیل دائمی و دم به دم سریع‌تر ماشین‌ها وضع زندگی کارگر را روز به روز ناپسندیده‌تر می‌سازد. تصادمات تک‌تک کارگران با تک‌تک بورژواها بیش از پیش خصلت تصادم میان دو طبقه را کسب می‌کند».

آنگاه کارگران اتحادیه‌هایی علیه بورژوازی تشکیل می‌دهند و برای دفاع از دستمزد خویش متفق عمل می‌کنند.

(مانیفست)

بدین ترتیب سیستم سرمایه‌داری که با استثمار مستمر نیروی کار استقرار می‌یابد، زمینه‌ساز عینی تشریک مساعی کارگران در دفاع از حقوق و مطالبات صنفی - سیاسی‌شان می‌گردد.

در روند مبارزه گسترش یابنده کارگران علیه سرمایه‌داران، مبارزه متشکل و سازمان‌یافته بجای حرکات کور و پراکنده می‌نشیند و کارگران به‌خوبی در می‌یابند که اتحاد سازمان‌یافته آنان قوی‌ترین سلاح مبارزه علیه استثمار سرمایه‌داری است. تشکیلات اتحادیه‌ای کارگران تبلور این اتحاد مبارزاتی ضرور است. این تشکیلات به منظور مقابله با تلاش صاحبان سرمایه برای تشدید بهره‌کشی از نیروی کار که عمدتاً از طریق طولانی‌کردن زمان کار و افزایش درجه شدت کار انجام می‌گیرد، مبارزه برای کاهش ساعات کار و بهبود شرایط دشوار کار را در کنار مبارزه به‌خاطر افزایش دستمزدها سازمان می‌دهد. این تشکیلات محصول مرحله معینی از تکامل مبارزه اقتصادی کارگران و مخصوصاً توده مزدبگیرانی است که نیروی کار خویش را در بازار سرمایه به فروش می‌رسانند. در عین حال باید توجه داشت که موجودیت تشکل اتحادیه‌ای حتی در دوران سیادت طبقاتی پرولتاریا چه در شرایط گذار از سرمایه‌داری به سوسیالیسم و چه در شرایط ساختمان سوسیالیسم علیرغم وجود تفاوت‌های کیفی در مضمون، نقش آن یک ضرورت عینی است. در این مورد به تفصیل سخن خواهیم گفت.

طبقاتی پرولتاریا، حزب. در ابتدای تکامل سرمایه‌داری، اتحادیه‌ها برای طبقه کارگر پیشرفت عظیمی بود زیرا انتقالی بود از حالت پراکندگی و ناپوانی کارگران به سرآغاز اتحاد طبقاتی که عالی‌ترین شکل اتحاد طبقاتی پرولتاریا یعنی حزب انقلابی پرولتاریا (که شایستگی این عنوان را تنها وقتی خواهد داشت که بتواند پیشروان را با طبقه و توده در یک واحد کل و جدائی‌ناپذیر به یکدیگر مرتبط سازد) آغاز پیدایش نهاد. اتحادیه‌ها ناگزیر رفته رفته برخی از صفات ارتجاعی و محدودیت صنفی و تمایل به برکنار ماندن از سیاست و ناهدودی کهنه پرستی خود و غیره را آشکار ساختند. ولی در هیچ جای جهان تکامل پرولتاریا جز از طریق اتحادیه‌ها و همکاری متقابل آنان با حزب طبقه کارگر انجام نگرفته است و نمی‌توانست هم انجام گیرد.

(لسین - چپروی...) سازمان‌های اتحادیه‌ای پرولتاریا از زمره اهرم‌های ضرور مبارزه طبقاتی است که بدون آن پرولتاریا هرگز قادر نیست «مکب دشوار ولی بولادساز کار» را از سر بگذراند. همان مکبی که آموزگاران کبیر پرولتاریا آن را «مکب کمونیسم» نام نهاده‌اند. وحدت عمل طبقه کارگر با دیگر اقشار و طبقات اجتماعی، در هر مرحله‌ای از رشد مبارزه اجتماعی، نه با درهم ریختگی سازمانی کارگران با صفوف متحدانش بلکه به نحوی تعیین کننده به اعتبار وجود تشکیلات مستقل و توده‌ای کارگری و از آن جمله سازمان‌های اتحادیه‌ای، قابل حصول است. هر راهی جز این مانع نامین و تحکیم صف مستقل پرولتاری خواهد بود. سیاسی که با نفی ضرورت سازمان‌یابی مستقل کارگران به اغتشاش سازمانی طبقه کارگر دامن می‌زند نه‌تنها فشرده‌گی صفوف خلق را تقویت نمی‌کند بلکه با کمک به نشیبت تناسب قوای طبقاتی به سود نیروهای غیرپرولتاری درون جبهه انقلاب، راه را بر ضعف و تزلزل نیروهای متحد پرولتاریا بیش از پیش می‌گشاید. اگر از زاویه مضمون مبارزه طبقاتی پرولتاریا به انواع تشکل‌ها نگاه کنیم و نه از تشکل‌ها به مضامین مبارزاتی، می‌بینیم که بجز حزب طبقه کارگر (که محصول تلفیق جنبش کمونیستی با جنبش خودانگیخته پرولتاری است) تنها تشکل مستقل طبقاتی و توده‌ای کارگران، اتحادیه - سندیکاهای کارگری است و نه هیچ تشکل دیگری. شورا از جمله تشکل‌های طبقاتی و مستقل پرولتاریا نیست بلکه تشکلی مبارزاتی است که از نظر طبقاتی علاوه بر طبقه کارگر، سایر طبقات را نیز دربر می‌گیرد که ما تعریف شورا و فرق آن با سندیکا و اتحادیه را بطورکلی و همچنین مشخصات این تشکل‌های مبارزاتی را به‌ویژه در رابطه با تجارب جنبش کارگری ایران در فصول بعد این مقاله مورد بررسی قرار خواهیم داد.

طی این مقاله خواهیم کوشید تا: ۱- مبانی و اصول جنبش اتحادیه‌ای (سندیکائی) ، ۲- اتحادیه‌ها در نظام‌های اجتماعی مختلف و ۳- تشکل‌ها در جنبش کارگری نوین ایران را مورد بررسی اجمالی قرار دهیم؛

با رشد بورژوازی و گسترش روزافزون واحدهای صنعتی، بر کمیت پرولتاریا که از بام تا شام

مسئله تشکل‌های کارگری، از جمله مهم‌ترین مباحثی است که طی دو ساله اخیر جنبش کارگری و کمونیستی ایران را به خود مشغول داشته است و در این رابطه بیش از آنکه نفس ضرورت تشکل مورد بحث باشد، چگونگی این تشکل مورد سؤال بوده است. هیچ‌کس در این حقیقت بدیهی و مسلم که «چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است» تردید نداشته است. ولی بحث در این بود که چگونه باید تدبیر کار کرد؟ باید در رابطه با تشکل کارگری چه شعاری داد که هم حاوی اصلیت تئوریک بوده و هم مبتنی بر عمل مستقیم کارگران و جنبش خودانگیخته پرولتاری باشد؟ شعاری که بتواند به آنکه عمل مستقیم توده‌ها به نیرو بدل شود و نه آنکه در عرصه مجردات باقی بماند. تشکل انقلابی و طبقاتی و مستقل پرولتاریا چگونه می‌بایست به بهترین وجه مادیت یابد؟ کدام تشکل می‌بایست و باید کارسازترین اهرم پیش - برنده انقلاب باشد؟ کدام تشکل موثرترین حربه طبقه کارگر برای طرح و تحقق سیاست‌های مستقل و انقلابی بود و هست و در رابطه با تشکل‌های دیگر پرولتاریا چه وظایفی داشته و دارد؟ ما در این مقاله خواهیم کوشید به این مسئله اساسی و مبهم پاسخ دهیم ولی مقدماً باید یک نکته را روشن کنیم و آن اینکه مسئله و سؤال اصلی ما در رابطه با تشکل کارگری به این مسئله محدود نمی‌شود که ببینیم آیا «شورا درست است یا سندیکا»؟ مدتهاست که این سؤال به صورتی خودانگیخته در جنبش کارگری ایران وجود دارد ولی ما نباید در پاسخ به آن متغایلاً تسلیم خودانگیختگی جریان مسائل شویم بلکه باید به انکای اصول علمی ناظر بر مبارزه قانونمند طبقه کارگر و اشکال مبارزه و تشکل پرولتاریا (بطور اعم) و ویژگی‌های روند مبارزه پرولتاری در ایران، به مسئله تشکل در جنبش کارگری ایران پاسخ اصولی دهیم. از این رو قبل از آنکه طرح کنیم این یا آن شکل از تشکل چگونه است. سندیکا بهتر است یا شورا و... باید ببینیم تشکل چه طبقه‌ای موضوع بحث است؟ باید مضمون اساسی مبارزه پرولتاریا را که هر تشکل پرولتاری تابع آن است روشن گردانیم. وقتی که بحث بر سر طبقه کارگر است و نه همه نیروهای انقلابی، تشکل آن نیز لزوماً باید تشکلی طبقاتی و مستقل باشد. مضمون مبارزه پرولتاریا قبل از هر چیز مبارزه‌ای طبقاتی است. از این رو اساسی‌ترین نوع تشکل پرولتاری در راستای ایدئولوژی و سیاست مستقل این طبقه و در تشکل‌های طبقاتی مستقل و تجلی می‌یابد. پرولتاریا برای تحقق آرمان‌های تاریخساز خویش و تنها و تنها بر چنین محوری است که در این یا آن مرحله از تکامل مبارزه، ناگزیر و موظف به هماهنگی و اتحاد با دیگر طبقات می‌گردد و در تشکل‌های مبتنی بر ترکیب طبقاتی متفاوت نیز مبارزه انقلابی را به پیش می‌برد. در رابطه با این مضمون از مبارزه طبقاتی، در چهارچوب جنبش کارگری و کمونیستی دو نوع تشکل طبقاتی مستقل، بطورکلی با وظایف و مختصات متفاوت از هم شکل می‌گیرد: ابتدائی‌ترین شکل تشکل طبقاتی و توده‌ای کارگران، اتحادیه (اتحادیه سندیکاهای کارگری) است و عالی‌ترین شکل تشکل

### انقلاب السالوادور

## در آستانه پیروزی (قسمت دوم)

نیکاراگوئه در ژوئیه ۱۹۷۹ تحرک نوینی در السالوادور به وجود آورد. مبارزین و انقلابیون السالوادور تدارک برای سرنگونی رژیم ضد خلقی را تسریع نمودند. امپریالیسم آمریکا که از شکست خود در السالوادور خربه شدیدی خورده بود برای جلوگیری از تبدیل السالوادور به نیکاراگوئه دوم برنامه‌های جدیدی را تدارک می‌دید. در سپتامبر ۱۹۷۹، ویلیام بولدر، (کسی که از سال ۱۹۵۶ رهبری عملیات ضدانقلابی در آمریکا لاتین را برعهده داشته و عملیات نهاجم به کوبا، حمله به دومینیک، عملیات محاصره و قتل چه‌کوارا در بولیوی را مستقیماً هدایت نموده است) عازم السالوادور شد تا دگرگونی‌های این کشور را مستقیماً بررسی نماید.

تنها مدت کوتاهی پس از این مسافرت، در ۱۵ اکتبر ۱۹۷۹ یک کودتای نظامی رژیم رومرو را سرنگون نمود و بلافاصله بعد از آن امپریالیسم آمریکا حمایت خود را از شورای نظامی جدید اعلام کرد. حکومت جدید روش غیرمترقبه‌ای را در پیش گرفت و از نیروهای مخالف خواست که در دولت شرکت نمایند. در حقیقت برای اولین بار پس از یک دوران نیم قرن (بعجز دو دوره بسیار کوتاه) تعدادی از عناصر مخالف و غیرنظامی در کابینه شرکت کردند. از جمله رهبر "جنبش انقلابی ملی‌گرا"، یک استاد دانشگاه، یک بازرگان در شورای جدید شرکت داده شدند. کابینه دولتی نیز با شرکت احزاب قانونی تشکیل گردید و حتی "اتحاد دموکراتیک ملی" (که در حقیقت شاخه علنی حزب کمونیست بود) چند پست در کابینه به‌عهده گرفت.

حکومت جدید، اگرچه تعدادی از جریان‌ها و عناصر غیرنظامی را در خود جای داده بود، ولی در حقیقت مجموعه نیروهای شرکت کننده در آن فاقد پایگاه نوده‌ای وسیعی بودند. سازمان‌هایی که مبارزه بخش عظیمی از مردم را رهبری می‌کردند، در قبال این حکومت موضع گرفته و تشکیل آن را مانور جدید امپریالیسم آمریکا خواندند. از جمله "بلوک انقلابی خلق" به همراه سایر سازمان‌های توده‌ای، مبارزه خود را با اشغال کلیساها، وزارتخانه‌ها و سایر موسسات تشدید کردند.

در نوامبر ۱۹۷۹ وزارت کار توسط مردم، تحت رهبری بلوک انقلابی خلق اشغال شد. پس از مذاکرات طولانی بلوک و سایر سازمان‌های توده‌ای یک مهلت یک‌ماهه به دولت دادند تا در این مدت رفرف‌های سیاسی - اقتصادی را به مرحله اجراء درآورد.

پس از پایان این مهلت اقدامات زیادی انجام نشده بود. شورای دولتی علیرغم وجود عناصر مخالف، تحت هژمونی نیروهای وابسته به امپریالیسم قرار داشت و طبیعتاً تمایلی به اصلاحات بنیادی نشان نمی‌داد. با پایان

دوران حکومت مولینا (۷۷-۱۹۷۲) و پس از آن ژنرال کارلوس رومرو (۷۹-۱۹۷۷) یکی از سیاه‌ترین دوران‌های تاریخ السالوادور به‌شمار می‌رود. اختناق و سرکوب، دستگیری، شکنجه و اعدام مخالفان، ترورهای فردی و دسته‌جمعی هر روز ایجاب جدیدتری به‌خود گرفت. امپریالیسم جنایتکار آمریکا تجربیات ضدانقلابی و ضدانسانی و وحشیانه خود را در ویتنام برای مردم آمریکای لاتین به ارمغان آورد. روش‌ها و ابزارهای جدید مبارزه با انقلابیون جای روش‌ها و وسایل سابق را گرفت. تکنیک‌های جدید شکنجه به‌کار گرفته شد. قتل‌های رموز و اعدام‌های بی‌سروصدا هر روز کشتار بیشتری یافت. در سال ۱۹۷۴ ده‌هزار نفر فقیر منطقه کی آگائو، که دست به اعتراض زده بودند، بطور دسته‌جمعی به رگبار بسته شدند. در ژوئیه ۱۹۷۵ تظاهرات آرام دانشجویی در سان‌سالوادور به‌خون کشیده شد... دامنه اقدامات جنایتکارانه هر روز وسیع‌تر گردید. رژیم مولینا برای تکمیل جنایات نظامیان به تجدید سازمان "اوردن" (یک سازمان شبه نظامی پلیسی که در سال ۱۹۶۵ ایجاد شده بود) دست زد. این سازمان با حمله به منازل هواداران گروه‌های چپ، با ارباب کارگران و روستائیان و دیگر زحمتکشان مبارز با دستگیری و اعدام مخفیانه مخالفین رژیم، توانسته است در میان سازمان‌های فاشیستی - پلیسی آمریکای لاتین برای خود اعتباری دست و پا کند.

علاوه بر "اوردن" باندهای سیاه نیز در این دوران فعالیت گسترده‌ای را آغاز کردند. تنها ذکر نام آنها ماهیت ضد خلقی و ضدانقلابی آنها را نشان می‌دهد: "اتحادیه جنگجویان سفید"، "نیروهای مسلح ضد کمونیست - فلانتر"، "سازمان جنگ آزادی از کمونیسم". این سازمان‌های تروریستی راستگرا از طرف اولیگارش‌های السالوادور و گروه‌های فاشیستی و کشورهای امپریالیستی حمایت می‌شوند. لازم به تذکر است که هدف این سازمان‌های فاشیستی تنها کمونیست‌ها نیستند، بلکه تمامی عناصر مبارز و مخالفین رژیم و تمامی میهن پرستان السالوادور مورد حمله این گروه‌ها قرار می‌گیرند. از جمله "اتحادیه جنگجویان سفید" در هنگامی که بخش‌هایی از کلیسا مخالفت با رژیم را آغاز کردند، تعداد زیادی از کشیش‌های مترقی را به قتل رسانید. شعار این سازمان تروریستی چنین بود:

اگر می‌خواهی میهن پرست باشی، یک کشیش را بکش!

از جمله در آوریل ۱۹۷۷ یک کشیش مبارز به‌نام پدر روتیلو گراندو در جلوی منزلش به رگبار بسته شد و به‌دنبال آن تظاهرات مردم در شهر آگویلاره که در اعتراض به این جنایت انجام شده بود، به خون کشیده شد. ارتش با تمام قوا به شهر حمله کرد. پس از جستجوی خانه به خانه، مردان را در خیابان‌ها به‌صاف کوه و کتک می‌زدند. تعدادی از آنها را به قتل رسانیدند. زنان مورد تجاوز قرار گرفته و تعداد زیادی از آنان دستگیر شدند. ارتش این عملیات را به نام کشیش مقتول، "عملیات روتیلو" نام گذاشت!

علیرغم تمامی این سرکوب‌ها و کشتارها، جنبش توده‌ای السالوادور هرگز متوقف نگردید. پس از انتخابات کذائی ۱۹۷۷، که منجر به‌روی کار آمدن رژیم ژنرال رومرو گردید، دامنه اعتراضات به‌شدت بالا گرفت. پیروزی انقلاب

سال ۱۹۷۹ دگر تمامی احزاب مخالف قانع شده بودند که شرکت آنها در شورای دولتی و کابینه هیچگونه ناشی‌ری بر سیر حوادث السالوادور ندارد و با استعفاى دو تن از اعضای شورای دولتی و تقریباً تمامی اعضای کابینه، راه حل جدید ایالات متحده با شکست مواجه شد.

با آغاز سال ۱۹۸۰ دگرگونی‌های مهمی در صحنه سیاسی السالوادور به‌وقوع پیوست. مبارزه ایدئولوژیک میان احزاب و گروه‌های چپ وارد مرحله نوینی گردید. در این هنگام مباحث قدیمی درون این نیروها اعتبار خود را از دست داده بود.

حزب کمونیست السالوادور با یک اقدام تاریخی به انتقاد از خود پرداخت و اعلام کرد که سکت راه پارلمانی هیچ چاره‌ای جز مبارزه مسلحانه برای مردم السالوادور باقی نگذاشته است. رهبر این حزب در مصاحبه‌ای با "کرانما" اعلام کرد که اگر چه حرب مدت‌ها قبل به لروم شرکت در مبارزه مسلحانه توده‌ای علیه رژیم پی برده بود، ولی "یازده سال مبارزه قانونی و شرکت در انتخابات مهر خود را باقی گذاشته بود. بیش از ۸۷ درصد اعضای حزب در سال ۱۹۷۷ در دوران مبارزه قانونی به حزب جذب شده بودند و با این شکل مبارزه تعلیم یافته بودند. و این امر انعطاف‌پذیری حزب را بسیار مشکل می‌نمود.

از این روزهی حزب، در کنتره هفتم خود در آوریل ۱۹۷۹ با یک انتقاد از خود تاریخی اعلام نمود که از دو سال قبل از آن می‌بایست مبارزه مسلحانه را آغاز کرده باشد. حزب با پذیرش اشتباهات خود تدارک عملیات مسلحانه را آغاز نمود.

علاوه بر این، مسئله اتحاد با بخش‌هایی از بورژوازی که از جمله اختلافات میان نیروهای چپ بود، تا حدودی اعتبار خود را از دست داد. رشد جنبش توده‌ای کل بورژوازی وابسته السالوادور را در مقابل خلق یکپارچه کرد.

در دهم ژانویه ۱۹۸۰ "نیروهای آزادیبخش خلق - فارابوندو مارتی"، مقاومت ملی و حزب کمونیست، تشکیل یک شورای هماهنگ کننده سازمان‌های سیاسی - نظامی را به نام "رهبری متحد انقلابی (D.R.U.)" اعلام نمودند. ارتش انقلابی خلق به‌علت اختلافات خود با "مقاومت ملی" در این شورا شرکت نکرد ولی بعداً به آن پیوست. یک روز بعد سازمان‌های توده‌ای وابسته به گروه‌های فوق (بلوک انقلابی خلق، جبهه عملیات خلقی متحد، جامعه خلق و اتحادیه دموکراتیک ملی) یک رهبری واحد به نام "شورای هماهنگ کننده توده‌ها" (C.R.M.) تشکیل دادند.

مدتی بعد یک جریان جدید به‌نام "جنبش آزادیبخش خلق" نیز به شورای مذکور پیوست. اتحاد کلیه نیروهای چپ گامی بزرگ در راه آماده ساختن شرایط ذهنی انقلاب در السالوادور به‌شمار می‌رود. اما هنوز لازم بود تا تمامی نیروهای خلقی در یک جبهه واحد ضد امپریالیستی زیر یک رهبری واحد قرار گیرند. اعتدالی انقلابی مسئله اتحاد را به یک ضرورت تاریخی مبدل ساخته بود. چند ماه بعد یک جبهه جدید به‌نام "جبهه دموکراتیک" از اتحاد ۱۲ سازمان و گروه تشکیل شد. از جمله جنبش انقلابی ملی، حزب سوسیال مسیحی (جناح چپ حزب دموکرات مسیحی که در سال ۱۹۸۰ از آن منشعب شد)،

بقیه در صفحه ۲۱

## هرگ بر امپریالیسم جهانی به سر کردگی امپریالیسم امریکا

## دوستان مجاهد وظیفه شما جدا کردن صف دوستان و دشمنان مردم است

### نه مخدوش کردن آن (قسمت دوم)

تنها تبلیغ بی‌اعتمادی و بی‌اعتقادی به مردم است. قطع رابطه آمریکا، که مردم آن را جشن گرفتند، به حساب خود آمریکا نوشتن واقعا تنها از عهده کسانی برمی‌آید که ملاک ارزیابی‌شان از مبارزه ضدامپریالیستی "ادعای کلی درگیری با امپریالیسم است."

اقدام امپریالیسم آمریکا در قطع ارتباط با جمهوری اسلامی ایران و تشدید محاصره اقتصادی انقلاب، محصول تعمیق مبارزات ضد امپریالیستی، مردم و واکنش طبیعی امپریالیست‌های آمریکایی در برابر آزاده مردم ما مبنی بر تداوم مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا بوده است. ما نمی‌گوئیم بروید دهها نمونه جنبش‌های بخش را در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین مورد مطالعه قرار دهید. کافی است به این حقیقت توجه کنید که دقیقا چنان اقداماتی از سوی امپریالیسم آمریکا به دنبال سقوط دولت موقت و آغاز تعرض جدی "خط امام" علیه لیبرال‌ها در دستور مقدم امپریالیسم قرار گرفت. قطع رابطه آمریکا و تشدید محاصره اقتصادی یکی از اشکال شناخته شده امپریالیسم در مقابله با تعمیق و گسترش مبارزات ضدامپریالیستی خلقهاست.

از نظر ما این تصادفی نیست که شما با کلمه "پیش‌تاز" اقدام امپریالیسم آمریکا را توصیف کرده‌اید. وقتی قرار این شد که درجه ضد امپریالیست بودن نیروی را با میزان مبارزه‌ای که علیه "خط امام" یا به اصطلاح شما "ارتجاع" می‌کند ارزیابی کنیم، چاره‌ای جز این نیست. نمی‌ماند که امپریالیست‌ها را نتهنها "پیش‌تاز" مبارزه ضدامپریالیستی" بلکه پیش‌تازترین نیروی این مبارزه به حساب آوریم!!

#### دوستان مجاهد!

برای آنکه نشان دهیم که تا چه میزان شناخت نادرستی از امپریالیسم دارید، تا چه اندازه ارزیابی‌تان از مبارزه ضدامپریالیستی برخاسته مجبوریم کشف محیرالعقولی را که در مقاله "جبهه متحد ارتجاع" از آن سخن گفته‌اید، شاهد مثال آوریم. شما گفته‌اید:

"در خصوص توطئه‌های پی‌درپی نیز باید گفت که هر کس کوچکترین آشنایی با منتهای طمع‌ورزی و مطلوب‌های موردپسند امپریالیست‌ها داشته باشد، نفس توطئه‌ها را نمی‌تواند به‌خودی‌خود دلیلی بر اصالت ضد امپریالیستی به حساب آورد، حتی طمع‌ورزی حریصانه و چشم‌دوختن به توطئه‌گری از جانب امپریالیست‌ها در جای خود می‌تواند نشانه‌ای از فقدان کفایت مدعیان مبارزه‌ی ضد امپریالیستی در قطع امید آنان نسبت به بازگشت به حساب آید. چرا که اگر بخواهیم با چنین ملاکی به ارزیابی مسائل سیاسی بین‌المللی بپردازیم، باید قطع امید امپریالیست‌های آمریکا را از خلق قهرمان ویتنام و عدم توطئه‌چینی‌های پیاپی بر علیه

بدتر از همه دشمنی و کینه اصحاب دولت موقت با اقدام انقلابی دانشجویان مسلمان پیرو خط امام را موجه جلوه می‌دهد. شما که تا بدین پایه به بی‌اعتبار کردن اقدام انقلابی دانشجویان کمر بسته‌اید و از آخر و عاقبت و نتایج آن خیلی ساده در می‌گذرید، هیچ اندیشیده‌اید که چرا لیبرال‌ها همواره با نفرت از تسخیر مرکز جاسوسی آمریکا سخن گفته و همیشه مذبحخانه تلاش‌دارند آن را بی‌اعتبار و بی‌بها بکنند؟

یکی از درخشان‌ترین دستاورد تسخیر انقلابی مرکز جاسوسی آمریکا، ارتقاء سطح آگاهی توده‌های میلیونی از امپریالیسم و متحدان آن است. افشاکاری‌های آگاه‌گرانه‌ای که به‌دنبال گروگان‌گیری توسط جمهوری اسلامی ایران و نیروهای ضدامپریالیست و انقلابی صورت گرفت موجب آن گردید که مردم ما درک روشن‌تری از ماهیت استثمارگر، تجاوزکارانه و غارتگرانه امپریالیسم به‌دست‌آورند. زیر تاثیر این افشاکاری‌ها مردم ما در ابعاد میلیونی دریافته‌اند که چرا امپریالیسم آمریکا دشمن اصلی خلق‌های ما و سراسر جهان است. با تسخیر سفارت و زیر تاثیر رشد آگاهی مردم، مبارزه علیه امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا عمق و اعتلا یافت و دوستان و جاسوسان و نیروهای مورد حمایت امپریالیسم برای مردم شناخته‌تر شدند.

تسخیر انقلابی مرکز جاسوسی آمریکا و اقدامات افشاکارانه دانشجویان رابطه‌ای را که بین امپریالیسم آمریکا و منافع سرمایه‌داران لیبرال وجود دارد، عریان‌تر کرد و در ابعاد میلیونی به مردم این‌آموزش را داد که چگونه لیبرال‌ها دوستان دروغین استقلال و آزادی میهن، دوستان دروغین مردم و انقلابند.

لیبرال‌ها برای آنکه این آموزش‌های بزرگ را خنثی کنند، ابتدا لازم می‌بینند که اقدام انقلابی دانشجویان را بی‌اعتبار سازند تا بتوانند همه ثمرات آن، به‌ویژه افشاء دوستان امپریالیسم را خنثی کنند. هم‌اکنون لیبرال‌ها بیش از پیش می‌کوشند اقدام انقلابی دانشجویان را سرمنشاء تمامی نارسائی‌ها و مشکلات جاری وانمود سازند و از اعتبار و نفوذ این دانشجویان در نزد مردم بکاهند.

نوشته‌اید "در زمینه قطع رابطه با آمریکا هم دیدیم که علیرغم فریادهای مجاهدین از فردای انقلاب، این امپریالیست‌ها بودند که از قضا پیش‌تاز مبارزه ضدامپریالیستی مورد ادعای آقایان گردیده و اقدام به قطع رابطه با ما کردند!" مجاهد شماره ۱۰۳ - جبهه متحد ارتجاع از این بهتر هیچ‌کس نمی‌تواند مبارزات قهرمانانه مردم ما را علیه امپریالیسم آمریکا بی‌بها کند! این اندیشه به‌عبارت گرفته از پیگیری‌ها، سه‌جانبی‌ها و لیبرال‌ها که به‌نوبه خود توسط متخصصان امور تبلیغاتی امپریالیسم برای قدرتمند جلوه دادن آن و بی‌بها کردن مبارزات خلق‌های تحت ستم طراحی شده است،

#### مجاهدین خلق و مبارزه ضد امپریالیستی

#### دوستان مجاهد!

وقتی قرار باشد که ملاک ضدامپریالیست بودن را با "ادعای کلی درگیری با امپریالیسم" ارزیابی کنید راهی نمی‌ماند جز اینکه به‌مثابه "اصلی‌ترین نیروی ضدامپریالیست" از "آخر و عاقبت" اشغال مرکز جاسوسی امپریالیسم آمریکا به‌همان زبانی سخن بگوئید که لیبرال‌های میزان‌نویس از آن سخن می‌گویند. شما نوشته‌اید:

"گروگان‌گیری به‌مثابه اعلا‌ترین کلمه در پیکار ضدامپریالیستی وانمود شده و تحت‌الشعاع آن چه حریفانی را که از میدان به‌در نکردند... گویی هدف اصلی برای متولیان و سردمداران، یک مانور عظیم برای از میدان به‌در کردن نیروهای واقعا ضدامپریالیست بود و نتایج امپریالیست‌ها."

شماره ۱۰۲ مجاهد - پیام مسعود رجوی به خلق قهرمان ایران

آیا می‌توان انکار کرد که حتی کسی که از حداقل آگاهی سیاسی برخوردار است از این جملات جز آنچه که لیبرال‌های دو آتش روز و شب در کرنا می‌دمند چیز دیگری استنباط کند؟ بفرمائید ببینیم آن "حریفانی که از میدان به‌در شدند" و "آن نیروهای واقعا ضد امپریالیستی" را که با این مانور عظیم از میدان به‌در کردند چه کسانی هستند که تا حالا رو نشده‌اند.

مگر غیر از این است که با اشغال مرکز جاسوسی آمریکا، دولت موقت بازرگان، طراح و مجری نزدیکی گام به گام با امپریالیسم آمریکا از مسند نخست‌وزیری به زیر کشیده شد. مگر غیر از این است که امیرانتظام، جاسوس رسمی آمریکا و مامور مستقیم سیا، افشا و دستگیر گردید مگر جز این است که وزرای دارای "کارت سبز" و خواهان خدمتگزاری به امپریالیسم آمریکا رسوا شدند؟ مگر جز این است که یزدی‌ها و قطب‌زاده‌ها، هم‌پیمانان برزیل‌سکی و امثالهم بی‌اعتبار و منزوی گردیدند؟ آیا اینها هستند آن "نیروهای واقعا ضدامپریالیستی" که از میدان به‌در شدند؟ آیا در جملاتی که نقل کردیم و سراسر نشریاتتان ملامال از چنین نمونه‌هایی است، نسبت به کسانی که با اشغال مرکز جاسوسی آمریکا از مسند قدرت به‌زیر کشیده شده‌اند و یکی پس از دیگری اسناد خیانت و جاسوسی‌شان در پیشگاه مردم قهرمان میهنان افشا گردید، آشکارا و با صراحت نوعی همدردی تبلیغ و ترویج نمی‌شود؟

ممکن است بگوئید چنین استنباطی برخاسته پاسخ این است که شما مسئول پیدایش چنین گمان‌هایی در اذهان مردم هستید. القاء چنین اندیشه‌هایی از جانب شما، تمام ادعاهای دروغینی را که بازرگان و شرکاء می‌کنند، در اذهان مردم درست و منطقی نشان می‌دهد و

## گسترده باد همگامی و همکاری

همه نیروهایی که در راه ایرانی آزاد و دمکراتیک مبارزه می‌کنند

## دوستان مجاهد وظیفه شما جدا کردن

### صف دوستان و دشمنان مردم است...

آنان را دلیلی بر سازشکاری و فقدان مواضع ضدامپریالیستی مردم ویتنام تلقی کنیم" کشف چنین رابطه‌ی عجیبی بین "توطئه" های امپریالیسم و حکومت‌های دشمن امپریالیسم تنها از کسانی ساخته است که نمی‌خواهند به هیچ وجه چشم خود را بر روی واقعیات مبارزه ضد امپریالیستی جاری در میهن ما و جهان معاصر باز کنند. معلوم نیست که شما بر اساس کدام واقعیت به این نتیجه رسیده‌اید که "طمع‌ورزی حریصانه و چشم دوختن به توطئه‌گری از جانب امپریالیست‌ها نشانه‌ی فقدان کفایت مدعیان مبارزه‌ی ضدامپریالیستی" و حتی امیدوار شدن امپریالیسم به "بازگشت" است. این سخن شما هیچ آموزشی جز این دربر ندارد که ماهیت تجاوزکارانه امپریالیسم و دشمنی ناگزیر آن را علیه مردمی که با غارتگری‌های امپریالیست‌ها به مبارزه برخاسته‌اند، برده‌پوشی نماید. این چنین آموزشی به جای هوشیار کردن مردم در برابر هزاران توطئه رنگارنگی که علیه مبارزانشان توسط امپریالیسم آمریکا در حال تکوین است، آنان را دعوت می‌کند که از توطئه‌ها غافل بمانند. سرشت توطئه‌گر و دسیسه‌ساز امپریالیسم را به فراموشی سپارند و در پاسداری از دستاوردهای انقلاب نسبت به منتهای طمع‌ورزی و مطلوب‌های مورد پسند امپریالیست‌ها "بی‌اعتنا بمانند. بخصوص هرگاه این آموزش سراپا کذب را نیز که گویا امپریالیست‌ها دیگر علیه خلق ویتنام دست به توطئه نمی‌زنند، چاشنی سازیم. به راستی قدری به آنچه که گفته‌اید بسندیشید. اگر مردم و انقلابیون ویتنام این آموزش شما را آویزه گوش سازند چه بر سر انقلاب ویتنام خواهد آمد. آموزش شما برای انقلاب ویتنام، علیرغم رهبری طبقه کارگر و حزب آرمسوده و پولادینی که دارد، تدارک شکست است، چه رسد به مردم و انقلاب ما.

به نظر می‌رسد که دوستان مجاهد آنچه‌آن درگیر مبارزه ضدامپریالیستی! خودشان یعنی مبارزه علیه "ارتجاع" هستند که از اخبار روزنامه‌ها نیز غافل مانده‌اند و نمی‌دانند که هنوز هم نایره جنگ امپریالیسم آمریکا و متحدان آن علیه مردم و انقلاب ویتنام گاه بی‌گاه در مرزهای ویتنام مشتعل است.

امپریالیسم مدام توطئه می‌کند و این از سرشت امپریالیسم برمی‌خیزد. امپریالیسم تا زمانی که وجود دارد دست از توطئه و تجاوز علیه خلق‌های در حال مبارزه و همچنین رها شده برنخواهد داشت. علت توطئه‌گری امپریالیسم سازشکار بودن طرف مقابل نیست.

امپریالیسم در هر حال دست به توطئه خواهد زد. اما بسته به این که انقلاب در چه مقطع آرزو ندرشد خود قرار دارد، بسته به اینکه جبهه متحد انقلاب تا چه اندازه توانسته پایه‌های قدرت خود را تحکیم بخشد بسته به اینکه توده‌های وسیع مردم در چه سطحی از آگاهی و تشکل قرار دارند و مهم‌تر از همه بسته به اینکه نیروی رهبری کننده انقلاب به کدام افشار و طبقات خلق تعلق دارد. در جه موثر بودن این توطئه‌ها نیز متفاوت خواهد بود و اتفاقا اگر چنین به مسئله نگاه کنیم درخواهیم یافت که تا چه میزان باید به "توطئه‌گری" امپریالیسم اعتقاد داشته باشیم. در مقابل آن هوشیار باشیم و مسئول‌تر از همیشه به وظایف خود عمل نمایم

### مجاهدین خلق و دفاع از آزادی

شما در همان شماره ۱۰۳ مجاهد زیر عنوان "نگاهی به اخبار و رویدادها" نوشتید: "به دنبال جریانات مشهد و اصفهان و به موازات شکل گیری اعتراضات هرچند پراکنده ولی گسترده مردم علیه انحصارطلبان، حزب حاکم تمام امکانات و نیروهای خود را برای مقابله با چنین جو اعتراضی و ناراضیتی بسیج نمود."

شما در جریان برگزاری این تظاهرات که به طرفداری از لیبرال‌ها صورت گرفت و از جانب آیت‌الله قمی، شیرازی و گلپایگانی و بدون تردید آیت‌الله شریعتمداری پشتیبانی و حمایت می‌شد با سکوت خود از آن حمایت کردید.

حالا که رسماً یا توصیف این اقدامات ضدانقلابی به عنوان "اعتراضات هرچند پراکنده ولی گسترده مردم بر آن صحنه گذاشته‌اید پیش از پیش آشکار می‌شود که بیم ما از مخدوش بودن مواضعتان با مواضع دشمنان انقلاب‌بیزی درست و به جا بوده است...

اکنون آشکار است که سردمداران تظاهرات مشهد و اصفهان سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ، سرمایه‌داران لیبرال، لباسچی‌ها و همه تجار بزرگی هستند که بیشترین دشمنی را با اقدامات انقلابی و ترقیخواهانه دولت از جمله ملی کردن تجارت خارجی، اجرای بند "ج" اصلاحات ارضی، دوستی با دولت‌های ترقیخواه و کشورهای سوسیالیستی ابراز می‌دارند.

روحانیون مرتجعی هم که با این تظاهرات موافق بودند می‌دانید که با اجرای بند "ج" اصلاحات ارضی مخالفت می‌کنند و مانع اجرای آن هستند. مردم ما به خاطر دارند که این روحانیون همواره مدافع دربار و منافع امپریالیسم بوده‌اند. طرفداران بختیار نیز جای خاصی خود را در این تظاهرات داشتند. دار و دسته حزب آمریکائی رنجبران و سدجانه‌ها سیر که جای خود دارد.

یک بررسی اجمالی از گفتارهایی که رادیوی صدای آمریکا و اسرائیل در رابطه با این تظاهرات پخش کرد، به روشنی آشکار می‌کند که امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم سیز از این اقدامات پشتیبانی می‌کنند و مواضع سردمداران تظاهرات یاد شده را دارند.

به این ترتیب بیش از پیش آشکار می‌شود که شما زیر پرچم مبارزه با "ارتجاع" به دفاع از ارتجاع برخاسته‌اید و آشکارا علیه جبهه انقلاب ایران که علیرغم اختلافات اساسی و ضعف‌های آن در صافه با دشمن مشترک یعنی امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا دارای منافع مشترک است، به دشمنی برخاسته‌اید.

اکنون می‌توان به این سؤال پاسخ داد که آیا دفاع شما از "آزادی" انطور که خود ادعا می‌کنید، دفاع از "آزادی انقلابی" است؟ دقیق‌تر بگوئیم آیا شما از دموکراسی انقلابی دفاع می‌کنید؟

می‌دانم که آزادی و دموکراسی یک مفوله طبقاتی است. شعار دفاع از آزادی به خودی خود نمی‌تواند مفهوم ترقیخواهانه داشته باشد. باید دید که این شعار تحت چه شرایطی، به چه ضرورتی و به مع چه کسانی عنوان می‌شود؟

ما همواره دموکراسی را با زمینه مادی آن درک می‌کنیم هر اقدامی که تحت این شعار در جهت تقویت موقع و موضع امپریالیسم و دوستان و جاسوسان آن سازمان یابد، در حقیقت امر تدارک سرکوب‌آزادی‌های سیاسی مردم و در جهت سلب حقوق دموکراتیک آنان است. چنین آزادی آزادی از نوع لیبرالی یا دقیق‌تر بگوئیم، ارتجاعی است. به همان ترتیب هر اقدامی که در جهت تعمیق مبارزات ضدامپریالیستی سیر کند، سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ را به عقب راند، به افشای لیبرال‌ها و دیگر نیروهای مورد حمایت امپریالیسم بینجامد و در یک کلام در طرد و افشای دشمنان انقلاب مردم ایران موثر افتد زمینه‌ساز رشد و بلوغ دموکراسی انقلابی است.

### دوستان مجاهد!

ما در نامه مورخ دوشنبه اول دی‌ماه ۱۳۵۹ برایتان نوشتیم: "پیگیری تاریخ‌ساز سراسر میهن ما را فرا گرفته است. در یک طرف جبهه ارتجاع یعنی جبهه سرمایه‌دارهای بزرگ، سرمایه‌داران لیبرال فئودال‌ها و زمینداران بزرگ و همه گردانندگان و سردمداران و کارگزاران رژیم سابق قرار گرفته که مورد حمایت کامل امپریالیست و همه رژیم‌های ارتجاعی قرار دارد. نیروهای این جبهه همگی علیه انقلاب و علیه دستاوردهای آن نیروهای خود را بسیج کرده‌اند. در طرف دیگر نیروهای جبهه انقلاب یعنی طبقه کارگر، دهقانان، کسبه و پیشه‌وران زحمتکش، روحانیون و روشنفکران متعدد و پیشرو کارمندان و معلمین، سربازان و درجه‌داران و افسران جز و دیگر نیروهای مترقی و بطور کلی اکثریت قریب به اتفاق ملت ایران صف کشیده‌اند که در برابر جبهه ارتجاع همه با هم متحدند و مورد حمایت همه دولت‌های ملی و ضدامپریالیست و همه کشورهای سوسیالیستی هستند.

مرتجع کسی است که به امپریالیسم، به سرمایه‌داران بزرگ، به لیبرال‌ها و به فئودال‌ها وابسته باشد و از منافع آنها دفاع کند. مترقی کسی است که با امپریالیسم، با سرمایه‌داران بزرگ، با لیبرال‌ها و با فئودال‌ها مبارزه کند و جای همه نیروهای ضدامپریالیست، مترقی و انقلابی در جبهه دوم و جای همه نیروهای ارتجاعی، ضدانقلابی و ضد مردمی و در راس همه آنها امپریالیسم آمریکا در جبهه اول است."

اکنون یکبار دیگر ناگزیریم به شما تذکر دهیم که جبهه سومی وجود ندارد. شما آشکارا جبهه داخلی انقلاب را "ارتجاع" خوانده‌اید و زیر شعار مبارزه با "ارتجاع" از جبهه ارتجاع جانبداری می‌کنید. باید از شما بپرسیم که اگر غیر از این است چرا در جبهه "ارتجاع" مورد ادعای شما قطب‌زاده‌ها، امبرانتظام‌ها، بختیارها، بازرگان‌ها و ... جایی ندارند. آن‌چه که شما عنوان می‌کنید به این معنی است که به اعتبار دفاع دولت‌های ترقیخواه و ضد امپریالیست و سوسیالیست جهان از "ارتجاع" مورد ادعای شما بین دموکراتیک، لبی، الجزایر سوریه، سازمان آزادیبخش فلسطین و شوروی و گویا، ویتنام و ... حطگی از نظر شما "ارتجاعی" هستند!

### دوستان مجاهد!

امروز همه نیروهایی که امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا را دشمن خود می‌دانند، در برابر توطئه‌ها و تجاوزات امپریالیسم و یورش تمامی نیروهای مورد حمایت

بقیه از صفحه ۲۴

### آقای پالمه!

## تنه‌اره پایان جنگ تحمیلی، بیرون رفتن ارتش متجاوز صدام

مدام زیر آتش راکت‌ها، توپ‌ها، خمپاره‌ها و خمسه‌خمسه‌های صدام جایتکار قرار داشته است. مهم‌تر از همه آقای "اولاف پالمه" دریافتند که حکم تحمیلی چگونه در ایران به آوارگی و درگیری صدها هزار تن از مردم سرپه‌ها و روستاها و به‌ویژه اکثریت مردم ماطلی جنگ‌زده، مسجر گردیده است.

اما، آقای پالمه چه در ملاقات با مسئولین امور و چه در برخوردهای بسیار محدود و معدودی که با مدافعان مسلح و رزمنده میهمان و سر مردم ماطلی ویران‌شده داشتند دیدند و سیدند که مردم فهیمان ایران چه عبرت عمیقی از جنگ در دل دارند ایشان بیت صلح طلبی مردم ما را از نزدیک نعره کردند و دریافتند که مردم ایران موضع‌شان در مال جنگ، نفی آن و مبارزه با عامل آن است. نماینده سازمان ملل متحد کیه پایتخت پایتخت مردم میهن‌پرست ما از جنگ را هم در جبهه جنگ دفاعی با صدام جنگ‌افروز دیدند و هم در پشت جبهه‌های به وسعت میهن انقلابی مان ایران، ایشان در جبهه‌های جنگ دیدند که چگونه نیروهای مسلح ما برای بیرون راندن ارتش متجاوز صدام از خاک

خود، با شلک هر گلوله به فلت ساد دشمن خاورگر یک کلمه از مطومه صلح را می‌سرایند. در بست جبهه سر شاهد آن بودید که حکومت نوده‌های انقلابی میهمان ما فصاحت کردن به حداقل عدا و افروندن برتلاش سانه‌رویی‌شان در مراکز کار و تولید، همه امکانات و توان خود را در خدمت جبهه و کمک به آوارگان هم صهی خود فرار داده‌اند تا جنگ را هر چه رودتر به صلح مندل سارند.

آقای پالمه در سفر اخیرشان به ایران آنچه را که بار بس دیده و شنیده بودند، دیگر بار نعره کردند و دریافتند که موضع ایران استوار و تعبیر باید بر است و درنگ کلمه، مردم انقلابی ما از جنگ بی‌خبرند اما هر گاه یک سروری متجاوز به خدمت نوظه‌های امپریالیسم درآید و بخواهد که به استقلال میهمان کمترین لطمه‌ای وارد سارند، آنگاه ما مقاومت تا پای جان همه ما روبرو خواهد شد.

موضع ایران محکم و فاطح است و مردم صلح‌دوست آن از جنگ می‌پرهیزند چرا که می‌دانند این عبرت چگونه با دامن مرگ خود جان هزاران جوان و کودک سو شگفته را می‌گیرد و کشور را از

خسینی از سروری فعال و سارنده‌ای، حروم می‌سارند. چگونه در یک لحظه حاصل تلاش روزها، ماهها و حتی گاه سال‌ها کار خلاق زحمتکشان را بر باد فنا می‌دهد و چگونه صدها هزار انسان را از محل کار و کوشش خود دربدر می‌کند. اما همین مردم آنگاه که بسند جنگ‌افروزی به جیب جنتاوتی متوسل می‌شود آنگاه که پای استقلال میهن انقلابی‌شان به میان می‌آید بس رویشان یک راه و تنها یک راه قرار می‌دهند و آن عفت‌شادن متجاوز و دفع سر این جنایتکار است. هر چند برای اس‌کار مجبور شود که نه‌ای بس سگینی را بردارد.

از آقای اولاف پالمه باید پرسید، شما که تاکنون از محکوم کردن عامل جنگ، خودداری کرده و تنها به ذکر اس واقعب‌اطهر من‌الشمس که جنگ و نتایج خصیبتار آن به نفع هیچ‌کدام از ملت‌های عراق و ایران بسبب، اکتفا کرده‌اید، آیا وظیفه ندارید که به‌عنوان نماینده سازمان ملل متحد موضع قاطع و عادلانه دولت جمهوری اسلامی و مردم انقلابی ایران را به گوش جهانیان برسانید؟ آیا انتظار دارید که مردم ایران به‌خاطر ماهیت

خاک ایران مبادرت ورزد. تا رسیدن به چنین زمانی، انتظار اینکه مردم ایران از موضع دفاع انقلابی خود دست بردارد، انتظاری سخت عبث است آقای پالمه باید بدانند و به همه جهانیان بسز برسانند که مسئولین جمهوری اسلامی در ایستادن بر موضع دفاع و پایان یافتن جنگ که تنها از طریق بیرون رفتن ارتش متجاوز صدام تحقق می‌پذیرد برخواست عادلانه و سروری خلق‌های ایران اتکاء دارند. خواستی که سازش ناپذیر است و نیرویی که یابایی بر آن متصور نیست.

**پاسداران باید  
به سلاح سنگین  
مسلح شوند!**

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت)

قلمداد کردن خود به‌عنوان اسلام از ملت می‌خواهند که کورکورانه از آنها اطاعت کنند. او همچنین در مقاله‌ای که در روزنامه میزان چاپ تهران درج شده است اظهار داشت: قبل از آغاز انقلاب اسلامی در ایران ملت تحت حکمرانی شاه مخلوع بود و بعد از انقلاب از مردم ایران خواسته می‌شود که تسلیم حکومت حکمرانان "انقلابی" شوند...

... و ضمن انتقاد شدید نسبت به عدم احترام به قانون و بخصوص نسبت به فعالیت‌های حکام شرع، پاسداران انقلاب و کمیته‌های اسلامی اظهار داشت: اینگونه سلب آزادی‌های مردم باعث نابودی کامل بقیه در صفحه ۱۸

## مهندس بازرگان انقلاب ایران را در نزد مردم جهان چگونه تصویر می‌کند؟

بخست‌وزیر دولت گام به‌گام نبر که چند بار "بد" را آب داده و هر چه فحش و باسرا می‌دانسته ستار مردم "فضول" کرده و بسز می‌گوید: "سه سه بار، نه بار غلط کردیم که انقلاب کردیم!" علی‌رغم همه عوام‌فریبی‌ها و "احتیاط‌ها" یکبار دیگر بندها را آب داده است!

در حالی که همه دستگاه‌های تبلیغاتی امپریالیستی و ارتجاعی مشغول ارائه یک تصویر "وحشتناک" از انقلاب ایران و

"بی‌مقدمه" گفت: ما با آمریکا سر جنگ نداریم! البته لبرال‌ها بعداً کوشیدند این حرف‌ها را "مابیت مالی" کرده و دیگر صدایش را درساورد. اما مگر مردم ایران که بار سکین دردها هزار شهید و مجروح را به‌خاطر مبارزه با آمریکای جنایتکار متحمل شده‌اند، جملات به این "فشنگی" را که از تعدل یک لبرال کهنه‌کار برخاسته، فراموش می‌کنند؟

مهندس بازرگان "تک ستاره" لبرال‌های ایران و لبرال‌ها وحش‌زده از انقلاب صدام‌امپریالیستی مردم میهمان هر روز بیشتر به آغوس امپریالیسم می‌خردند و تلاش‌های سازشکارانه و ضد انقلابی خود را برای شکست انقلاب ایران به طرق مختلف ادامه می‌دهند.

سرمایه‌داران لبرال در هراس از رشد و گسترش انقلاب، این تلاش‌های ضدانقلابی را در برده‌ای از جملات انقلابی و مردم‌فریب تحویل خلق ما می‌دهند و خود را "انقلابیون" دو آتشه‌ها می‌زنند. در برخی موارد هم آنها کنترل خود را از دست داده و رک و پوست کنده "حرف دلشان" را می‌زنند. نظیر آن حملات معروفی که در پشت تریبون مجلس از دهان دکتر سبحانی "در" رفت و

### پاسداران باید به سلاح های سنگین مسلح شوند

● ضرورت آموزش سلاح های سنگین به پاسداران در مقاله با ارتش متجاوز عراق که از مدرن ترین و پیشرفته ترین سلاح های جنگی برخوردار است، امروزه برای برخی از مقامات جمهوری اسلامی روشی یا بهتر است بگوئیم روشی تر شده است. آیت الله منتظری در روز ۲۷ دی ماه، در جریان دیدارش با مسئولین آموزش پاسداران متذکر گردیدند: "سپاه باید به سلاح سنگین مجهز شود... چرا که با اسلحه سبک کاری نمی توان از پیش برد و این تنها وظیفه سپاهیان نیست بلکه بر همه مردم ضروری است که با اسلحه روز آشنا شوند و..."

آیت الله منتظری همچنین روز ۲۴ دی ماه، در پیامی که به مناسبت آغاز کار سمیاب سروریه مسئولان آموزش سپاه پاسداران در یادگان "قدیر" اصفهان فرستادند، متذکر گردیدند که: "... اینجانب گوارا این نکته را به مسئولین تذکر داده ام و با این که شنیده ام این آموزش در سپاه شروع شده ولی از قرار اطلاع، هنوز آنطور که شایسته است توجه نمی شود و مسامحه کاری هایی به چشم می خورد. و اضافه کردند که اگر چنین تسامحی صورت نگیرد

... موجب تقلیل تلفات و ضایعات انسانی خواهد شد. چه بسا مواردی که اگر برادران سپاه آموزش سلاح سنگین داشتند از ریخته شدن خون جوانانی عزیز و فداکار که سرمایه های ایمن مملکتند جلوگیری می شد..."

خود مسئولین آموزش پاسداران نیز در قطعنامه شان به درستی بر این ضرورت تاکید خاصی کرده اند:

... از مسئولین خواستاریم که سپاه را هر چه زودتر مسلح به سلاح های سنگین نموده و این را به عنوان حق مسلم سپاه در جهت حفظ و تدوام انقلاب بر شمارند. و در جای دیگری از همین قطعنامه از دولت خواسته شد که:

"... هر چه بیشتر جهت فراهم کردن امکانات آموزشی سپاه کوشش نمایند" آنچه که از سوی آیت الله منتظری و نیز مسئولین آموزش پاسداران اعلام شده چیزی نیست جز بیان آن حقیقتی که به قیمت تلفات و ضایعات جبران ناپذیر به دست آمده است درک ضرورت آموزش و آشنا کردن پاسداران با کارکرد سلاح های سنگین و نیز تجهیز و تسلیح فوری آنان به این نوع سلاح ها، نه تنها محصول تجارب تلخ به دست آمده در

جریان جنگ تحمیلی ارتش متجاوز صدام به میهن ما می باشد، بلکه سیانگر احساس لزوم آمادگی بیشتر برای دفع توطئه ها و تجاوزات مستقیم و غیر مستقیم عدی امپریالیسم آمریکا توسط نیروهای صدام امپریالیسم جمهوری اسلامی ایران نیز است.

در واقع، امروز دیگر کسی نمی تواند به فکر حفظ و تدوام انقلاب صدام امپریالیسمی خلق های میهمان باشد ولی خطر امپریالیسم رخم خورده آمریکا و ایادی داخلی آن را دست کم بگیرد. دیگر کسی نمی تواند از ضرورت مقاله با امپریالیسم متجاوز و توطئه گر آمریکا سخن براند بی آنکه عملاً در جهت تقویت نسیه دفاعی گام بردارد. و به همین دلیل در شرایط کوبی بالا بردن کارایی جنگی سپاه پاسداران از طریق آموزش و تسلیح آنان به سلاح های سنگین حداقل کاری است که مقامات جمهوری اسلامی ایران باید انجام دهند.

هم میهمان انقلابی ما به خوبی اطلاع دارد که درست در آغاز تجاوز ارتش جنایتکار صدام به میهمان، سازمان چریکهای فدایی خلق ایران "اکثریت" ضمن متذکر شدن تسلیح توده ها که ضامن پیروزی انقلاب ما در مقابل با توطئه ها و تجاوزات

امپریالیسم و متحدان آن است. تسلیح پاسداران به سلاح سبکی را نخستین و طیفه مسئولین امور دلس از همس روز، آنچه که در جریان جنگ اتعاق افتاد، از همان ابتدا روس و واضح بود و هماتوری که سیر وقایع بدحوی روس در همگان نشان داد. سس سبکی اینکه محروم ماندن این نهاد انقلابی از داشتن سلاح های سبکی جد اداره ار دامت عمل این سروری مسلح صد امپریالیسم در برابر تجاوز ارتش صدام خواهد کاست امر کاملاً ممکن بود. این سس سبکی همان چیزی بود که بعدها در طول جنگ مقاومت نکتک پاسداران آن را به حان لمس کردند این هشدار به حا بعدها بدل به فریاد خشمگین پاسدارانی که مجبور بودند در مقابل جنگ افزارهای مدرن ارتش جنایتکار صدام با سلاح های سبک و کاملاً نراثر بکنند، علیه کارشکان گردید. و بار دیگر در جریان عمل به اسباب رسید که اعتقاد راسخ نیروهای میهن پرست در مقابل با توطئه های امپریالیسم شرط لازم مقاومت است و برای تأمین پیروزی باید کارایی جنگی را بالا برد و باید سلاح هایی را که بتواند پاسخگوی تجاوز دشمن باشد، به کار گرفت. اما متاسفانه این هشدار بهجا و

دموع در آن روزها کمترین استعمال به عمل آمد. توجه مقامات مسئول ار همان ابتدا نباید امر بدستها موجب آن می شد که سپاه بخشی از سبکی و فداکارترین اعضای خود را از دست بدهد. بلکه می توانست در روحد جنگی این نهاد انقلابی که در برابر توطئه های مکرر امپریالیسم آمریکا و تجاوزات ریم صدام با تمام وجود به دفاع از دستاوردهای انقلاب برحاسته مور افتد. و تنها یک حسن نوحه می توانست پاسخ قاطعی باشد به لبرال های کارشکن و تسامح یارهای فرماندهان بسدیایه ارتش جمهوری اسلامی و کلیه کسانی که عملاً از قدرت گیری این نهاد در وحست بوده و با مقاومت های پیمان و آشکار خود مانع از مسلح شدن پاسداران به سلاح های سنگین می گردید.

ایک که امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا توطئه های دیگری را تدارک می بیند، ما بر ضرورت این امر بیش از سس تاکید می ورزیم. و از مسئولین جمهوری اسلامی می خواهیم جا بر خورد پیگیرانه، مسئولانه و جدی تری که باید از خود نشان دهند، نگذارند که انقلاب بیش از این، از امکانات موجود و حداقل خود محروم بماند.

### اخبار کردستان

کردستان، راه بجائی خواهد برد. ماهمچون همیشه این حرکات سرکوبگرانه و جنایتکارانه را محکوم می کنیم.

● در تاریخ ۱۵ دی ماه مردمی که برای خرید کیسول گاز صف کشیده بودند با رسیدن خودرو حامل پاسداران که حالت تهجمی علیه آنها داشت پا به فرار می گذارند. در این حال پسر بچه ۱۳ ساله ای که اقدام به فرار نموده و حرکت افراد سپاه را نظاره می کرد توسط آنها به رگبار بسته شد و در دم به شهادت رسید. در شب همین روز رادیو

در نتیجه تیراندازی سپاه پاسداران بطرف دو نفر از رفقای هوادار سازمان بهنامهای جمال قوت آغاچی و جلال گوکه ای که در ساعت ۲/۳۰ بعد از ظهر از منزل خارج شده و قصد رفتن به منزل یکی از اقوام خود را داشتند، رفیق جمال قوت آغاچی به شهادت رسید و رفیق جلال گوکه ای از ناحیه شکم به شدت مجروح گردید و در حال حاضر در درمانگاه پادگان بستری می باشد. یقیناً این حرکات کور و جنایتکارانه جز شعله ور کردن آتش خشم مردم قهرمان

تلویزیون مهاباد توسط افراد کومله و دارودسته قاسملو مورد حمله قرار گرفت که این درگیری ها چندین ساعت ادامه داشت. عکس العمل کور و بی منطق پاسداران و ارتش در مقابل حرکات ضدانقلاب که تاوان آن را مردم بی دفاع می پردازند، جز تشدید و خامت اوضاع در کردستان به صورت ایجاد تنفر هر چه بیشتر در توده ها و ایجاد زمینه جهت گسترش عملیات ضدانقلاب نتیجه دیگری ندارد. اینگونه عملیات که باعث شهادت مردم ستم دیده می گردد، باید هر چه زودتر متوقف شود. ما این حرکات را شدیداً تقبیح و محکوم می کنیم.

**بوکان**

هیقتی که از جانب مردم شهر جهت بازگشائی مدارس به ارومیه رفته بود، بدون

نتیجه به بوکان بازگشت استاندار آذربایجان غربی در مقابل خواست این هیئت ممسی بر پرداخت حقوق معلمین و کارمندان و پایان بخشیدن به محاصره اقتصادی شهرها و روستاها اظهار داشته: تا زمانی که حاکمیت دولت بطور کامل در منطقه برقرار نشود به صورتی که یک پاسدار بتواند فاصله بین ارومیه - مهاباد را بدون هیچ مانعی پیاده طی نماید حاضر به پذیرش هیچ کدام از خواست های اهالی نیستیم!

مقامات جمهوری اسلامی تا به حال هیچ جواب منطقی به خواست های حقه خلق قهرمان کرد نداده اند و همچنان تنگ نظرانه در جهت تشدید وضعیت بحرانی کردستان گام برمی دارند.

● هلی کوپترهای جمهوری اسلامی در تعقیب افراد مسلح کردستان از مقامی ندارد.

وابسته به باند قاسملو روستاهای نرچان - گردی گلان و زبیل را مورد حمله قرار دادند. در این عملیات مقدار زیادی خسارت مالی به روستائیان وارد آمد. دار و دسته قاسملو در ادامه فشار به مردم روستاها جهت خرید اسلحه از روستائیان "سراو" مبلغ یکصد و شصت هزار تومان با تهدید و ارباب گرفته اند. آنها در شرایطی این چنین مردم را تحت فشار قرار داده اند که مردم عموماً جهت تهیه مایحتاج خود با مشکلات فراوان روبرو می باشند. در این درگیری ها تنها مردم بی دفاع و قهرمان کردستان هستند که تمامی هستی خویش را از دست می دهند. حملات متقابل، کور، بی منطق و سرکوبگرانه جمهوری اسلامی و باند قاسملو جز دشمنی با مردم کردستان از مقامی ندارد.

### از میان اعلامیه‌ها و نشریات شاخه‌ها و هواداران سازمان

در هفته گذشته به مناسبت سالروز فرار شاه (۲۶ دی ماه ۵۷) اعلامیه‌ها و تراکت‌ها و کاریکاتورهای از طرف هواداران سازمان در سراسر کشور منتشر شد.

این فعالیت گسترده هواداران که با استقبال وسیع مردم روبرو گردید، تجربه موفقی برای کار تبلیغی توده‌ای در میان مردم بود.

گسترش تشنج و درگیری خواست امپریالیسم  
و لیبرالهاست.

\* جوانان بیشگام در سرب حیدریه اعلامیه‌ای با عنوان قوی منتشر کردند. در این اعلامیه صمی تاکید بر ضرورت وحدت میان نیروهای ضد امپریالیسم و نرغیخواه، سیاست‌های فاق‌افکنانه لیبرالها و صدام‌گلابیون محکوم شده است.

\* هواداران سازمان در خراسان اعلامیه‌ای تحت عنوان "هشدار به هواداران رئیس‌جمهور" منتشر کردند. در این اعلامیه به تظاهرات پراکنده و تشنجی که اخیراً طرفداران رئیس‌جمهور در این استان به وجود آوردند، محکوم شده و چنین آمده است: "بجای ایجاد اغتشاش و درگیری، هرچه فریاد دارید بر سر امپریالیسم آمریکا بکشید"

با افزایش تولید از استقلال میهن دفاع کنیم

\* شاخه گیلان سازمان با انتشار تراکتی از دهقانان زحمتکش خواسته است با تمام نیرو تولیدات کشاورزی را افزایش دهند.

بقیه از صفحه ۵

## بیانیه

### بمناسبت (۲۷ ریه‌ندان)

را که برای همه شناخته شده‌اند و اسناد و مدارک کافی در ناآید وابستگی آنها به رژیم منفور پهلوی موجود است، دستگیر و مجازات نماید.

۲- به محاصره اقتصادی شهرها و روستاهای کردستان پایان بخشیده و حقوق قطع شده کارمندان را پرداخت و به انحلال آموزش و پرورش پایان دهد.

۳- بدون قید و شرط اعلام عفو عمومی نماید تا هزاران نفر از مردم که به واسطه عدم امنیت در شهرها و تهدید آنها از جانب نیروهای نظامی و انتظامی جمهوری اسلامی محل زندگی و کار خود را ترک کرده‌اند، امکان یابند به سرکار و زندگی خود بازگردند.

این اقدامات می‌تواند اعتماد توده‌های مردم کردستان را جلب کرده و زمینه مناسبی برای حل عادلانه مسئله کردستان فراهم آورد. امروز همه

\* کارگران و کارمندان سیمرو صعب روی با اسنار اعلامیه‌ای در تاریخ ۲۵ دی‌ماه اعلام داسته‌اند: "مسئله اضافه کار باید به نفع کارکنان مردم‌گس روی حل شود."

\* سازمان عمران استان حرکتی به نفع مردم رحمتکس و بدون مسکن و علیه سرما-دداران زمسحوار قدم برمی‌دارد. این نهاد انقلابی باید به فعالیت خود ادامه دهد.

مطلب بالا عنوان اعلامیه هواداران در اراک است. در قسمتی از اعلامیه آمده است: "سازمان عمران" تاکنون نزدیک به ۱۱۰۰۰ قطعه زمین در اختیار کارگران، کارمندان و دیگر مردم بدون مسکن فرار داده است.

\* شماره ۱۲ "حیرامه روسا اراک" توسط هواداران سازمان منتشر شد در خرابه روسا این مطالب را می‌خوانم: دوسان و دسنان و انقلاب را ساسم، روسائیان زلزله‌زده باز هم به باری بیار دارند، رئیس‌ترک معاوی فراهاان به روسائیان اححاف می‌کند.

### اختلاف به سود کیست؟

\* جمعی از هواداران سازمان در بهران اعلامیه‌ای منتشر کرده‌اند که در آن صمی هشدار خطر تهاجم نظامی آمریکا، از تمام نیروهای انقلابی و به‌ویژه هواداران مجاهدین خلق حواسماند را باین‌ردي به اختلافات خودداری کند.

\* با هشیاری انقلابی از درگیری در مدارس و به تعطیل کشاندن آنها جلوگیری کنیم و "سخنی با دانش‌آموزان" عنوانین دو اعلامیه از دانش‌آموزان بیشگام کرمانشاه است.

\* صنایع هواداران سازمان در زندان‌های قزوین و اردبیل طی نامه‌هایی آمادگی خود را برای شرکت در جبهه‌های جنگ و مبارزه با رژیم مزدور صدام اعلام داشته‌اند.

قسمتی از نامه رفقای در بند در زندان قزوین در روزنامه کیهان (۲۳ مهرماه) به چاپ رسیده است.

آنها که به سروشت انقلاب ایران علاقمندند، وظیفه دارند برای پایان بخشیدن به درگیری‌های کردستان بکوشند و صفوف مردم میهنمان را در برابر تجاوزات امپریالیسم آمریکا و رژیم صدام فشرده‌تر سازند.

ما ضمن گرمی‌داشت سی‌وششمین سالگرد جمهوری خودمختار کردستان که یادآور مبارزات خلق کرد و رهبران جیش ملی کردستان علیه رژیم وابسته امپریالیسم شاه مخلوع می‌باشد، از همه شخصیت‌ها و نیروهای صدیق کردستان می‌خواهیم مرحله حساس کنونی تاریخ ایران را دریابند و با احساس مسئولیت تمام توطئه‌های امپریالیسم و صدام‌انقلاب داخلی را که برای نابودی انقلاب ما صورت می‌گیرد، خشی سازند و بقین بدانند که خلق کرد تنها زمانی به پیروزی خواهد رسید که سلطه امپریالیسم جهانی به‌سرکردگی امپریالیسم آمریکا در میهنمان برچیده شده باشد.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران  
(اکثریت) - شاخه کردستان  
۲ بهمن ماه ۱۳۵۹

بقیه از صفحه ۸

## لنین، انسان طراز نوین...

طولانی‌تر ساختن جامعه طبقاتی و در بهترین حالت آسان‌تر ساختن تحمل دردها و محرومیت‌ها از طرف زحمتکشان است و در هیچ حالی قادر به درمان دردها و حل تضادهای نیست. بدین خاطر عشق به لنین از طرف بوده‌ها از آنجا که سمت مشخصی داشت و با کینه به دشمنان بوده‌ها تکمیل می‌شد، می‌توانست از این محدوده احساساتی خارج شود و به عمل انقلابی برای رهایی طبقه کارگر و بوده‌ها از فید اسارت بدل شود. به‌قول مایاکوفسکی، لنین "یاران را روح بیکارچدای از مهر، دشمنان را کوبنده‌سر و سخ‌براز فولاد" بود.

لنین می‌دانست که مسیر قانونمند نکاملی تاریخ به کمونیسم ختم می‌شود، اما او بالاتر از این می‌دانست که بوده‌ها سازندگان تاریخ‌اند. برای لنین شناخت قوانین عینی تکامل تاریخ و بطور کلی نظری‌های علمی به‌خودی خود و جدا از زندگی اجتماعی دارای ارزش نبودند. برای او نظری سوسیالیسم علمی ابزاری بود که طبقه کارگر جهانی به‌وسیله آن جهانی را که در آن زندگی می‌کند، جهانی را که باید از بین ببرد و جهانی را باید بسازد، می‌شناسد و در جهت انهدام نظام کهن و ساختمان نظام نوین تلاش و مبارزه می‌کند.

لنین بر دشواری‌های مبارزه انقلابی طبقه کارگر در راه تجدید بنای کمونیستی جهان و جان‌سخنی و مقاومت تا پای جان جهان‌کهن در مقابل جهان نو وقوف کامل داشت و بدین خاطر بود که بنیان مبارزه در راه کمونیسم را بر نیروهای مادی واقعا موجود در جهان خارجی قرار می‌داد. شناخت عمیق شرایط و محاسبه دقیق نیروهای موجود در عرصه جهان و در یک کشور و اتکاء به نیروهای موجود خودی از یک طرف و اتکاء به سوسیالیسم علمی به‌مطابق بیان تئوریک جنبش کارگری از طرف دیگر به لنین امکان داد که قدرت عظیم جنبش کارگری را پشتوانه آموزش خود نماید و این آموزش را به سلاحی برای مبارزه علیه دشمنان طبقه کارگر بدل نماید. بدین ترتیب آموزش لنین حزب طبقه کارگر را از دو نوع کوربینی سیاسی برحذر می‌دارد:

الف: "کوربینی و بی‌پروائی آنارشیستی یعنی ناتوانی و بی‌میلی برای دیدن واقعیت موجود و ب: "نزدیک‌بینی بزدلانه و فرصت‌طلبانه یعنی ناتوانی و عدم تمایل به دیدن هدف، دورنما و آینده"

دروغ آن را به واقع‌بینی علمی و بی‌پروائی متکی بر دانش و شناخت عمیق از شرایط و تناسب نیروها. با درنظر داشتن هدف‌نهایی، دورنما و آینده مسلح می‌کند. به‌عبارت دیگر طبقه کارگر را قادر می‌سازد تا در هر شرایط مشخص و در هر مرحله معین از مبارزه‌اش در راه کمونیسم، مناسب‌ترین تاکتیک را اتخاذ نماید.

## قدوین و اجرای یک قانون

### کار و تامین اجتماعی مترقی

### با مشارکت شوراهای

### سندیکاها و قانون‌های کارگری

### ضرورت مبرم انقلاب است



## طبقه کارگر، دژ استوار پایداری در برابر تجاوزگران

### خون کارگران پیشرو، سرخی صبح پیروزی زحمتکشان

#### فدائی خلق، رفیق شهید علیرضا کاظمی (نفتگر پیشرو)

#### فدائی خلق، رفیق شهید

#### نوری نیاکان

و محد خلق پیوسته و سرورمندانۀ فام پیرشکوه را پسر سهاد رفیق پس از پیروزی فام مجدداً سه اسخدادم سرکف نفت در آمد و در پالاسگاه آبادان به کار برداخت. سن از آغاز جنگ تحمیلی رژیم صدام و سندیید استغلال و دستاوردهای انقلاب میهمان، رفیق در شهر ماند تا به مقابله با مردوران عراقی بپردازد. رفیق علیرضا کاظمی عضو طامی "شورای محل بود و از این رو پیگیرانه مردم را در ساحت سگر، خندق، کوکتل سمراهی و... یاری می داد و سها سیر سده همراه سبزر رزمندگان، کجگاهی محل را به عهده دانست. یاد او را در تاریخ سبه ۵ مهر ماه

رفیق علیرضا کاظمی در سال ۱۳۲۹ در محله فقورده احمدآباد آبادان، در خانوادهای کارگری دیده به جهان گشود و مانند سایر فرزندان کارگران و زحمتکشان در ریح و فلاکف برکف غد و تحمیلاب متوسطه و اسدائی خود را در همس سهر به پایان رساند.

او از سال ۱۳۵۵ به عنوان کارگر به پالاسگاه آبادان راه یافت و همدوس با دیگر کارگران رزمده سساد زحمتکشان به مبارزه علیه رژیم سفاک و ددمش پهلوی برخاست. رفیق پس از مدتی کار در پالاسگاه به علت درگیری با مسئولین و روسای پالاسگاه، آسجا را برکف کرده و فعالیتس به معوف یکپارچه

تعداد زیادی از آنان، در تاریخ ۱۵ دی ماه ۵۹ به ماه کارگران کارخانه سیمکو و زحمتکشان محله احمد رسف به دنیا آمد. او تحصیلات ابتدائی خود را در همین روستا به پایان رسانید و از آسجا که فقر و وضعیت مشقتبار زندگی رفیق اجازه ادامه تحصیل را به او نمی داد، برای یافتن کار و کمک به تامین مخارج زندگی خانواده خود راهی تهران شد و ابتدا در کارخانه کفش ملی مشغول به کار گشت. سختیهای زندگی در روستا و کار طاقت فرسا و زحیرهای ستم و بردگی کارفرمایان در کارخانه آن چنان نفرتی نسبت به سرمایه داران در قلب رفیق به وجود آورده بود که لحظه ای از پشتیبانی و حمایت مبارزه کارگران در برابر سرمایه داری و رژیم خو سوار پهلوی غافل نبود و به همین علت در سال ۵۶ از این کارخانه اخراج شد. سال ۵۶ مصادف بود با آغاز طوفان انقلابی خلق برای برانداختن رژیم دست ساندۀ و امریکائی پهلوی. از همین رو رفیق بوری با تمام سیر و توان خود به میان نوده ها رفت و در ۲۲ بهمن ماه ۵۷ شاهد پیروزی قیام را در آغوش کشید. رفیق پس از انقلاب در کارخانه "سیمکف اریکسون" رشت اسخداد شد و پس از شروع جنگ احیر با تلاش و کوششی پیگیر، همکاران خود را ترعیب می نمود تا با کار و تولید بیشتر، کارخانه را به پشت جبهه و سگری مستحکم برای مبارزه با امیرپالیسم جهانی بسرگردگی امیرپالیسم امریکائی تبدیل نمایند. او پس از اعزام به جبهه جنگ، پس از مدتها سبرد دلاورانه با مزدوران و تار و مار کردن

رفیق شهید بوری نیاکان در سال ۱۳۳۵ در یک خانواده روستائی زحمتکش در محله احمدسگورات از توابع رشت به دنیا آمد. او تحصیلات ابتدائی خود را در همین روستا به پایان رسانید و از آسجا که فقر و وضعیت مشقتبار زندگی رفیق اجازه ادامه تحصیل را به او نمی داد، برای یافتن کار و کمک به تامین مخارج زندگی خانواده خود راهی تهران شد و ابتدا در کارخانه کفش ملی مشغول به کار گشت. سختیهای زندگی در روستا و کار طاقت فرسا و زحیرهای ستم و بردگی کارفرمایان در کارخانه آن چنان نفرتی نسبت به سرمایه داران در قلب رفیق به وجود آورده بود که لحظه ای از پشتیبانی و حمایت مبارزه کارگران در برابر سرمایه داری و رژیم خو سوار پهلوی غافل نبود و به همین علت در سال ۵۶ از این کارخانه اخراج شد. سال ۵۶ مصادف بود با آغاز طوفان انقلابی خلق برای برانداختن رژیم دست ساندۀ و امریکائی پهلوی. از همین رو رفیق بوری با تمام سیر و توان خود به میان نوده ها رفت و در ۲۲ بهمن ماه ۵۷ شاهد پیروزی قیام را در آغوش کشید. رفیق پس از انقلاب در کارخانه "سیمکف اریکسون" رشت اسخداد شد و پس از شروع جنگ احیر با تلاش و کوششی پیگیر، همکاران خود را ترعیب می نمود تا با کار و تولید بیشتر، کارخانه را به پشت جبهه و سگری مستحکم برای مبارزه با امیرپالیسم جهانی بسرگردگی امیرپالیسم امریکائی تبدیل نمایند. او پس از اعزام به جبهه جنگ، پس از مدتها سبرد دلاورانه با مزدوران و تار و مار کردن

شهادت فدائی خلق رفیق شهید بوری نیاکان بیانگر تلاش فرمانانۀ کارگران رزمده و هوتسبار در جهت حفظ دستاوردهای انقلاب و مقابله با سائس امیرپالیسم امریکا و تحاوزات رژیم مرتجع صدام می باشد. اگرچه رفیق بوری و تمام رفقای شهید ما در راه انبات حقاقت آرمان طبقه کارگر و راه سرخ فدائیان خلق که از عشق عمیق به نوده ها سرشار است در جبهه جنگ شهید شدند ولی مسلم است که هزاران تن دیگر از کارگران و زحمتکشان، راه آنان را برای رهایی از زحیرهای ستم و استثمار تداوم خواهند بخشید

یاد تمامی سهدای خون حفته خلق گرامی یاد



عکس فدائی خلق رفیق شهید محمود اشرف آبادی که در کار شماره ۸۴ خبر شهادت او درج شده بود.

#### کارگر انقلابی، شهید محمد صغیر رمضانی

اعتقاد حوس راسخ ماند که هفان اعتقاد به آرمان رهایی کارگران و زحمتکشان بود. او در جریان انقلاب و قیام شکوهمد ۵۷ فعالانه در میان خلق به سرب سسا غارتگران رژیم پهلوی برداخت و در همسبب جریاباب بود که نام "فدائی خلق" آشنا شد. او با آنکه فردی مذهبی بود ولی آثار و سربات سازمان را به دقت مطالعه می کرد و فعالانه در تبلیغ مواضع و نظریات سازمان سرکف می کرد. با شروع جنگ تحمیلی و تجاوزکارانه رژیم صدام جانسکار. او مانند هر انقلابی حان برکف نه باری رزمندگان جبهه شتافت و با ابوس خود مصدومیسس و محرو حس جنگ را سس سمارسانها و مراکز امداد حمل می کرد تا اسکه سراحام در روز ۱۹ آدرماه ۵۹ بر اثر اصابت برکش حمه حسمه های عراقی، در خیابان عروسی

شهید محمد صغیر رمضانی در سال ۱۳۲۴ در یک خانواده کارگری در سهر فرمان پرور آبادان مولد شد و به قول یکی از بستگانش "از آغاز تولد تلاق سناه سرمایه داری را بر پیکر کوچک و نحیف خویش احساس می نمود." ۶ - ۷ ساله بود که مدیران و روسای وابسه شرکت نفت، پدر کارکش را از صعب نفت اخراج کردند. و پس از آن محمد نه همراه سایر اعضای خانواده خود برای گذران ردگی به تلاش شبانه روزی برداخت. پس از تاسیس شرکت واحد اتوبوسرانی در آبادان، شهید محمد در آغار جوانی ابتدا به عنوان بلطفروس و سپس رانده اتوبوسهای شرکت واحد مشغول به کار شد. زندگی شهید محمد در همگامی و همزیستی با مردم فقیر و زحمتکشان خلافت شد بود و با باای عمر خود، در

### طبقه کارگردز همیشه استوار...

#### درگذشت رفیق فدائی، هنرمند ارزنده خلق مجتبی خرمی

یاران او را در اندوهی عمیق فرو برد



رفیق در جشنواره موسیقی خلقها در سالروز حماسه سایهکل در نوزدهم بهمن سال گذشته سرپرستی گروه موسیقی لرستان را به عهده داشت. صدای گرم و دلنشینی رفیق که در آن روز شور و شوقی زایدالوصف به جشنواره بخشید هم اکنون در گوش هزاران ایرانی به ویژه هموطنان لرستانی اش طنین انداز است.

رفیق در دی ماه امسال در جریان یک سانحه اتوموبیل درگذشت. به دنبال مرگ رفیق موجی از اندوه تمامی رفیقان همسر و همشهریان او را دربرگرفت. زحمتکشان لرستان هیچگاه خاطره رفیق مبارز، مجتبی خرمی را از یاد نخواهند برد.

یادش گرامی و راهش جاودان باد

انقلابی اش در جنبش شرکت می کرد. رفیق با شرکت در فتح پادگان عشرت آباد و شرکت فعال در فتح و خلع سلاح دیگر پادگان های رژیم سرسپرده عملاً ثابت کرد که یک فدائی خلق است. رفیق از سال ۵۶ از طریق اعلامیه ها و نشریات سازمان با سازمان آشنا شد و همیشه می گفت: " باید به استواری و پایداری این رفقا در راه آرمان مقدسشان که رهایی کارگران و زحمتکشان است، گام برداشت"

بعد از قیام پرشکوه بهمن فعالیت انقلابی خود را در رابطه با سازمان گسترش داد و در این راه تمام زندگی خود را وقف خدمت به خلق و طبقه کارگر نمود. رفیق به عنوان یکی از نمایندگان کانون دیپلمه های بیکار در شکل و سازماندهی این کانون نقش چشمگیر داشت. رفیق به موسیقی به ویژه موسیقی فولکلوریک علاقه ای وصف ناپذیر داشت و در اشاعه و سمت دهی انقلابی و مردمی این موسیقی تلاش می کرد.

رفیق مجتبی در سال ۱۳۳۶ در خانواده ای متوسط در خرم آباد به دنیا آمد. در دوران کودکی و در تعطیلات دوران تحصیلی اش در کنار پدرش و دوش بدوش زحمتکشان شهر به کار پرداخت و به تدریج با رنج و زحمت زحمتکشان لرستان آشنا شد. و عشق به رهایی زحمتکشان در وجودش شعله ور شد.

رفیق در سال ۵۶ به خدمت سربازی احضار شد و در این هنگام که سیلاب خشم خلق به راه می افتاد، در پادگان به همراه دیگر رفقای مبارز، کار افشاگرانه و آگاه گرانه و سیز هسته های مقاومت را سازماندهی نمود در جریان اوج گیری قیام توده های، رفیق با جسارت از سربازخانه فرار کرد و طی عملیاتی، چندین مزدور گارد شاه را به هلاکت رساند در این هنگام او قطره قطره از تجارب گرانمای رزم توده های خلق و سازماندهی حرکات توده ها را می اندوخت و با تمام توان و تلاش

#### توضیح و تصحیح



در کار شماره ۹۱ و ۹۲ پیرامون درج خبر شهادت " گزارشی از مراسم بزرگداشت فدائی خلق شهید دکتر پرویز کریمیان " ضمن پوزش، نکات ذیل تصحیح می گردد:

۱- در کار شماره ۹۱ صفحه ۱۹ در متن خبر آمده است که درمانگاه "حصیرآباد" توسط شهید دکتر نریمسیا تاسیس شده بود که صحیح خبر این است که این درمانگاه در یکی از محلات فقیرنشین اهواز به همت دکتر نریمسیا و عده ای دیگر از پزشکان مبارز و انقلابی تاسیس شده است.

۲- در کار شماره ۹۲ صفحه ۲۰ بجای نام همسر دکتر کریمیان، نام " همسر

شهید دکتر پرویز کریمیان که زندگینامه او در شماره های قبل به چاپ رسید

رفیق شهید دکتر نریمسیا " درج شده که بدین وسیله تصحیح می گردد.

#### گرامی باد خاطره

#### شهادت کارگر آب و برق خوزستان

ما ضمن گرامیداشت خاطره این شهیدای کارگر، اسامی ۹ نفر از آنان را که به دستمان رسیده است، اعلام می داریم:

- ۱- حمزه قنبری
- ۲- قاسم جراحزاد
- ۳- علی عسگر برون
- ۴- رحمت اله حجازی
- ۵- حسن بگلانی
- ۶- حسن صالح نیا
- ۷- ولی دلیلی
- ۸- نظام سلیمی
- ۹- جابر فرسانی

کارگران مبارز سازمان آب و برق خوزستان از آغاز جنگ تحمیلی، فعالیت گسترده ای برای تحکیم پشت جبهه مانند برق رسانی به بیمارستان ها، سردخانه ها و تامین آب و برق مردم، داشته اند. در جریان این تلاش پیگیر که در زیر رگبار گلوله های توپ، خمپاره و خمسه خمسه دشمن انجام می گیرد، تاکنون تعدادی از کارگران رزمنده به شهادت رسیده اند.

حرفهایشان را می زنند و هر روز هم در روزنامه "میزان" که حتما به دلیل شدت سرکوب و اختناق "مخفیانه" چاپ و توزیع می شود! - بر زبان می آورند، باید کمی بیشتر "شجاعت" به خرج داده و جواب این سؤال را هم بدهند: چرا حرفهایشان سرسوزنی با حرفهای بختیار و رادیوعزاق تفاوتی ندارد؟ آیا جز این است که "درد" ایشان "در اصل و اساس باهم مشترک است و آن درد هم این است که مردم ایران قصد آن را کرده اند که امپریالیسم امریکا و همه ایادی ریزو درشتش را از سرزمین خود بیرون کنند؟ آقای بازرگان آیا عصبانیت شما به خاطر این نیست که مردم ایران می خواهند مستقل و آزاد باشند و شما نمی خواهید؟

کرده اند، در کارهای "بزرگتران" دخالت می کنند، شورا درست کرده اند و بدتر از همه، با امپریالیسم درافتاده اند و آزادی "غارت و چپاول" سرمایه داران را با هزاران مانع روبرو کرده اند و نمی گذارند که آقای بازرگان و لیبرال های امثال او تحت حمایت " دول معظم امپریالیستی " در گوشه دنج کارخانه های "کوچکشان" با خیال راحت به استثمار کارگران و زحمتکشان بپردازند و سهمی از دسترنج خلق را به یغما برند. البته که آقای بازرگان "حق" دارند ناراحت و عصبانی باشند، اگر غیر از این بود مردم میهن ما می بایست در اینکه واقعا انقلاب کرده اند یا نه، شک کنند. اما آقای بازرگان که با "شجاعت" تمام و علیرغم همه اختناق و سانسور

گل نازک تر به تجار محترمی که خون مردم ما را در شیشه کرده اند، گفته باشد؟ در عوض او وظیفه " بازگویی " ظلم و ستم و سرکوب و خفقان " خلق مسلمانی ها، قطب زاده ها، لباسچی ها و دستمالچی ها و ... را به نحو " شایسته ای " به عهده گرفته است. آقای بازرگان حتی وظیفه بازگویی "اختناق و سرکوبی" را که علیه هویدا به کار رفت، به عهده گرفت و به اعدام او اعتراض کرد. اما آیا در برابر کشتار رهبران خلق ترکمن حتی یک کلمه بر زبان آورد؟ درد آقای بازرگان در جای دیگری است. دردی که او را با قطب زاده ها و خلق مسلمانی ها و حتی پس از انقلاب با بختیارها و جنایتکاران عراقی همصدا می کند، درد آنها مشترک است و آن هم این که مردم "فضول" شده اند، انقلاب

بقیه از صفحه ۱۴

### مهندس بازرگان انقلاب ایران را در نزد مردم

ایران سخن نگفته؟ براستی آقای بازرگان از چه می نالد؟ از سرکوب و اختناق؟ او که وقیحانه می گوید: " وظیفه ماست که شرح اختناق و سرکوبی را که هر روز به اسم اسلام انجام می گیرد، بازگو کنیم. راستی ایشان تاکنون در کجا از سرکوب و اختناق که سرمایه داران و زمینداران علیه زحمتکشان به کار می گیرند سخن گفته است؟ از کدام کارگر، دهقان و زحمتکش به دفاع برخاسته است و کی کلامی علیه جنایات امپریالیسم بر زبان آورده؟ آیا کسی به یاد دارد که آقای بازرگان تاکنون از

حکومت و چند تکه شدن آن خواهد شد. بازرگان افزود: وظیفه ماست که شرح اختناق و سرکوبی را که هر روز به اسم اسلام انجام می گیرد بازگو کنیم... نخست وزیر سابق ایران ادامه داد که در طول تاریخ، اختناق و سرکوب همیشه از سویی... اشرار و کسانی که تشنه قدرت بوده اند، صورت گرفته است... اولین چیزی که پس از خواندن این مطالب به ذهن هرکسی می رسد این است که چرا آقای بازرگان حتی یک کلام از امپریالیستی و توطئه های آن بر علیه مردم

### اعزام گروهی از نفتگران جنگ زده به سنگرهای آبادان و خونین شهر

هر روز تعداد زیادی از نفتگران آبادان و خونین شهر که در ستاد جنگ زدگان ماهشهر مستقرند به جبهه‌های نبرد اعزام می‌شوند. این رزمندگان که پس از محاصره خونین شهر و آبادان به ماهشهر آمده بودند، علیرغم برخورد های شدید در محور جاده آبادان ماهشهر، تلاش می‌کردند از طریق سه راه شادگان به جبهه‌ها بازگردند. در ابتدا آنها با پای پیاده و استقبال از خطر مرگ، عازم جبهه‌ها می‌شدند که در این جریان، تعدادی از آنان به علت گم کردن راه، از تنگ و گرسنگی هلاک شده و یا به وسیله هلی‌کوپترهای دشمن

به رگبار بسته شدند. عده‌ای نیز اسیر گشتند و با همه سختی‌ها، گروه‌هایی از کارگران موفق شدند خود را سالم به آبادان برسانند. با پافشاری و اصرار کارگران برای اعزام به جبهه‌ها مسئولان دولتی امکانات حمل و نقل آنها را تدارک دیدند به این ترتیب بسیاری از آنان توانستند به آبادان و قسمت شرقی خونین شهر بازگردند. گزارش‌های رسیده از تاریخ ۲۴ آبان تا ۲۶ آذر جمعا ۱۰۶۱ تن از کارگران و زحمتکشان مستقر در ستاد جنگ زدگان ماهشهر با موتور لنج به جبهه آبادان بازگشتند. علاوه بر کارگرانی که به جبهه

بازگشتند، تعداد ۱۹۴۶ نفر از کارگران و کارمندان صنعت نفت و ۱۷۹ تن از کارگران و کارمندان پتروشیمی در ستاد ماهشهر باقی مانده‌اند که به همراه سایر کارگرانی که در امیدیه، اصفهان، شیراز تهران و ... مستقر هستند ضمن اعلام آمادگی خود برای بازگشت به جبهه، پیشنهاد کرده‌اند از تخصص و کارایی فنی آنها در کارخانجات و صنایع کشور استفاده شود. مسئولان دولتی باید با برنامه‌ریزی و سازماندهی درست از نیروی خلاق هزاران کارگر جنگ زده چه در جبهه‌های جنگ و چه در کارخانجات و صنایع استفاده کنند.

### کارگران کفش ملی:

«از اقدام انقلابی شورای کارخانه چرم آذر علیه واسطه‌ها پشتیبانی کنیم»

کارخانه چرم آذر یکی از بزرگترین تهیه‌کنندگان چرم در ایران است. تاکنون چرم تولیدی این کارخانه توسط یک شرکت واسطه و با قیمتی گزاف به بازار عرضه می‌شد. اکنون شورای کارخانه چرم آذر با برخورداری از حمایت همه‌جانبه کارگران کارخانه اقدام به کوتاه کردن دست این شرکت واسطه در امر فروش چرم نموده است. مدیران لیبرال کارخانه چرم آذر در مقابل این حرکت انقلابی کارگران ایستاده و با توسل به انواع کارشکنی‌ها و سنگ‌اندازی‌ها سعی در جلوگیری از اجرای تصمیم شورا دارند. کارگران پیشرو کفش ملی در رابطه با تصمیم انقلابی کارگران چرم

زندن کارخانه " چگونه، با چه ملاکی و از جانب چه مرجعی تشخیص داده می‌شود؟ مگر به اتکای همین " ضوابط" مبهم و قابل تفسیر نبود که پس از انقلاب بسیاری از کارگران انقلابی و مبارزان که نقش شایسته‌ای در پیروزی انقلاب داشته‌اند از کارخانه‌ها اخراج کردند. پس باید محدوده این قضاوت‌ها و ضوابط روشن و مشخص گردد. در غیر این صورت به استناد آن سرمایه‌داران و کارفرمایان به آسانی (کافی‌السابق) می‌توانند کارگران مبارز را از کار اخراج کنند و ماده ۳۳ اصولا دست نخورده باقی می‌ماند. بطور کلی دو طرح پیشنهادی فوق‌الذکر، با آنکه هر یک حاوی جنبه‌های مثبت و مترقی‌ای نیز هستند، اما هیچ یک پاسخگوی مسئله اخراج کارگران و حل اختلاف نخواهند بود، و بطریق اولی نمی‌توانند تضمینی برای امنیت شغلی کارگران اخراج کارگران و تضمین امنیت شغلی، باید تشکل‌های کارگری را تاکید بر تدوین و اجرای عاجلانه قانون کاری مترقی و نوین و لغو قانون کار آریامهری و بویژه ماده ۳۳، هیئت‌های حل اختلاف را (با مشارکت مسئولان شوراهای، سندیکاها و کانون‌های کارگری) و در چارچوب ضوابط انقلابی قانون کار جدید تدارک ببینند.

بی‌تقصیر بود. مدیر واحد عوص شود. به‌علاوه پیش‌بینی شده است که حکم کمیته‌ها به منزله حکم وزارت کار و امور اجتماعی است و در صورت اعتراض، تنها توسط " هیئت دولت" (!) قابل بررسی است. این طرح ضمن آنکه از یک سوبه‌نقش شکل‌های کارگری، از جمله شوراهای " اتحادیه شوراهای ( کانون‌های کارگری) تکیه دارد و از سوی دیگر ترکیب کمیته پیشنهادی طوری است که نمایندگان کارگران در اکثریت هستند، و از این دو جنبه مترقی‌تر این طرح اولی می‌باشد، اما این طرح نیز با اصل مسئله ( ماده ۳۳) برخوردی عجولانه و سطحی می‌نماید و از همه عجیب‌تر آنکه برای مقابله با مسئله حل اختلاف به خود ماده ۳۳ استناد می‌کند که این نقض غرض بوده و بیانگر اغتشاش فکری اراسته دهندگان این طرح و درک نادرستشان از مضمون واقعی مسئله حل اختلاف است و در همین حال نشان می‌دهد که اراسته‌دهندگان این طرح آنچنانکه باید به تاثیرات مخرب و سوء ماده ۳۳ توجه نداشته‌اند. در جای دیگر پیشنهاد می‌کند که:

" عوامل ناآرام که سعی در برهم زدن کارخانه‌ها دارند، طبق ماده ۳۳ اخراج شوند، و روشن نکرده است که " عوامل ناآرام" به چه معناست؟" سعی در برهم

کارگران با مشخصا وجود ندارد و یا اگر هم وجود داشته باشد در اقلیت کامل به سر می‌نبرد. به این ترتیب می‌بینیم که این طرح قادر نیست به مسئله‌ای به اهمیت " جلوگیری از اخراج بی‌رویه کارگران" پاسخ روشن و اصولی دهد.

ب: طرح دوم یعنی طرح مندرج در نشریه " صالحان سازنده" که باید به مثابه پیشنهاد رسمی ارگان کارگری حزب جمهوری اسلامی تلقی شود، با آنکه از پارهای جهات به مراتب ناقص‌تر از طرح فوق‌الذکر است، اما از جهاتی، دارای جنبه‌های مترقی‌تری است که ذیلاً بطور اجمال به آن می‌پردازیم:

بطور کلی براساس این طرح " کمیته‌هایی برای بررسی و قضاوت پیرامون اخراج کارگران در وزارت کار مستقر می‌شوند". ترکیب این کمیته‌ها عبارت است از یک نفر از " اتحادیه شوراهای" اتحادیه انجمن‌های اسلامی" دو نماینده از وزارت کار، دو نماینده از شورا و انجمن اسلامی کارخانه مورد نظر و بالاخره یک نفر نماینده مدیر یا کارفرما از کارخانه مورد نظر. در این طرح پیش‌بینی شده که اگر کارگر مقصر بود " طبق ماده ۳۳ با او رفتار گردد." و در صورتی که کارگر اخراج شده

بعده از صفحه ۶

### لغوماده ۳۳ قانون کار...

مرکز بررسی قیمت‌ها و بالاخره سازمان برنامه و بودجه. وظایف این هیئت نیز مشخص نشده است و از آن‌مهمتر، معلوم نیست که این هیئت تحت نظارت چه مرجعی فعالیت می‌کند و چه کسی آنها را انتخاب می‌نماید.

بطور کلی این طرح علاوه بر نارسائی‌ها و ایرادات فوق‌الذکر، کمبودهای دیگری نیز دارد که مهمترین آن بی‌توجهی آن به اهمیت نقش تشکل‌های کارگری در رابطه با همه مسائل فوق‌الذکر است. علیرغم اینکه در متن همین طرح پیشنهادی، به درستی به " دیکتاتوری مدیریت" که " بدون مشاوره" تصمیم می‌گیرند، اعتراض شده، اما در این میان هیچ اشاره‌ای به شورا و یا سندیکای کارگری ندارد و این تشکل‌های کارگری در این طرح، هیچ نقشی در حل اختلاف و داوری ندارند. حال آنکه در حل اختلاف و کیفیت رابطه میان کارگر و کارفرما، تشکل‌های کارگری مهمترین نقش را باید داشته باشند. ایراد کلی دیگری که این طرح دارد، آن است که در ترکیب هیئت‌های داوری و بازرسی پیشنهادی، نماینده

که شامل اختلافات اقتصادی رفاهی، سیاسی، مکتبی و اجتماعی مطروحه توسط شاکیان می‌شود، وارد کارخانه شده و به آنها رسیدگی می‌کنند". ( برای بررسی شکایات فردی و یا جمعی، کمتر از پنج نفر به‌جای این هیئت بازرسی، یک نفر بازرس به کارخانه فرستاده می‌شود که معلوم نیست این بازرس از طرف کارگران انتخاب شده است و یا از جانب کارفرمایان) بنابر تشخیص بازرس اظهارات شهود قابل بررسی در صدور رای و یا غیر قابل قبول خواهد بود. وی گزارش خود را مستقیماً به هیئت‌های داوری خواهد داد، هیئت، رای خود را که لازم الاجراست صادر می‌کند و در صورت عدم پذیرش، مورد به مرجع بالاتر فرستاده می‌شود. و رای قطعی صادر می‌شود. برای " حسابرسی" شکایات سرمایه‌ای و مالی نیز هیئتی به‌همین نام پیش‌بینی شده که از " تعدادی برادران حسابرس و مطلع به امور مالی" ترکیب می‌شود و پنج رابط در آن وجود دارد که عبارتند از: رابط با وزارت دارائی، سازمان تامین اجتماعی، گمرکات و وزارت بازرگانی



### از یادداشتهای فدائیان خلق:

بفیه از صفحه ۴

# سرشار از شوق پیروزی...

بقیه از صفحه ۱۱

## انقلاب السالوادور...

فدراسیون انقلابی اتحادیهها، فدراسیون متحده اتحادیههای السالوادور، اتحادیه کارگران صنایع متحده، فدراسیون کارگران صنایع مواد غذایی و نساجی، فدراسیون کارگران السالوادور، انجمن شرکت‌های اتوبوسرانی السالوادور، در این جبهه شرکت داشتند.

در ۱۸ آوریل ۱۹۸۰ پیشرفت جدیدی در شرایط ذهنی انقلاب به وجود آمد و از اتحاد "شورای هماهنگ کننده توده‌ها" و "جبهه دمکراتیک" یک رهبری واحد به نام "جبهه دمکراتیک انقلابی" تشکیل شد. جبهه دمکراتیک انقلابی تمامی سازمان‌های مترقی و توده‌های السالوادور را در خود متشکل کرده است. رهبر این جبهه شخصی به نام انریک الوارز می‌باشد که در شورای دولتی وزارت کشاورزی را برعهده داشت.

رهبری متحد انقلابی و "جبهه دمکراتیک انقلابی" بعنوان دو نیروی سیاسی اصلی انقلاب السالوادور، مبارزات مردم را در راه سرنگونی رژیم وابسته به امپریالیسم، رهبری می‌کنند. پلانفرم جبهه دمکراتیک انقلابی، عمده‌ترین اهداف انقلاب السالوادور را، که در راس آن سرنگونی دیکتاتوری نظامی-الیکارشی و امپریالیسم ایالات متحده و استقرار دولت دمکراتیک انقلابی براساس اتحاد نیروهای انقلابی و دمکراتیک است، بیان می‌دارد. نابودی تمامی رشته‌های وابستگی اقتصادی، سیاسی و نظامی السالوادور به امپریالیسم یانکی، پایان دادن به قدرت اجتماعی صاحبان زمین، ناموس دمکراسی سیاسی و حقوق دمکراتیک برای تمامی خلق، بخصوص طبقه کارگر، انتقال وسایل اساسی تولید به تمامی خلق از طریق ملی کردن بانکها، تجارت خارجی، گشتزارها، شرکت‌های بزرگ و غیره، بالا بردن سطح زندگی مردم، انحلال ارتش ضد خلقی و ایجاد ارتش خلق، شرکت تمامی مردم در تصمیم‌گیری، اجرای سیاست خارجی براساس استقلال، همزیستی مسالمت‌آمیز، حقوق برابر بین ملت‌ها و احترام متقابل از جمله مواد اصلی برنامه جبهه می‌باشند.

در همان حال که شرایط ذهنی هر چه بیشتر مهیا می‌گردد، دامنه مبارزات مردم السالوادور هر روز بیشتر گسترده می‌شد. در حقیقت از آغاز سال ۱۹۸۰ این مبارزات وارد مرحله بسیار متکامل‌تری گردیده است. روز ۲۲ ژانویه ۱۹۸۰ چهار سازمان اصلی تشکیل دهنده "رهبری متحد انقلابی" به مناسبت پنجاه و هشتمین سالگرد قیام توده‌های ۱۹۳۲ مردم را به یک راهپیمایی دعوت کردند. بیش از صد هزار نفر از کارگران و دهقانان در این راهپیمایی عظیم و بی‌سابقه شرکت کردند. شورای دولتی در مقابل انبوه تظاهر کنندگان که بیش از یک هشتاد جمعیت شهر سان‌سالوادور را تشکیل می‌دادند به شدت عکس‌العمل نشان داد و نیروهای سرکوبگر خود را به مقابله با تظاهرات فرستاد. تظاهرات به‌زودی به یک جنگ تمام عیار خیابانی تبدیل شد و در پایان روز بیش از هفتاد نفر کشته و ۲۵۰ نفر زخمی شده بودند.

پس از آن نیز دامنه این مبارزات هر روز اوج تازه‌ای گرفت. صفوف ضد انقلاب نیز هر روز فشرده‌تر گردید. دولت با مبارزان وسیع مناطق روستائی (که بسیاری از آنها عملاً تحت کنترل نیروهای انقلابی است) با ترور رهبران جنبش کارگری و دهقانی و با اقدامات سرکوبگرانه دیگر می‌کوشید این مبارزات را سرکوب نماید. در ۲۰ مه ۱۹۸۰ بیش از ۷۰ هزار نفر از کارکنان دست از کار کشیدند. در سوم ژوئن دهها هزار نفر از کارکنان خدمات عمومی اعتصاب گسترده‌ای را به راه انداختند... اینک انقلاب السالوادور در آستانه پیروزی قرار گرفته است. امپریالیسم آمریکا که در تحصیل راه حل یک حکومت نوع بختیار در السالوادور با شکست مواجه شده است، دست به تحریکات تازه‌ای بر علیه مردم این کشور زده است. در هفته‌های گذشته که نیروهای انقلابی حملات گسترده‌ای را سازمان دادند، ایالات متحده برنامه مداخله نظامی مستقیم و یا مداخله از طریق رژیم‌های ارتجاعی گواتمالا و هندوراس را تدارک می‌بیند. مسلم است که در چنین صورتی ویتنام دیگری در آمریکای لاتین برپا خواهد شد.

جنبش مردم السالوادور آموختنی‌های بسیاری دارد. و ما در آینه به بررسی جوانی دیگر از تجربیات مردم السالوادور خواهیم پرداخت.

زمین افتاد. اسرا حساب کار خودشان را کردند. با یک فرمان همه آنها را به خط کردم. مهمات و سلاح‌های سالم را برداشته و به راه افتادیم. هنگام حرکت فرمانده بور چراغ قوه‌اش را به صورت گروهیان عراقی انداخت. امید به زنده ماندن در چشمش شعله می‌کشید. نگاهی به صف اسرا انداخت بعد نگاهش را به سمت فرمانده برگرداند و با عجز به عربی چیزی گفت. فرمانده او را عقب زده و جای زخم را روی بدنش بررسی کرد. گلوله به شکمش خورده بود. فرمانده رو به ما کرد و گفت:

"باید نجاتش بدهیم. برش دارید ببریم."

فوری دست به کار شدیم. گروهیان عراقی را روی تخته‌ای گذاشته و چهار پاسدار آن را به دوش گرفتند. پاسدارهایی که گروهیان عراقی را روی دوش گرفته بودند، در تاریکی شب وزیر باران، برای نجات‌دانش به طرف اسلام‌آباد شروع به دویدن کردند.

ما هم اسرا را جلو انداخته و به صف به راه افتادیم. چند نفر در جلو، چند نفر از عقب، من هم با کلاشینکفی که محکم در دستهایم گرفته بودم، با پای اسرا پیش می‌رفتم. پاسدارانی که گروهیان عراقی را به دوش کشیده بودند، حالا خیلی از ما دور شده بودند. زمین گل‌آلود بود و ما تا مچ پا در گل فرو می‌رفتیم. چیزی قلمب را می‌فشرده. همین که شهر اسلام‌آباد از دور پیدا شد، کم‌کم پاسدارانی که در جلو می‌رفتم، سرودی را زمزمه کردند: "سرود پیروزی". کلاشینکف را در دستهایم می‌فشردم و با قدرت تمام همراهشان می‌خواندم. اسرای عراقی در سکوت گوش می‌دادند و در فکر فرو رفته بودند.

از یادداشت‌های یک فدائی در اسلام‌آباد



باران می‌بارید، به طرف مواضع دشمن به راه افتادیم بعد از ۴ ساعت راهپیمایی حدود ساعت ۶ بعد از ظهر که هوا تاریک شده بود، به محل استقرار دشمن رسیدیم به دلیل بارندگی شدید، خوشبختانه دشمن به داخل تانکها و نفربرهای خود پناه برده بود. باران زمین را به شدت گل کرده بود. گل زیادی ته پوتین‌هایمان می‌چسبید بطوری‌که نمی‌توانستیم قدم از قدم برداریم. با این وضع پیشروی امکان نداشت. به فکر چاره افتادیم. فرمانده عملیات، فکری کرد و گفت:

"پابرهنه می‌روییم. پوتین‌ها را در بیاورید!"

همه از این دستور استقبال کردند. با خوشحالی و دستپاچی پوتین‌ها را درآورده و پای برهنه به راه افتادیم. حالا راحت می‌توانستیم حرکت کنیم.

در زیر باران و تاریکی شب، بچه‌ها چنان با نظم و سکوت پیش می‌رفتند که حتی بغل دستی‌ام را هم در کنارم احساس نمی‌کردم.

حالا در فاصله ۱۰۰ متری دشمن قرار گرفته بودیم. فرمانده دستور حمله را صادر کرد. با آرپی‌جی تانکها را نشانه گرفتیم. همین که تانک اول را منفجر کردیم و روی تانک دوم آتش گشودیم سربازهای عراقی از تانکهای دیگر بیرون آمده و با دستهای بالا گرفته خود را تسلیم کردند. من مامور شدم که آنها را بازرسی کرده و دستهایشان را با طناب ببندم. پاسدارهای دیگر بلافاصله اسرا را محاصره کرده و تانکهای از کار افتاده را بازرسی کردند. فرمانده با کلاشینکفش مواظب اسرا بود.

من هم آنها را یک به یک بازرسی کرده و دستهایشان را با طناب بستم اما همین که به طرف یک گروهیان عراقی رفتم، نکانی خورد و اسلحه کمربش را بیرون کشید و خواست ماشه را به طرفم بچکاند که فرمانده درجا او را نشانه گرفت و رویش آتش گشود. گروهیان عراقی روی

این هجوم جایتمکارا— عراقی‌های مزدور پسرش را از دست داده و خانه‌اش را به آتش کشیده بودند، توانسته بود که از جنگ عراقی‌ها گریخته و خودش را به شهر برساند. وقتی او را به خانه می‌بردم در طول راه به سر خودش می‌زد و می‌گفت:

"حالا چه کنم؟ پسرم را کشتند... گندم‌ها را... پیرزن درمانده کرد را به خانه آوردم. اتاقم سرد بود. چراغ نفتی را روشن کرده، کنارش گذاشتم. تنها پتویم را روی پایش انداختم و با نفرت و کینه‌ای صدچندان تنگم را از دوش پائین آورده به دست گرفته و به کوچه

آدمی توپ‌های خمسه، خمسه دشمن باز به گوش می‌رسید. کینه و نفرت شدیدی نسبت به دشمنان خلق وجودم را پر کرده بود. اگر دولت، مردم زحمتکش روستاهای مرزی را مسلح کرده بود، عراقی‌های مزدور چگونه می‌توانستند به این راحتی وارد روستاها شده و روستائیان را به گلوله بسته و هستی‌شان را به آتش بکشند.

از یادداشت‌های یک رفیق فدائی در جبهه غرب



## سرود پیروزی طنین انداز است

از اینکه من هم می‌توانستم در این عملیات شرکت کنم خوشحال بودم. من روز و ساعت حرکت را نمی‌دانستم اما برای رسیدن زمان شروع عملیات، ساعت‌شماری می‌کردم تا بالاخره موقع شروع عملیات فرا رسید. ساعت ۲ بعد از ظهر چهارشنبه در حالیکه به شدت

# تبلیغ توده‌ای را حول ارگان سراسری سازمان گسترش دهیم

کمونستی در میان مردم می‌پردازند، اگر بپذیریم که نقش فعال کمونست‌ها در ارائه رهنمودها و سیاست‌های مشخص تاثیر عظیمی در تعمیق انقلاب ما دارد و...

آنگاه درک روشن‌تری از ابعاد و عمق وظیفه تبلیغی اعضا و هواداران سازمان که اساسا حول ارگان سراسری سازمان که بیاتر سیاست‌ها و ایده‌های پرولتری است، مشخص می‌شود. واقعیت این است که توده‌ها هنوز با ایده‌ها و افکار کمونستی، سیاست‌ها و شعارهای جنبش کمونستی بیگانه‌اند. آنها نتوانسته‌اند درک روشنی از سیاست‌های ما ندارند، بلکه آنباشته از آنتی کمونسیسم رایج از ذهنیتی منفی نسبت به کمونست‌ها سرشارند.

آیا کمونست‌ها توانسته‌اند سیاست‌ها و ایده‌های خود را آنگونه وسیع به میان توده‌ها ببرند که آنها در هر حرکت، در اتخاذ هر تصمیم، در برخورد با هر مسئله مشخص این ایده‌ها را با تفکرات و سیاست‌های بورژوازی و خردبورژوازی مقایسه کرده و در این تقابل به حقانیت کمونست‌ها مطمئن شده و یقین حاصل کنند؟ آیا ما توانستیم تبلیغ بی‌امان و پیگیر ایده‌های سوسیالیسم را در میان توده‌های میلیونی و در درجه اول در بین کارگران برای زدودن کلیه افکار و ایده‌های غیر پرولتری به پیش ببریم؟ آیا ما توانستیم در برابر زهر مهلک آنتی کمونسیسم پادزهر ترویج و تبلیغ ایده‌های سوسیالیسم و دستاوردهای عظیم و دورانساز سوسیالیسم را وسعت بخشیم؟

واقعیت این است که ما برای انجام حتی بخشی از این وظایف یک دنیا کار در پیش داریم. با تجهیز هر چه بیشتر به سلاح م. ل. و در سبزی با انحرافات متعدد و با پشت سر نهادن دوره‌ای پر تکاپو از پروسه تصحیح خطا اکنون سازمان توانسته است بیش از پیش حرکت تحولی خود را در راستای منافع طبقه کارگر ایران سمت دهد و ارگان سراسری سازمان بازتاب این پروسه تحولی و انعکاس این حرکت تحولی است ولی واقعیت این است که این سیاست‌ها نتوانسته است آنطور که باید برد توده‌های لازم را پیدا کند. نتوانسته است به نیروی مادی برای به حرکت درآوردن توده‌ها تبدیل شود.

این امری بدیهی است که تمامی توده‌ها، تمامی نیروهائی را که بالفعل و بالقوه آمادگی پذیرش برنامه‌های ما را دارند نمی‌توان در هسته‌های سرخ متشکل کرد. نمی‌توان تنها از طریق تشکیلات و یا تشکیلاتی کردن توده‌ها دانش سیاسی آنان را ارتقاء داد. این کار یعنی افزایش دانش و آگاهی سیاسی توده‌ها تنها از طریق فعالیت گسترده تبلیغی سازمان ممکن می‌شود. فعالیتی که عمدتا از طریق ارگان مرکزی و سراسری سازمان سامان می‌یابد.

ارگان سراسری سازمان از آنجائی که تمامی جوانب زندگی سیاسی - اجتماعی توده‌ها،

عامل به تدارک دیگر اشکال نفوذی و هجومی می‌پردازند.

از این روی کمونست‌ها نمی‌بایست یک لحظه و حتی یک لحظه از وظیفه اصلی خود که رشد و افزایش آگاهی توده‌ها و مسلح کردن آنان به مصالح انقلاب و منافع طبقاتی‌شان است غافل بمانند.

در عرصه مبارزه طبقاتی کنونی میهنان تاکید بر این وظیفه از زاویه دیگری نیز مطرح است و آن نقش و میزان تاثیر گذاری نیروهای خردبورژوازی ضدامپریالیست است.

برخی از این نیروها ناشی از موقعیت تاریخی- طبقاتی خود ضمن پیشبرد مبارزه ضدامپریالیستی که با ناپیگیری، تزلزل و ماساها همراه است و به واسطه عقب‌ماندگی ذهنی و عدم شناخت درست دوستان و دشمنان انقلاب تبلیغاتی آنتی کمونستی و جبهه‌گیری علیه نیروهای انقلابی را دامن می‌زنند امری که با مخدوش نمودن مرز میان دوستان و دشمنان انقلاب باعث کندی حرکت تحولی انقلاب شده و عملا زمینه‌ساز گسترش تبلیغات لیبرال‌ها و القاء اندیشه‌های امپریالیستی می‌گردد، بر این اساس اکنون در میهن ما در برابر انقلابیون کمونست وظیفه‌های خطیر و دورانساز قرار دارد. این وظیفه هم ناشی از درک ما از فعالیت عملی کمونست‌ها به شکل عام و هم ناشی از درک دیالکتیک مبارزه طبقاتی در شرایط مشخص کشورمان می‌باشد.

این وظیفه خطیر و دورانساز یعنی فعالیت تبلیغی حول ارگان سراسری سازمان وظیفه‌ای است که اجرا و کاربست آن به همانگونه که لنین می‌گوید: " در حقیقت عملی‌ترین کار انقلابی است." اگر بپذیریم که امپریالیسم با مددگرفتن از تمامی شیوه‌ها و وسایل و امکانات با کاربرد

● آنتی کمونسیسم معاصر که در شرایط کنونی با شدتی بی‌سابقه سه نیروی جبهه انقلاب جهانی یعنی: اردوگاه سوسیالیسم، طبقه کارگر کشورهای سرمایه‌داری و جنبش‌های رهاشی بخش ملی را هدف قرار داده است، اکنون در میهن ما میدان جولان مناسبی یافته است.

ظریف‌ترین شیوه‌های روانشناسانه به‌گونه‌ای سازمان یافته ذهنیت توده‌ها را هدف قرار داده است، اگر بپذیریم که لیبرال‌ها هر لحظه بر ابعاد تبلیغ ضدانقلابی و ضد کمونستی خود می‌افزایند، اگر به ابعاد تاثیر سو و مخرب آنتی کمونسیسم در تمام اشکال و شیوه‌های واقف هستیم و بپذیریم که طیف وسیعی از نیروها از خردبورژوازی و پس‌گرا تا لیبرال‌ها، از حامیان بنی‌صدر تا گروه‌های سه‌جبهائی و سه‌جهانی‌های شرمگین با چه وسعت و ابعادی به تبلیغات ضد

★ در شرایط کنونی که مبارزه ضدامپریالیستی توده‌های خلق هر روز ژرفا و گسترش بیشتری می‌یابد، در شرایطی که امواج کوبنده انقلاب در پهنه طوفانی میهنان هر لحظه سدها و مواج تازمائی را در هم می‌کوبد، زمانی که پا به پای رشد و گسترش انقلاب، ضدانقلاب نیز جبرا گسترش یافته و هر لحظه در چهره‌ای و به شکلی عریان می‌گردد، وقتی که امپریالیسم تمام توش و توان سیاسی - نظامی و روانی - تبلیغی خود را برای درهم شکستن انقلاب به‌کار گرفته است و لیبرال‌ها عریان‌تر از هر زمان دیگر یورش به انقلاب و دستاوردهای آن را تدارک می‌بینند، و توده‌ها از هر سو، چه از طریق رادیوهای متعسدد امپریالیستی و چه از طریق روزنامه‌ها و جراید کثیرالانتشار لیبرالی در معرض بمباران دائمی ایده‌ها و اندیشه‌های بورژوازی قرار دارند، در این زمان و در این شرایط وظیفه ارتقا دانش و آگاهی سیاسی توده‌ها به‌منابه خطیرترین وظیفه انقلابی در برابر انقلابیون کمونست قرار گرفته است.

آنتی کمونسیسم معاصر که در شرایط کنونی با شدتی بی‌سابقه سه نیروی جبهه انقلاب جهانی یعنی اردوگاه سوسیالیسم، طبقه کارگر کشورهای سرمایه‌داری و جنبش‌های رهاشی بخش ملی را هدف قرار داده است و می‌کوشد با شیوه‌ها و اشکال گوناگون به‌منابه عملی بازدارنده در برابر اشاعه اندیشه انقلابی عمل نماید، اکنون در میهن ما میدان جولان مناسبی یافته است. در این زمینه تلاش لیبرال‌ها به ویژه چشم‌گیر است. آنها از آنجائی که بقایشان در فریفتن مردم است، با استفاده از همه امکانات موجود و به پشتوانه سرمایه‌های عظیم و پول‌های کلان، از طریق تربیون‌های مجلس، از طریق "میزان"، "انقلاب اسلامی" و درآینده (والعصر) با دروغ و نیرنگ، بهمت و افترا و دسائس‌الحیل، تخریب‌آذهان عمومی، مخدوش نمودن مرز نیروهای انقلاب و ضد انقلاب تزییق و القاء زهر مهلک افکار بورژوازی را پیش می‌برند.

امپریالیسم و بطور مشخص لیبرال‌ها در هراس از رشد انقلاب و برای جلوگیری از تعمیق آن با هر آن نیروئی که در جهت انقلاب گام برمی‌دارد در عرصه جهانی و داخلی به مصاف برخاسته‌اند و در این پیکار از هیچ اقدامی و کاربرد هیچ تاکتیکی رویگردان نیستند. ستیز تبلیغی - روانی امپریالیسم و لیبرال‌ها یقینا تنها یکی از شیوه‌ها و اشکال رویارویی آنان با توده‌ها و انقلاب است. آنان در کنار اقدامات اقتصادی - سیاسی و نظامی هیچگاه از شیوه‌های تبلیغی روانی چشم نخواهند پوشید. ولی از آنجائی که آگاهی توده‌ها در عصر کنونی به منابه عملی تعیین کننده در حرکت تاریخی عمل می‌کند و امپریالیست‌ها نیز بر این قانونمندی واقف هستند آنها دامنه توجه و سرمایه‌گذاری در امر تبلیغات را مرتبا افزایش می‌دهند و بر بستر همین

گسسته باد همه وابستگی‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی، و فرهنگی با امپریالیسم جهانی بسر کردگی امپریالیسم امریکا

بقیه از صفحه ۲۲

### تبلیغ توده‌ای را...

تمامی حرکات طبقات و اقشار مختلف مردم تمامی فعالیت‌های صنفی و سیاسی طبقه کارگر را مورد بررسی و ارزیابی و جمع‌بندی قرار می‌دهد، از آنجائی که با مسایل ملموس توده‌ها بطور پیگیر برخورد می‌کند، و با تکیه بر تجارب جهانی پرولتاریا به ارائه دستاوردهای پرولتاریای پیروزمند در کشورهای سوسیالیستی می‌پردازد، اکنون محور سازماندهی و انتقال آگاهی است. ولی برای آنکه ارگان سراسری بتواند بطور واقعی این نقش خود را ایفا نماید و برای آنکه بتواند توده‌ها را وسیعاً در جهت کسب آگاهی طبقاتی‌شان، و حرکت در راستای انقلاب به حرکت درآورد، باید بتواند زبان گویا و گوش واقعا بشنوی توده‌ها باشد.

ارگان سراسری باید بیانگر خواست و اراده توده‌ها و به‌ویژه طبقه کارگر یعنی زبان گویا و برنده توده‌ها باشد تا بتواند نقش سازمانده فعالیت‌های عملی توده‌ها را انجام دهد. برای آنکه چنین باشد باید هزاران گوش و شاخک‌های حسی، گیرنده این نیازها و خواست‌ها، مسائل و مشکلات باشند. تنها در این صورت یعنی کار شیان‌روزی، دقیق، منظم، مسئولانه و خستگی‌ناپذیر شبکه عظیم هواداران در برخورد با مسائل ملموس و نیازها و حوادث و جمع‌آوری اطلاعات و اخبار است که سازمان می‌تواند تحلیل‌گر و تنظیم‌کننده حرکات توده‌ها بوده و نقش خود را در سازماندهی این حرکت به نحو احسن انجام دهد.

این اشتباه است اگر تصور شود که نقش شبکه عظیم هواداران به همین‌جا ختم می‌شود و آنها تنها نقش منفعل گیرنده‌های حسی و انتقال داده‌های آماری و اطلاعات خبری را دارند. این کار که به‌نوبه خود از اهمیت بالائی برخوردار

\* افزایش دانش و آگاهی سیاسی توده‌ها تنها از طریق فعالیت گسترده تبلیغی حول ارگان مرکزی و سراسری سازمان منعکس می‌شود.

است، تنها بخشی از مجموعه وظائف عملی و انقلابی اعضا و هواداران را تشکیل می‌دهد. آنچه که در سازمان تحلیل و جمع‌بندی می‌شود، سیاست روشن و مشخصی که براساس واقعیات موجود در قبال طبقات اتخاذ می‌شود، دانش مارکسیستی - لنینیستی، اندوخته تجربی جنبش‌های پرهای بخش دستاوردهای سوسیالیسم که تماماً در ارگان سراسری سازمان منعکس می‌گردد، می‌بایست توسط همین شبکه به‌میان توده‌های مردم برده شود. برای آنکه بتوانیم سازمانده حرکات توده‌ها باشیم، برای آنکه بتوانیم آگاهی سیاسی و طبقاتی را به میان توده‌ها و طبقه کارگر ببریم، برای آنکه بتوانیم توده‌ها را از قید افکار لیبرالی و امپریالیستی و از زیر فشار تبلیغات ضدکمونیستی، خرافات و کهنه‌پرستی‌ها سازیم باید با استفاده از شیوه‌ها و تاکتیک‌های گوناگون، ارگان سراسری سازمان را هر چه بیشتر و سریع‌تر به دست توده‌ها برسانیم. این وظیفه انقلابی

تمامی اعضا و هواداران در قبال نشریه مرکزی سازمان است. آن وسیله و آن عاملی که می‌تواند مرکزیت، اعضا و هواداران را در ارتباطی هماهنگ قرار داده و این مجموع ارگانیک را به دستاوردهای غنی و انقلابی توده‌ها متکی ساخته و همه را در خدمت تعمیق و گسترش انقلاب به‌کار گیرد، یقیناً ارگان مرکزی و سراسری سازمان است.

لنین می‌گوید:  
"من با زهم به اصرار خود ادامه می‌دهم که رابطه واقعی (رابطه بین انقلابیون سراسر کشور) را فقط براساس یک روزنامه‌عمومی می‌توان آغاز کرد. که به‌منزله یگانه موسسه عمومی و منظم... باشد و نتایج انواع کاملاً گوناگونی فعالیت را جمع‌بندی نماید و بدین طریق افراد را تکان دهد تا بطور خستگی‌ناپذیری در تمام راه‌های بی‌شماری که همانطور که همه راه‌ها به رم منتهی می‌شود، همه آنها نیز به سرمزول انقلاب منتهی می‌گردند، پیشروی نمایند."

"لنین - چه باید کرد" نیروهائی که در این رابطه سازمان می‌یابند از رفقای گزارشگر تا مرکزیت سازمان از تحریریه کار تا رفقای چاپ و بالاخره تمامی رفقای که آن را

\* هر روز با ابتکاری جدیدتر و شیوه‌ای موثرتر باید کار توزیع شود، باید برای کارخانه‌ها شناسنامه تهیه کنیم. کارگران، کارمندان و همسایه‌ها را آبیون کنیم، دک‌های فروش نشریه و پخش سیار آن را سازمان دهیم. تکه‌های جداگانه از آن را متناسب با محل فعالیت باز - تکثیر و پخش کنیم و بر اساس آن در ابعاد میلیونی مستقیماً با مردم سخن بگوئیم.

در اختیار مردم قرار می‌دهند. مجموعه عظیمی هستند که براساسی یکی از اساسی‌ترین ستون‌ها و پایه‌های آگاهی سازمان‌یابی را در میان مردم مستقر می‌سازند. اگر مطالب در کوتاه‌ترین مدت گزارش شود، و مقالات و اخبار به بهترین شکل و با محتوی غنی نگاشته شود، ولی نشریه مرتباً سریع به دست مردم نرسد، در واقع کار مهمی انجام نیافته است. باید "کار" ارگان سراسری سازمان و زبان گویای توده‌ها در هر کارخانه و کارگاه، در هر شهر و روستا، در کوچه و خیابان، مدرسه و دانشگاه و خلاصه در هر آنجائی که توده‌های مردم هستند، توزیع شود.

هر روز با ابتکاری جدیدتر و شیوه‌ای موثرتر باید "کار" توزیع شود، باید برای کارخانه‌ها شناسنامه تهیه کنیم. کارگران، کارمندان و همسایه‌ها را آبیون کنیم، دک‌های فروش نشریه و پخش سیار آن را سازمان دهیم. در اسرع وقت و با هر امکائی نشریه را به دست آشنایان، فامیل، همکاران، هم محله‌ای‌ها برسانیم، تکه‌های جداگانه از آن را متناسب با محل فعالیت باز تکثیر و پخش کنیم و بالاخره براساس داده‌ها و موضع‌گیری‌های نشریه در ابعاد میلیونی مستقیماً با مردم سخن بگوئیم. تنها از این طریق است که می‌توانیم وظایف انقلابی خود را انجام داده و عملی‌ترین کار انقلابی "را به نحو احسن به نمر برسانیم،

رفقا!

نقش عظیم مطبوعات حزبی در سازماندهی مبارزه طبقاتی که ما اکنون از آن درک دقیق‌تر و مشخص‌تری یافته‌ایم، ما را بر آن داشته‌است که در جهت سازماندهی هرچه منظم‌تر و دقیق‌تر نشریه بکشیم. انعکاس این درک و کوشش را می‌توان از هر لحاظ، چه شکل و چه محتوی در "کار" یافت. ما توانستیم با قوت بخشیدن به ارتباط نشریه روز به روز آن را تکامل بخشیم و بردمانه این کوشش‌ها نیز خواهیم افزود. و اکنون و پایه‌های آن و بیشتر از آن می‌بایست بر توزیع هر چه بیشتر "کار" در میان توده‌ها تأکید کنیم. وظیفه‌ای که برعهده همگی ماست. پس رفقا! به‌پیش! به پیش برای گسترش هرچه وسیع‌تر تبلیغ توده‌ای حول ارگان سراسری سازمان.

بقیه از صفحه ۱۳

### دوستان مجاهد

آن، از جمله لیبرال‌ها به جمهوری اسلامی ایران، از "خط امام" حمایت می‌کنند. جنبه انقلاب در عرصه جهانی امتداد دارد. هم از این رو تمامی دولت‌های ترقیخواه و ضد امپریالیست و هم کشورهای سوسیالیستی نیز به دفاع از "خط امام" و جمهوری اسلامی ایران برخاسته‌اند. در عرصه جهانی هیچ نیروی ترقیخواه، ضد امپریالیست و انقلابی را نمی‌توان یافت که به دفاع از "خط امام" و انقلاب ایران برخاسته باشد.

برعکس، امپریالیسم جهانی، تمامی دولت‌های ارتجاعی جهان و همه آن نیروهائی که مورد حمایت امپریالیسم هستند، به دشمنی با "خط امام" برخاسته و خواهان سرنگونی جمهوری اسلامی ایران هستند.

شما هیچ چاره‌ای ندارید جز اینکه هر چه زودتر به مردم توضیح دهید که جنبه انقلاب ایران از نظر شما کدام نیروها را در بر می‌گیرد و این نیروها با چه مختصاتی تشخیص می‌یابند. چه همه آن نیروهائی که دشمن انقلاب مردمند و شبانه روز در تلاش به شکست کشاندن انقلاب مردم ما هستند، هم اکنون شما را دوست خود معرفی می‌کنند. شما می‌گوئید:

"مبارزه‌ی ضد امپریالیستی راهی است که پیمودنش در صحنه سیاسی کنونی ایران هم جگر می‌خواهد و هم اصلت و هم کفایت و هم پیشه‌داری و هم ادراک عمیق انقلابی" مجاهد شماره ۱۰۵۳ - جنبه متحد ارتجاع ما هم سخت بر این اعتقاد هستیم، به مصداق "دو صد گفته چون نیم کردار نیست" از شما می‌خواهیم که در عمل به آنچه که ادعا می‌کنید وفادار بمانید.

سرنوشت انقلاب، امروز بیش از هر زمان به تصمیمات درست نیروهای انقلابی گره خورده است - انقلاب امروز باید همه نیروی خود را گرد آورد و متحد سازد. این یگانه راه پایداری و شرط لازم برای درهم شکستن تمام نقشه‌هایی است که امروز جنایتکاران جهانی برای به تسلیم کشاندن مردم ما مدبداً دیده‌اند. ما باید آغازگر و پیشگام این راه باشیم. ما باید انقلابی باقی بمانیم وقت تنگ است زمان را دریابیم.

## بیانیه

### سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت) - شاخه کردستان

#### بمناسبت (۲۲ ربه ندان)

دوم بهمن امسال مصادف با سی و ششمین سالگرد تاسیس جمهوری خودمختار کردستان است. پیکار خلق کرد، برای رهایی از ستم ملی دارای سوابق و سنتهای تاریخی کهن سالی است. در تمامی مراحل مختلف مبارزه خلق کرد برای رهایی از ستم ملی، استقلال و آزادی خلق کرد در پیوندی جدائی ناپذیر با استقلال و آزادی تمامی

مردم ایران مورد نظر بوده و هست. سازمان ما خاطره مبارزات قهرمانانه خلق کرد به رهبری شهید قاضی محمد را بزرگ می‌دارد و با آگاهی بر تاثیر انگار - ناپذیر حل عادلانه مسئله کردستان بر روند انقلاب ایران، برای حل عادلانه و مسالمت‌آمیز مسئله کردستان همچنان پیگیرانه تلاش می‌کند.

در صفحه ۵

### لغو ماده ۳۳ قانون کار آریامهری خواست مبرم کارگران است

طرح‌های ارائه شده از جانب روزنامه جمهوری اسلامی و (صالحان سازنده) برای جلوگیری از اخراج کارگران طرح‌های مبهم و نارساست

\* ماده ۳۳ قانون کار، از جمله ننگین‌ترین مواد قانون کار آریامهری است که هنوز بر روابط میان کارگر و کارفرما حاکم است. هنوز به استناد آن کارگران اخراج می‌شوند و کمترین امنیت شغلی در برابر این "حکم قانونی" ندارند.

\* در تمامی طرح‌های پیشنهادی آنچه که در نظر گرفته نشده است، نقش تشکلهای و سازمان‌های کارگری است که می‌باید به نمایندگی از کارگران در هیئت‌های حل اختلاف شرکت کنند.

\* باید در قانون جدید موارد اخراج روشن و مشخص بیان گردد. زیرا ذکر جملات مبهم و کلی همیشه دستاویز کارفرمایان برای اخراج بی‌رویه و دلخواه کارگران بوده است.

مگر به اتکای ضوابط مبهم و قابل تفسیر نبود که پس از انقلاب بسیاری از کارگران انقلابی و مبارز را که نقش شایسته‌ای در پیروزی انقلاب داشتند، از کارخانه‌ها اخراج کردند؟

در صفحه ۶

### آقای پالمه! تنها راه پایان جنگ تحمیلی،

#### بیرون رفتن ارتش متجاوز صدام از میهن ماست

● در طول جنگ تجاوزکارانه‌ای که رژیم صدام بر میهن انقلابی ما تحمیل کرده، این دومین ناری است که نماینده سازمان ملل متحد، آقای اولاف پالمه "وارد کشور ما می‌گردد. بدون شک ایشان در جریان دیدار قبلی‌شان، چه در طول مذاکراتی که با مقامات جمهوری اسلامی داشته‌اند و چه از طریق

مشاهده مستقیم مناطق جنگ‌زده میهمان، متوجه این واقعیت شده‌اند که عامل جنگ‌کدام یک از دو طرف جنگ بوده و نیروی مسلح کدام یک از دو طرف به خاک دیگری تجاوز کرده و همچنان به تجاوز خود ادامه می‌دهد! آقای پالمه از نزدیک دیدید که موشک‌های ۹ متری و ۱۲ متری که در درفول، اهواز و بخشی از مساطق غرب و جنوب ایران باعث

بقیه در صفحه ۱۴

در راه خلق فداکار و در برابر دشمنان مردم تسلیم ناپذیر باشیم. گرامی باد خاطره رفقای شهید دی ماه

- \* حسن نوروزی \* محمد بیرزاده جهری
- \* سعید بیابان \* ابراهیم یورزانی خلیق
- \* فتح‌الله کریمی \* عزتی حاج شفیعی‌ها
- \* سرور فرهنگ \* بهمن روحی آهنگران
- \* فتحعلی بیابان \* فاطمه (شمسی) نهانی
- \* سعید برونش \* فاطمه حسن پوراصل
- \* فاطمه ادرنا \* مصطفی دقیق هم‌هدایی

در دفاع از انقلاب، در دفاع از استقلال میهن و در راه ایران پر افتخار طبقه کارگر، فدائیان خلق در سنگرهای سرج مقاومت، در عرصه‌ای از پیکار تاریخی خلق برگزیده ما، هر روز جان‌های عزیز را در راه انقلاب شایسته می‌کند. خون پاک رفقا، دانشمندان و دره‌های میهن را گلگون می‌سازد و سادت می‌دهد. لاله‌زاران سرجی را که ایران مستقل، آباد و دموکراتیک فردای پیروزی رزمندگان بر آن بنا می‌شود.

#### فدائیان خلق، رفقای شهید سنگرهای پیکار با تجاوزگران

- \* اکبر بدلی \* غلام‌عباس نجرند
- \* اکبر فخور \* عبداللہ رنجبی
- \* امیر آقایی \* محمدرضا آذریان
- \* علی عماد \* سهلا ستمان زاده
- \* جواد کنجی \* حبیب‌الله فرحبخش
- \* البرز یوسفی \* امیراهم سکرچی
- \* مریم ربیعی \* نندالحسن شافعی
- \* رحیم خلیقی \* محمود انثرو آبادی
- \* سید کوسس \* فردون برتقی زاده
- \* بهرام ورامنی \* محمد قاسم فتح بیگی
- \* محمود آخو \* محمد مهدی نیک‌اندام
- \* خسرو کریمی \* محمد اسدانه نژاد رودبه
- \* حسین شریعتی \* محمدحسین صدرا نادی
- \* عبدالله مرادی \* رحمت‌اله (امیر) اسفندیاریور
- \* محمید سازدان \* توری نیسانان

#### بیروزاد آرمان انقلابی رفقای شهید

سه هزار تن از روستائیان گنبد خواهان اجرای بند (ج) شدند

در صفحه ۷

